



فدراسیون یهودیان ایرانی

شماره

شوفار

SHOFAR

# Iranian Jewish Federation

سال چهارم - شماره ۳۶ - خرداد، تیر ۱۳۶۴ - جون ۱۹۸۵

## دشت

باد باد آن مهربانی های باد،  
 «باد باد آن روزگاران باد باد»  
 \* \*  
 دشت، با اندوه تلخ خویش تنها مانده است.  
 ز آنهمه سرسبزی و شور و نشاط  
 سنگلاخی سرد بر جا مانده است.

آسمان از ابر غم پوشیده است  
 چشمه سار لاله ها خوشیده است  
 \* \*  
 جای گندمهای سبز،  
 جای دهقانان شاد،  
 خارهای جانگزا جوشیده است!  
 بانگ بر میدارم از دل:  
 «خون چکید از شاخ گل، باغ و بهاران را چه شد؟  
 دوستی کی آخر آمد؟ دوستداران را چه شد»؟  
 \* \*  
 سرد و سنگین، کوه میگوید جواب:  
 - خاک، خون نوشیده است!  
 از: فریدون مشیری

در نوازش های باد،  
 در گل لبخند دهقانان شاد،  
 در سرود نرم رود،  
 خون گرم زندگی جوشیده بود.  
 \* \*  
 نوشند مهر آب،  
 آبشار آفتاب،  
 در صفای دشت من کوشیده بود.  
 شبنم آندشت از پاکیزگی  
 گوئیا خورشید را نوشیده بود!  
 \* \*  
 روزگاران گشت و... گشت:  
 داغ بردل دارم از این سرگذشت  
 داغ بردل دارم از مردان دشت...  
 \* \*  
 یاد باد آن خوشنوا آواز دهقانان شاد،  
 یاد باد آن دلنشین آهنگ رود،



# شرکت ایتالین آرت اند دیزاین

در قیمت گذاری رقیب و نظیر ندارد

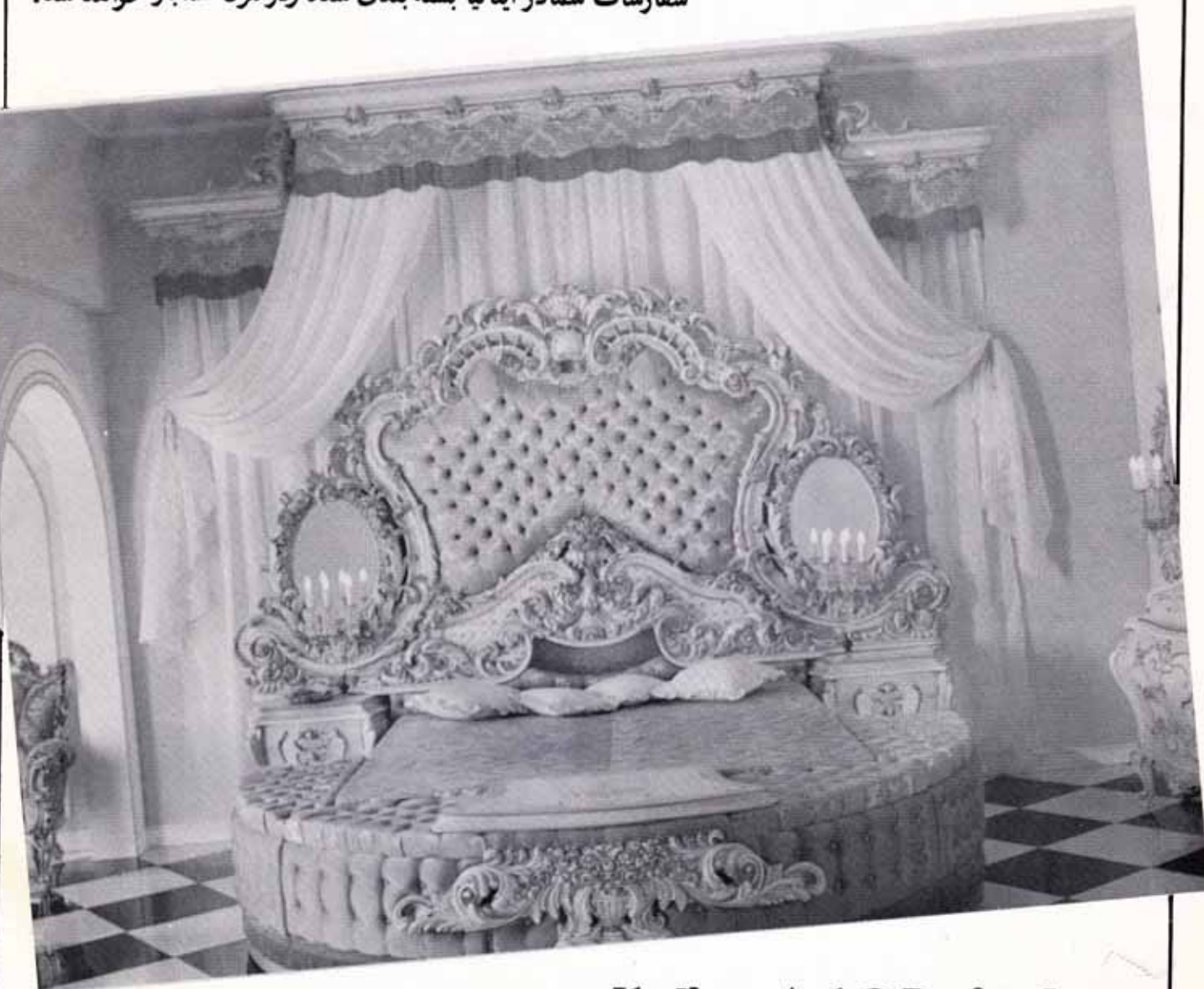
وزیر نظر تحصیل کرده ایتالیا و در اختیار داشتن ده ها مدل

از شیک ترین و مجلل ترین مبلمان استیل و بیشتر از ۲۰ مدل سرویس

اطاق خواب های زیبا و رویائی در خدمت نوعرسان و هموطنان عزیز می باشیم.

انواع میز تحریر و کتابخانه و نیز میز و صندلی جهت آشپزخانه، رستوران، هتل و متل

سفارشات شما در ایتالیا بسته بندی شده و در منزل شما باز خواهد شد.



**Italian Art & Design Inc.**

7943 Haskell Ave.

(۸۱۸) ۹۰۱-۹۶۰۰

Van Nuys, CA 91406

(۸۱۸) ۹۹۴-۴۲۲۷



## لوئی شانزدهم

ماگران ترین ما را پیشیناومی نمائیم ،  
چون روش ما عرضیهترین هست .

ما : کریتالهای معروف و نامی جهان و سیلوریلتهای  
اروپائی و آمریکائی در طرح های بی نظیر و کلتیوینی  
از زیباترین چینی های سلطنتی : لیموژ فراسنه ، دوپال کینهاگن  
دانمارک و زینال آلمان و... را قدارک ما انتخاب شمارحت و آسان باشد

آدرس : دتوراموار ۱۶۹۵۴ روبروی پارک پست آفیس اینسنو .

# LOUIS XVI

(818) 986-3310

16954 Ventura Blvd., Encino

## کمک به یهودیان حبشه

فدراسیون یهودیان ایران و سازمان های وابسته مبلغ ۳۵۰۰۰ دلار به شرح زیر برای کمک به یهودیان حبشه و همچنین خدمات انجام شده توسط  
**JEWISH FEDERATION COUNCIL**  
 به سازمان مربوط پرداخت نموده اند. این کمک علاوه بر کمک هائی است که سازمان ها و افراد دیگر نیز به همین منظور به جوئیش فدریشن پرداخته اند.

فدراسیون یهودیان ایران ۱۵۰۰۰ دلار  
 سازمان نصح اسرائیل ۷۵۰۰ دلار  
 مجتمع فرهنگی ولی ۷۵۰۰۰ دلار  
 سازمان سیامک ۵۰۰۰ دلار

ذیلاً متن نامه رسیده از آقای Ted Kanner مدیر اجرایی جوئیش فدریشن را برای اطلاع درج می نماید



**JEWISH FEDERATION COUNCIL**  
 OF GREATER LOS ANGELES

5505 WILSHIRE BOULEVARD • LOS ANGELES, CA. 90048 • 852-1234

Executive Vice President  
 TED KANNER

May 1, 1985

Dr. Soleiman Aghaie, President  
 Iranian Jewish Federation  
 6505 Wilshire Blvd., Suite 1101  
 Los Angeles, CA 90048

Dear Dr. Aghaie:

I want to acknowledge with appreciation receipt of the check from organizations affiliated with the Iranian Jewish Federation in the amount of \$35,000.00.

I acknowledge the list enclosed in your letter and I would very much appreciate your office sending me the addresses and names of the principal leadership of each of those organizations so that I might acknowledge appropriately their individual contributions.

I look forward to future meetings so that we might discuss the continuing relationship between the Iranian Jewish Community and the Jewish Federation Council of Greater Los Angeles.

Sincerely,

Ted Kanner

TK/fif

است که تبری از آنها مایه گناه نیست، مانند اعتقاد به بوجود آمدن هستی ازعدم، لایتغیر بودن قوانین، ظهور ماشیح که آلبوبازحمت و درد به آن اشاره می کند و می گوید که اینها جزء جدائی ناپذیر دین یهود نیست. نتیجه مهمی که اوازاین راه بدست آورده این است که سعادت بشر با پیروی از یک فرمان واحد تأمین می شود. منظور اواز بیان این عقیده آن بوده است که مسیحیان در آن زمان اعتقاد داشتند که نزول فرمان های دهگانه خداوند ناشی از خشم او بر ملت یهود بوده تابدینوسیله فرصت گناه افزایش یابد و نیاز به رحمت خداوند بیشتر شود. ناراحتی درونی آلبو در نوشته های او بخوبی هویدا است زیرا می گوید تنها کسانی مرتکب کفر می شوند که دانسته و عمدتاً باتورات به مخالفت برخیزند و آنکه بعلمت گمراهی منکر یکی از اصول اساسی دین می شود و می گوید در تورات از او خواسته نشده که به این کتاب اعتقاد داشته باشد، چنین شخصی فقط اشتباه می کند و شایسته عفو پروردگار است و نباید وصله بی دینی به او چسبانده شود.

باجوزف آلبو صف فیلسوفان یهودی در قرون وسطی بپایان می رسد. بعد از آلبو، فلسفه یهودی به عنوان یک میراث فکری و مذهبی به نسل های بعد داده شد تا این نسلها آن را بشکافند، تعبیر و تفسیر کنند و بر آن اضافه کنند ولی هیچ کوششی بعمل نیامد تا این افکار را با مسائل پیچیده فلسفه در دوران معاصر ارتباط دهند. بعد از این دوران افکار فلسفی تعدادی از فلاسفه یهود که در میان آنها اسپینوزا مشهورترین نامی است که می شناسیم ریشه هائی در میراث یهود دارد ولی در واقع تا آغاز دوران جدید دیگر فیلسوفی به معنای کلمه از میان یهودیان برنخاست. دلیل این توقف، تجربه های تلخ زندگی یهودیان اسپانیا در قرن پانزدهم است که متاسفانه فیلسوفان خود اولین کسانی بودند که به وحشت آفرینی کلیسا تسلیم شدند. از این تاریخ به بعد نیروی فکری یهودیان متوجه پرورش سنت های قومی و مطالعه تلمود ورشته های نزدیک به آن شد و آنها که به تفکر علاقه داشتند بدنبال درویشی و صوفیگری رفتند که بعدها تاثیراتی در طرز فکر و عمل بعضی از یهودیان گذاشتند تا اینکه در عصر روشنگری در قرن هیجدهم نهضت های فکری جدیدی در میان یهودیان بوجود آمد.



ابن میمون

ترجمه: دکتر بروخیم

نیامده است برای اولین دفعه مجدداً درب آن باز می شود تا آنکه در خدمات این دانشمند عالیقدر عالم یهودیت تجلیل بعمل آورده شود. ربای یوسف هخت از پیروان ربای مناخس شیرسن رهبر یکی از مهمترین گروه حسیدیم اسرائیل و بروکلین می گوید: «مایهودیان معتقدیم که روح رفتگان و وفات یافتگان در روز سالگرد وفاتشان هنگام برگزاری مراسم نماز و گفتن قدیش و خواندن هسکاوا و بردن نام متوفی حاضر می شود. بنابراین در این مراسم هم روح ابن میمون حاضر ناظر است و تحت تاثیر قرار خواهد گرفت. با وجود آنکه برگزاری چنین مراسمی اعلام نشده بود معهذاً در بسیاری از محافل بین المللی فلسفه و آثار ابن میمون مورد بحث و تفسیر قرار گرفت.

**حضور مقامات اسرائیلی:** سفير اسرائیل در مصر موشه ساسون در این مراسم بالباس تمام رسمی حضور بهم رسانیده و به زبان عبری سخنرانی نمود ولی هیچیک از مقامات مصری که دعوت شده بودند در این جلسه حضور بهم نیافتند.

ربای هخت که از طرف یهودیان بروکلین که هشت سال قبل به اسرائیل اعزام شده بود گفت که «او و چندتن دیگر از روحانیون لوباوویچ در سال گذشته روزانه به سه مبحث از «میشنه تورای مایمونید» به بحث و گفتگو پرداخته اند بطوریکه بتوانند تادروز سالگرد تولدش آنرا با تمام برسانند». یهودیان مصر اخیراً درصدد آن برآمده اند که کنیسیای رامبام را که محل برگزاری این مراسم است ترمیم و مرمت نمایند و تا به امروز به تعمیر طبقه اول آن موفق شده اند، ولی بعلت تعداد کم یهودی که در مصر اقامت دارد امید آنرا ندارند که بتوانند به ترمیم کامل آن موفق شوند. از تعداد یکصد هزار یهودی که در مصر زندگی می کردند در حال حاضر فقط ۲۵۰ نفر یهودی در مصر زندگی می کنند و بقیه به اسرائیل یا سایر ممالک غرب یا آمریکا مهاجرت نموده اند. کنیسیای کوچک رامبام که پس از جنگ ۱۹۶۷ اسرائیل و اعراب بسته شد در حال حاضر سقف آن ریزش نموده و سنگ مرمر محراب که در مقابل آن تزیینا برگزار می شد شکسته است و دیگر نمی تواند مورد استفاده قرار گیرد.

در اوایل قرن حاضر ۵۰۰۰ نفر یهودی در مصر و ۱۰ کنیسیا در هرات الیهود، محله

## برگزاری هشتصد و پنجاهمین

### سالگرد تولد

### ابن میمون در قاهره

در روز یکشنبه ۱۶ اپریل در محله قدیمی یهودی نشین قاهره و در پیچ و خم کوچه های تنگ و تاریک تعداد قلیلی از یهودیان که از بروکلین و تلاویوبه قاهره آمده بودند در کنیسیای قدیمی و خرابی گردهم آمده بودند تا سالگرد هشتصد و پنجاهمین سال تولد ابن میمون فیلسوف و پزشک بزرگ یهودی را جشن بگیرند و از شخصیت بارز این دانشمند عالیقدر تجلیل نمایند.

ابن میمون فیلسوف، منجم، پزشک دربار سلطنتی مصر، قانون دان، روحانی بزرگ، مفسر بزرگ تورا و معروف ترین چهره عالم یهودیت به حساب می آید. سالهای سال به مدت چندین قرن پس از وفات وی در ۱۲۰۴ دانشمندان یهودی به مطالعه نوشته ها و کتب وی ادامه داده اند. حتی در حال حاضر هم تعدادی از دانشمندان مجدداً در این ایام که مصادف با عید پسخ و سالگرد تولد این دانشمند

است به مطالعه و بحث و تحقیق در نوشته های ابن میمون بخصوص «راهنمای حل مشکلات» و «میشنه تورا» پرداخته اند. در روز یکشنبه ۱۳ اپریل گروه کوچکی از دانشمندان و روشنفکران در این کنیسیای مخروبه گردهم آمده اند تا در بزرگداشت سالگرد تولد این دانشمند شرکت نمایند. از اشعار و نوشته های وی تجلیل نمایند.

پس از ۱۸ سال مجدداً درب کنیسیای قاهره باز می شود: برگزاری چنین مراسمی در قاهره تا به امروز سابقه نداشته است و برای اولین دفعه است که یهودیان توانسته اند برای بزرگداشت و تجلیل از این دانشمند در کنیسیائی که بنام وی نامگذاری شده است و به نظر می رسد که در ایام حیات خود، ابن میمون در همین کنیسیا به برگزاری مراسم مذهبی و تزیینا حاضر می شده است جمع شده اند.

پس از ۱۸ سال که کوچکترین مراقبت در باره ترمیم خرابی های کنیسیای قاهره بعمل

یهودیهای مصر وجود داشت در حالیکه در حال حاضر تعداد قلیلی یهودی در مصر باقیمانده و تمام کنیساها بحال مخروبه درآمده و در حال فروریختن می باشند. محله سابق یهودیان در حال حاضر توسط مسلمانان اشغال شده و دهقانان مصری که از اطراف و اکناف قاهره وارد این شهر می شوند در آن جا سکونت می گزینند. ولی معهدا هنوز آثاری از بقایای جامعه یهودی در آن ناحیه به چشم می خورد و بر روی بعضی از درها و دیوارهای کهنه خانه های قدیمی علامت ستاره داود دیده می شود. برگزاری مراسم بزرگداشت رامبام یک حادثه جنجالی به حساب آمده و در همسایگی کنیسا سروصدای غریبی بپا کرده بود. کنجکاوای اهالی محل و بچه ها تحریک شده بود و بایک حرارت خاصی محل کنیسا را بچه ها به زیارت کنندگان نشان می دادند و مردم راراهنمائی مکر کردند. آشر آلماکور یکی از مدعوین از «مرکز اکادمی اسرائیلی ها» در قاهره که پس از برقراری صلح بین مصر و اسرائیل در کامپ دیوید تاسیس شده است از برگزاری این مراسم فوق العاده تحت تاثیر قرار گرفت ولی بعداً معتقد بود که مصلحت در این بود که این مراسم باشکوه و جلال بیشتر با حضور جمعیت زیادتری در محل مناسبتری انجام می پذیرفت.

**عدم توافق بین کنیساها - آقای الماکور معتقد بود که ابن میمون که نام مستعار آن رامبام گذاشته شده در نوشته های خود از بُعد مسافت بین کنیسا و محل کار خود شکایت داشته است بطوریکه دو مایل بین مطب وی در دربار سلطان صلاح الدین و کنیسا فاصله بوده است و رفت و برگشت به محل کارش دو ساعت بطول می انجامیده است. آقای الماکور می گوید که مفهوم ازدوری مسافت به مفهوم آن نیست که تمام ناحیه بین محل کار ابن میمون در دربار صلاح الدین از ناحیه فوستا جزو محله یهودی نشین به حساب می آمده است بلکه او معتقد است که کنیسای رامبام همان کنیسای بن عزرا در فوستا بوده که قدیمی ترین کنیسای مصر است که بیشترین آثار و نوشته های رامبام را نیز در آن محل بدست آورده اند. به عنوان یک پزشک دانشمند مایمونید اولین رساله طبیبی خود را در مورد نفس تنگه (آسم) برشته تحریر در آورده است، و در آن تحقیقاتی در مورد جریان خون انجام داده است.**

به عنوان یک فیلسوف بزرگ در ابتداء بن میمون به طرف فلسفه ارسطو تمایل بود و احترام خاصی برای سنن عربی - یونانی قائل بوده است. فرد گلا دستون بیوگراف نویس معروف درباره بن میمون می گوید که او نسبت به یهودیت و مذهب یهود فوق العاده مؤمن بوده است. رامبام فوق العاده کوشش کرد که دانش و علم و هنر و فلسفه را با مفاهیم یهود آشتی دهد و در این زمینه هم با دانشمندان یهود به بحث و گفتگو پرداخت و حتی پس از مرگش نیز بیش از یک صد سال این بحث و گفتگو بین پیروان شاگردان مکتبش ادامه داشت.

درگردهم آتی سیزده اوریل مایمونید بعنوان پزشکی معرفی شد که در ضمن التیام

دهنده و آشتی دهنده تمام دردها و ناراحتی های تمام مذاهب بوده است و حتی بعضی افراد او را معجزه گر نیز دانسته اند. می می روسان می گوید مادر بزرگش روزی مریض می شود او و پسر مقبره مایمونید می برد و کمی روغن به شکم مریضش می مالد و در نتیجه مریض صحت خود را بازمی یابد و حتی می می می گوید «کافی است که فقط شما به رامبام فکر کنید تا الام و دردهای خود را فراموش کنید» و سپس اضافه می کند شما طالب علم هستید و خیلی چیزها در مورد ابن میمون می دانید ولی من فقط «یک فرد ساده و عادی بیش نیستم»، اما به معجزات رامبام معتقدم.

## هیئت رئیسه فدراسیون یهودیان ایران

در رأی گیری که برای تعیین هیئت رئیسه فدراسیون انجام گرفت آقای دکتر سلیمان آقائی به سمت رئیس و آقایان عبدالله مقوم و سلیمان رستگار به سمت نواب رئیس برگزیده شدند. همچنین آقایان زیر به سرپرستی کمیته های فدراسیون انتخاب گردیدند.

دکتر سلیمان آقائی	کمیته فرهنگی و انتشارات
آقایان مقوم و رستگار	کمیته فاند ریزینگ و عضویت
آقای دکتر سالارنیکو	کمیته برنامه ریزی و ارزشیابی و بودجه
آقای رستگار	کمیته روابط خارجی
آقای عبدالله زرگریان	کمیته حل اختلاف
خانم یوسف زاده و آقایان دکتر باروخ بروخیم و مهرداد کامران	شورای سازمانها
خانم الیاسیان	کمیته امور اجتماعی
آقای اسفندی	کمیته جشن ها

## کمیته حل اختلاف

بطوریکه از کمیته حل اختلاف اطلاع می دهند کمیته مزبور به سرپرستی آقای زرگریان و عضویت آقایان سلیمان کهن، نجات الله دردشتی و دکتر موسی نگاران تشکیل

و مشغول بکار گردیده است. ضمناً آقای الکس هارونیان و کیل دادگستری مشاورت حقوقی این کمیته را پذیرفته است.

## د کتر ناصر جواهری

متخصص جراحی  
وفوق تخصص در پروکتولوژی

Proctology

(بیماریهای روده بزرگ و رکتوم)

تلفن ۲۴ ساعته

(213) 453-1717

2001 Santa Monica Blvd.,  
Suite 285  
Santa Monica, CA 90404

## د کتر ریموند جانفزا

متخصص در کاربرد پراکتیک  
دارای برد کالیفرنیا

فارغ التحصیل از کالج «کلیولند»

درمان دردهای عصبی - سردرد - گردن درد  
کمردرد - شانه درد سختی ماهیچه ها و غیره  
بدون مصرف دارو  
صدمات تصادفات اتومبیل وسایر حوادث  
بدون تجویز دارو

Westside Health Group

9301 Wilshire Blvd., Suite 205  
2nd Floor  
Beverly Hills, CA 90210

(213) 278-2930 - (213) 271-5292

مشاوره رایگان بوده و بیمه های سلامتی پذیرفته می شود



## د کتر آونر منظور

جراح متخصص بیماری های

زنان، زایمان و نازایی از امریکا

عضو کالج متخصصین بیماری های زنان  
وزایمان امریکا

عضو کادر پزشکی بیمارستان

سیدر ساینای

Ceder Sinai Medical Offices  
Suite 440 East

8631 W. 3rd St.  
Los Angeles, CA 90048

Tel: (213) 855-7071

## د کتر موریس واحدی فر

دندانپزشک با درجه M.S.

از دانشگاه کالیفرنیا

Maurice M. Vahedifar D.M.D., M.S.

باسوابق تدریس و تجربه در خدمات  
دندانپزشکی و ارتودنسی

در منطقه سانتامونیکا - لوس آنجلس غربی

12304 Santa Monica Blvd.,  
Suite 117

W. Los Angeles, CA 90025

(۲۱۳) ۸۲۰-۴۳۲۸

## د کتر منوچهر رشتی

پزشک عمومی

انجام کلیه خدمات پزشکی

چک آپ کامل، نوار قلب، فیزیوتراپی، آزمایشگاه و رادیولوژی

با همکاری متخصصین در زمینه

کاپرو پراکتور و طب سوزنی

معالجه صدمات ناشی از تصادفات

اتومبیل وسایر حوادث

قبول تمام بیمه با تسهیلات مخصوص

در منطقه سانتامونیکا

2901 Wilshire Blvd., Suite 103

Santa Monica, CA 90403

(213) 828-8637

## تشخیص خیلی دقیق و فوری سرطان پستان در مراحل اولیه

و فقط بایک جلسه دیدار

به سه وسیله سریع:

۱- ماموگرافی - رادیوگرافی

۲- دستگاه اولتراسوند پستان

۳- تشخیص بافت پستان بانوار از طریق کامپیوتر

زیر نظر

## دکتر حمید حکمت روان

فارغ التحصیل دانشگاه یو.اس.سی. و پروفیسور سابق  
رادیولوژی در این دانشگاه



انواع بیمه پذیرفته می شود

اگر مبلغ قابل کسر بیمه (Deductible) پرداخته شده باشد، ۸۰ درصدی

که بیمه می پردازد کافی خواهد بود و شما نباید مبلغ دیگری بپردازید.

انواع مختلف X-Ray - رادیولوژی اولتراسوند

Beverly Hills Breast Institute

Beverly Sunset Medical Building

9201 Sunset Blvd., Suite 110

Los Angeles, CA 90069

(۲۱۳) ۸۵۹-۰۲۹۱



## مشکلات آب در آینده اسرائیل

اما توسعه اقتصادی منطقه و افزایش جمعیت تحصیل کرده عرب منجر به افزایش تقاضا برای آب و تأسیسات لوله کشی آب شده است. با اینکه در حال حاضر تنها نیمی از روستاهای ساحل غربی از آب لوله کشی استفاده می کنند، معذک از سال ۱۹۶۷ تا کنون مصرف آب در این مناطق چهار برابر شده است. رشد مصرف آب در شهرهای پیشرفته تر حتی از این هم بیشتر شده است. در منطقه بت لحم مصرف آب از ۲۶۰ هزار متر مکعب در سال ۱۹۶۶ به ۳/۱ میلیون متر مکعب در حال حاضر رسیده است. واضح است که به موازات توسعه خدمات شهری و شهرسازی مصرف آب نیز افزایش پیدا می کند.

یک رشته خط لوله آب که بوسیله اسرائیل برای استفاده شهرک های یهودی نشین ساحل غربی و روستاهای عرب نشین مجاور آن ساخته شده، شبکه آب ساحل غربی را به شبکه سراسری اسرائیل متصل نموده است. عرضه و موجود بودن آب به تدریج منجر به ایجاد تقاضا شده و نتیجه آن است که ساکنین ساحل غربی از لحاظ مصرف آب اکنون به مردمان وارد کننده ای تبدیل شده اند.

رشد جمعیت در این منطقه از جهان یکی از بالاترین ارقام را دارد و رشد مصرف آب چه برای کشاورزان و چه برای مصارف خانوادگی محسوس است. از سال ۱۹۶۷ به علت استفاده از شیوه های علمی آبیاری برداشت محصول در ساحل غربی ۱۲ برابر شده است ولی استفاده از این روشها بمرزی رسیده که امکان صرفه جویی آب را از بین برده است. ساکنین ساحل غربی که توجه خاصی به توسعه اقتصادی و بهبود زندگی خود پیدا کرده اند با ایجاد صنایع و کارخانه های جدید هر روز به آب بیشتری نیاز دارند.

با وجود بهبود روشهای استفاده از منابع آب و برقراری سیستم های دقیق توزیع، معذک خطر خشک سالی را نباید از نظر دور داشت. اگر یک خشک سالی طولانی بوجود آید استفاده از منابع دوگانه آب اسرائیل را بی زیان یکی از دو طرف مصرف کنندگان آن می توان پیش بینی کرد.

برای آب روز بروز در حال افزایش است. محدودیت منابع آب باعث شده در اسرائیل قوانین بسیار شدیدی برای سهمیه بندی و مصارف آب تصویب شود و صد ها میلیون دلار در تلمبه خانه ها و طرح های باز یابی آب سرمایه گذاری شود و کشور به یک شبکه عظیم سراسری آب متصل شود.

بر اساس آمارهای منتشره توسط اسرائیل ۶۰ درصد آب های طبیعی و قابل مصرف کشور از دو منبع آب زیر زمینی تغذیه می شود که یکی از آنها در امتداد جلگه ساحلی و دیگری در کوه های مرکزی و داخلی قرار دارد. تقریباً تمام آب مصرفی ساکنین ساحل غربی از این منابع تأمین می شود. از منبع آب زیر زمینی جلگه ساحلی که تقریباً ۴۰ درصد نیازهای کشور را تأمین می کند، بقدری استفاده شده که آب شور دریای مدیترانه به بعضی از چاه های این منطقه نفوذ کرده و این چاه ها را غیر قابل استفاده نموده است. در نتیجه حفر چاه های جدید در سرزمین اصلی و هم چنین در ساحل غربی رود اردن ممنوع شده است.

تا هنگامی که ساحل غربی یک منطقه توسعه نیافته بود و شیوه های سنتی زندگی در آن رواج داشت، مسأله آب تا این حد پیچیده نشده بود. استفاده خانوادگی از منابع آب در مناطق روستائی محدود به توانائی جسمی روستائیان بود که با سطل آب از درون چاه ها بیرون می کشیدند.

در طول شش هزار سال تاریخ خاور میانه، تمدن های زیادی در این ناحیه از جهان بوجود آمده و از بین رفته است ولی یک واقعیت همیشه برجای خود باقی مانده و آن واقعیت این است که هر قوم و قبیله ای که منابع آب را در اختیار داشته توانسته است سرزمین هارا نیز کنترل کند.

در این قسمت از جهان که نزاع بین کویبرهای خشک و مناطق قابل کشت و زرع پایان پذیر نیست، قدرت واقعی در اختیار کسانی است که منابع آب و توزیع آن را در اختیار دارند. در گذشته های دور بسیاری از جنگ های خانوادگی و قبیله ای از دست یابی به مقداری آب اگر چه منبع آن یک چاه، یا یک چشمه و یک رودخانه بوده است ناشی شده. قوانین پیچیده، رسوم و عادات مذهبی مانند مراسم غسل تعمید نزد مسیحیان و یا طهارت و پاکی یهودیان در «میکوه» ها و وضوی مسلمانان قبل از مراسم هر نماز مسیر زندگی و طرز فکر مردمان خاور میانه را نشان می دهد.

برای آینده مناسبات اعراب و اسرائیل و در کنار هرگونه راه حل جهت بر طرف کردن مناقشات سیاسی در خاور میانه باید مسائل آب بنویسه خود نیز مورد بحث و بررسی قرار گیرد و در قرارداد های مربوط بر سر استفاده از منابع آب توافق شود.

هم اکنون اسرائیل و ساکنین سرزمین های ساحل غربی از آخرین قطره آب های موجود استفاده می کنند، لیکن قهاها



## کلینیک دکتر پرویز نظر - دکتر بهرام طیبیان

پزشکان عمومی بزرگسالان و اطفال  
مجهز به آزمایشگاه - فیزیوتراپی - نوار قلب

- قبول کلیه بیمه ها و تصادف رانندگی
- گواهی آزمایشهای قبل از ازدواج
- چک آپ کامل با قیمت مناسب
- ختنه اطفال

در منطقه ولی

در منطقه لوس آنجلس

6915 Reseda Blvd., Suite 5  
Reseda, CA 91335

(بین وان اوون و شرمن وی)

(818) 708-8484

تلفن ۲۴ ساعته

12027 Venice Blvd.  
W. Los Angeles, CA 90060  
2 Block West of 405 FWY

(213) 390-0302

397-1317

## دکتر جهانگیر جانفزا



متخصص در کایروپراکتیک

- طب سوزنی

معالجه دردهای عصبی، سردرد،

گردن درد، کمردرد، و صدمات ناشی

از تصادفات اتومبیل و سایر حوادث

بدون تجویز دارو.

بیمه های درمانی پذیرفته میشود

9301 Wilshire Blvd. Suite 610  
Beverly Hills, Ca. 90210

تلفن ۲۴ ساعته (213) 859-8494

15301 Ventura Blvd. Suite 300  
Sherman Oaks, Ca. 91403

(818) 907-8566

Fellow American College of Physicians

## دکتر سلیمان فروزش

Dr. S. Forouzes  
M.D., F.A.C.P.

دارای برد تخصصی در بیماری های داخلی

و فوق تخصص در روماتولوژی

بیماری های مفاصل، عضلانی، استخوانی

و ستون فقرات

(آرتروز، روماتوئید - لوپوس - اوستئوآرتریت -

اوستئوپوروزیس - اسپوندیلیت - نقرس - میوزیت)

مطب مجهز به رادیولوژی، فیزیوتراپی و آزمایشگاه می باشد

با پارکینگ رایگان

تلفن: ۶۸۱۱-۶۰۴-۲۰۴ (۲۱۳)

9808 Venice Blvd., Suite 604  
Culver City, CA 90230

## باندینگ

شیوه جدیدی که در یک جلسه با هزینه کم

بدون بی حسی و تراش دادن

• دندانهای شکسته و بدشکل را ترمیم می کند

• دندانها را ردیف می کند

• فاصله بین دندانها را می گیرد

• دندانهای زرد شده را سفید می کند

• روکش های چینی را ترمیم می کند

## دکتر شهرام نوریان

دندانپزشکی عمومی و زیبایی از یو.اس.سی.

15372 Dickens Street Sherman Oaks, CA 91403

Tel: (818) 986-7531



## دکتر پرویز پیرنظر

جراح و متخصص بیماریهای زنان و زایمان

از آمریکا

عضو بیمارستان های

Cedars-Sinai ( Sedars-Sinai )

and Santa Monica

10921 Wilshire Blvd., Suite 1110  
(Westwood Medical Plaza)  
Los Angeles, CA 90024

Tel: (213) 824-0049

H.S. MORTAZAVI

# کی سینجر

درموضوع صلح بین

اعراب واسرائیل

سخن می گوید



کی سینجر معتقد است که وقت

برای مذاکرات صلح

درخاورمیانه مناسب نیست

قبولی درانتظارنشست وهرگونه سختی راتحمل نمود وبنابراین بازهم می تواندبه همین موضع ادامه دهد». کی سینجر که سیاست خارجی امریکا رادرریاست جمهوری سه رئیس جمهور بعهده داشت هشدار داد که نباید روسیه شوروی رادرمذاکرات صلح خاورمیانه وارد ساخت. اومعتقد است که «شوروی رل وکیل مدافع دول عرب رابازی می کند وبنابراین قادر نیست بعنوان یک دولت بیطرف درمذاکرات صلح دخالت نماید و به عنوان میانجی وارد مذاکره شود». به علت آنکه اسرائیل یک بحران اقتصادی شدید و یک بحران روانی از لحاظ جنگ لبنان راطی می کند اونمی تواند یک اختلافات و منازعات داخلی رامانند جنگ ویتنام تحمل نماید ودوحزب موجود رادرمقابل یکدیگر به مبارزه نگاهدارد». علاوه براین اسرائیل باید همواره اعتماد به نفس خودرا حفظ نماید و به ایمان وعقاید ورسالت خود مؤمن وبایدار بماند». مضافاً براینکه کی سینجر معتقد است که اختلاف اعراب واسرائیل ومنافشه بین آنان درخاورمیانه یگانه عامل بی ثباتی دراین ناحیه نیست وحتمی اگر موضوع اعراب واسرائیل حل وفصل می شد بازموارد اختلاف دراین ناحیه وبخصوص درناحیه خلیج فارس همچنان بطور شدید تری برقرار خواهد ماند.

کی سینجر وزیر امور خارجه سابق امریکا می گوید که هنوز وقت آن نرسیده است که بتوان یک حسن تفاهم بین اعراب واسرائیل برای برقراری صلح اقدام نمود. دریک گردهمایی که برای جمع آوری اعانه حضور بهم رسانیده بود کی سینجر اظهار داشت «هیچیک از همسایگان تمایل مهارت وقدرت پیروی از مذاکرات یک صلح پایداری را که مورد قبول مقامات دولت اسرائیل نیز واقع شود درخود نمی بینند. سوره اگر ارتفاعات جولان هم به او مسترد گردد بازهم قادر نیست به تنهایی برای برقراری معاهده صلح اقدام نماید. اردن نیز بنوبه خود به اندازه کافی قدرت اقدام به یک صلح جداگانه با اسرائیل ندارد. کی سینجر بشدت با هرگونه مذاکرات صلح با فلسطینی هائی که بطور مستقیم یا غیر مستقیم از سازمان آزادی بخش فلسطین (پی.ا.ا.) دستور می گیرند مخالفت نموده ومعتقد است که اگر گروهی ازدول عرب میانه رخواستار مذاکره با اسرائیل بدون حضور نمایندگان سازمان پی.ا.ا. او. شدند اسرائیل می تواند برای توافقها محدودی وبطور جداگانه باهریک ازدول عرب مثلاً اردن اقدام نماید.

«اسرائیل مدت چهل سال برای یک صلح منطقی وقابل

## جک ولیندا درو یاروئی باخورش فسنگان

خسته از کار روزانه به خانه می رسم — خیر آقا، ماهنوز از این عادت ناخودآگاه گفتن «خانه» رهاننده ایم. پوزش می خواهم، خانه نه — کاندو قربان، کاندو (ماراباش که خیال می کنیم هنوز در خانه گل و گشاد محله اصفهان زندگی می کنیم!). داشتم چی می گفتیم (ملاحظه می فرمائید که حافظه هم دارد بامابای بای می کند!) داشتم از رسیدن غروب هنگام به کاندو صحبت می کردم. باری در راهرو آپارتمان (که محض آسودگی بیان، شما آپارتمان رابجای کاندو از ما بپذیرید) بوی گیج کننده خورش فسنگان پیچیده است. جک، همسایه روبروئی، دارد از آپارتمانش خارج می شود. سلام می کنیم. جک مدتهاست یاد گرفته که وقتی همسایه روبروئی یک ایرانی بودی، بایک — بقول اینها — «های» خشک و خالی نمی شود سرورته قضیه رابهم آورد. می ایستد. نفسی عمیق می کشد و می گوید: «باین رایحه باور نکردنی که خانم شما توی این راهروها راه می اندازد، کارما بالاخره به تیمارستان می کشد!»

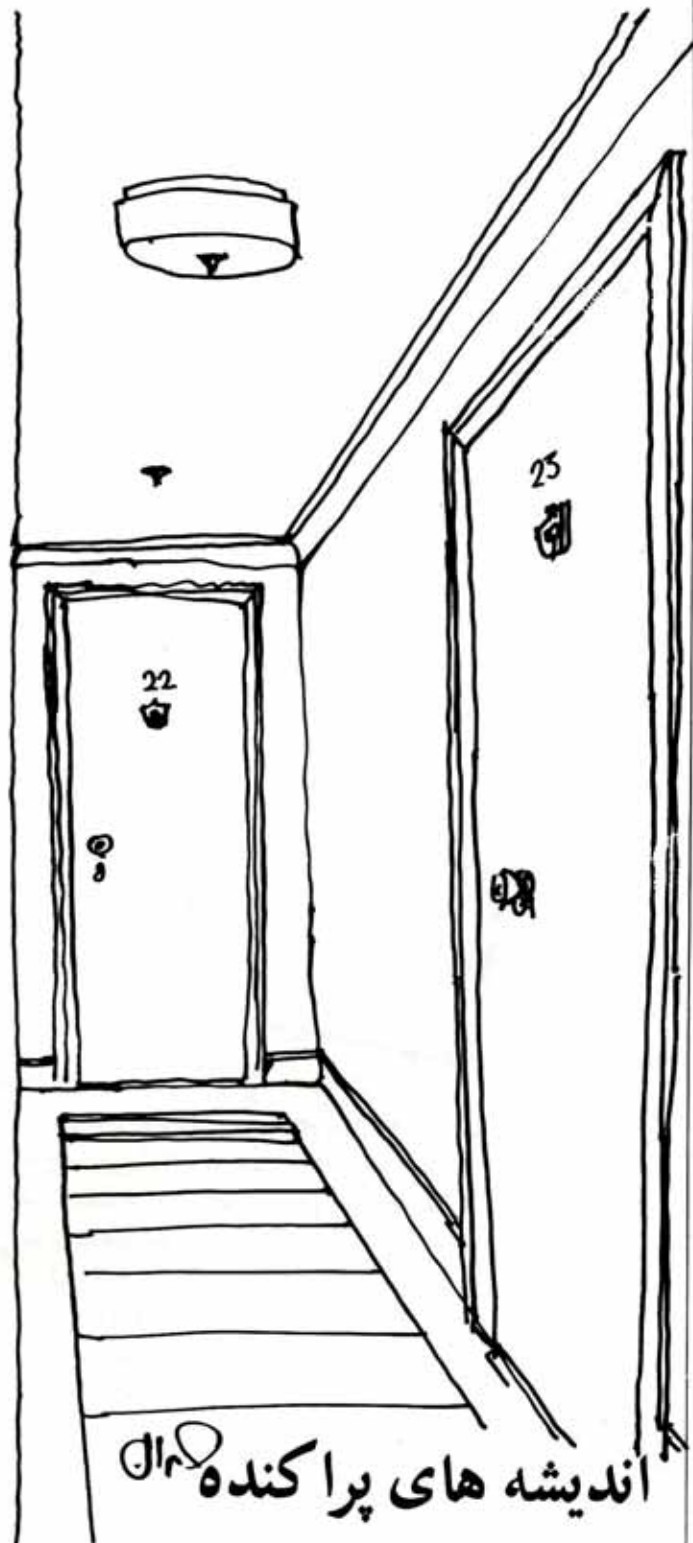
حالا منتقدین محترم ادبی — هنری — سیاسی — اجتماعی از ریز و درشت و بلند و کوتاه و چاق و لاغر که ماشاالله صد هزار ماشاالله تعدادشان نسبت به دست بقلم های وارد در گود صد بیک است ورشته تخصصی شان هم تعظیم و تکریم از روبرو و متلک گفتن از پشت سر است، «دست مریزاد» گویان برای ماصفحه نگذارند که: «یک شبه نویسنده در شبه نوشته ای چنان جنایتی در حق زبان شیرین فارسی مرتکب شده که بیا و ببین. ایشان بورا به باور پیوند زده و اولاد ناخلفی بنام رایحه باور نکردنی تحویل تاریخ ادبیات سرزمین ابا واجدادی ماداده اند. بله آقا، به این می گویند قیاس مع الفارق.» بنابراین، من قبل وقوع این «انتقاد سازنده!» که از آن نباید «هراسید»، چون آدم «هراسنده» ای هستم، بعرض برسانم که بنده فرمایشات جناب جک همسایه راترجمه کلمه به کلمه کرده و جانب مانت داری رابشدت رعایت کرده ام.

قبل از اینکه جک از بوی غذای مطبوع وطنی ماغش کند برگردیم توی راهرو آپارتمان و ببینیم حرف حسابی آقا چیست. بله، موسیو جک باشدت هر چه تمام تر مشغول تعریف کردن از دست پخت عیال حقیر است که در آپارتمان ما باز می شود و سروکله عیال — که گوئی از پشت در به این مکالمه گوش می داده، هویدا می شود. پیش بند بکمر بسته و دودست رابه پهلوا زده، نگاهی تحقیرآمیز به حقیر که «بفرما! مگر این بابا از دست و پخت ماتعریف کند — از جنابعالی که مایک مرسی خشک و خالی هم تابحال نشنیده ایم!» و لبخندی سرشار از رضایت به جک و یک فقره «تنک یو» و بالاخره نگاهی مجدد به بنده که:

— «مرد! اتیکت اجتماعی کجارفته؟ خب. بگو باخانم شام بیان پیش ما.»

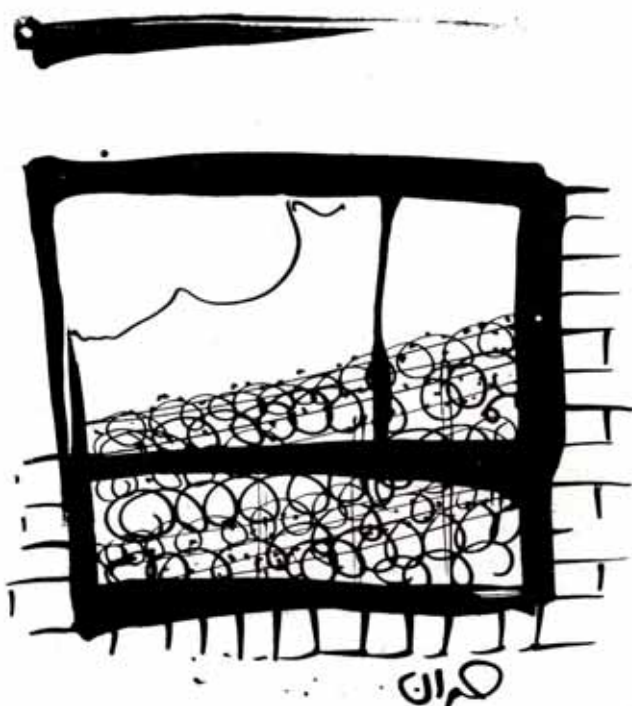
— «سرکار که اتیکت اجتماعیون سرجاشه، چرا خودتون دعوت نمی فرمائید؟»

— «باز تو پوز این دو کلمه انگلیسیست رو که بلدی بمادادی؟ بخیالت من خودم نمیتونم بهش بگم؟» مادر گیرودار این مکالمه، یامباحثه، یامجادله یامناقشه ایم و جک بادهان باز بهردوی مانگاه می کنند. گوئی از محتوای مکالمه می فهمد که میان ما دارد شکرآب می



اندیشه های پراکنده

نوشته: ص. ابراهیمی



کمان

کشیدند - آنهم بدون هیچگونه چشم داشت مادی و تلاش آنها این بود که «دیگر هرگز» به مراسم امشب برسد که خدا را شکر رسید و نتیجه کارشان هم رو بهمرفته بسیار رضایتبخش است.

گرداگرد سالن، نمایشگاهی از عکسهای این بزرگترین فاجعه تاریخ به چشم می خورد. اوج قدرت هیتلر، کودکی که کلاه کپی بزرگی بسر گذاشته، دژخیمان اس. اس. لوله های تفنگ خود را بسوی او قراول رفته اند، کودک دودست خود را با علامت تسلیم بلند کرده و بانگهای وحشت زده و پرشگفت به دور بینی که از او عکس می گیرد خیره شده است. توده های لباس های به کوره رفتگان، اسکلت هائی که از فرط گرسنگی پوست بدن به آن چسبیده و تمام خطوط استخوان های چهره و بدن رومی توانی از زیر پوست ببینی. افسر گشتاپو که مرد یهودی زندانی را به زمین انداخته با چکمه خود به پس گردن اومی کوبید. پسر مرد روحانی یهودی که در ملاء عام دارند ریشش را قیچی می کنند و باومی خندند، زنان عریانی که به صف ایستاده اند تا به کوره های آدم سوزی برده شوند.

گوشه چشمی به تماشاچی کنار دستی می اندازی و می بینی که در حالیکه تودردل گریانی، اوبه وضوح اشک می ریزد. می نشینی، سخنرانی از علل ایجاد وانگیزه این کریه ترین ظلم انسان به انسان سخن می گوید و چه خوب حق مطلب را ادا می کند. دیگری پرسشها و پاسخ هارا با دیدی عاطفی و انسانی کنار هم می گذارد. فیلمی نمایش می دهند از بازداشتگاهها، کوره های آدمسوزی، پوست انسان ها که برای تهیه آباژور کنده شده بود، سرها که از تن جدا شده بود، انسان هائی که روی آنها مثل خوکچه هندی آزمایشات شیمیائی انجام می گرفت، فاحشه خانه داخل بازداشتگاه که زنان زیبارا برای شهوترانی سربازان آلمانی در آن جای می دادند و متفقین که آمدند و اجسادیکه در تمام خیابانهای بازداشتگاه ریخته بود را با بولدوزر داخل گودال ها ریخته مدفون می کردند.

شود. بنابراین «اکسکیوزمی» گویان سعی می کند از معرکه بگریزد که بنده لج می کنم (و البته بین خودمان باشد، نگران اینهم هستم که نکند خانم شخصاً و بدون کمک بنده، به زبان انگلیسی از اینها دعوت کند و بنده از رو بروم!) و موسیو جک را با همسرش به صرف خورش فسنجان دعوت می کنم. آقای من که شما باشید، دعوت از بنده و پذیرفتن بدون چون و چرا از جک. من پریدم توی خانه، یک آبی به سرو صورت زدم - هنوز حوله توی دستم بود که درازدند و جک و لیندا خانمش، سر گذاشتند و آمدند تو. یک بطر شراب هم توی این کاغذهای آلومینومی پیچیده بودند که دادند دست من و من محتماشای لیندا. بنده رابه دله گی متهم نفرمائید، چون لیندا خانم چنان تحفه ای نیست (استدلال را ملاحظه می فرمائید؟) - خیر. من در این فکر بودم که چطور این خانم در یک چشم بهم زدن، هفت قلم آرایش کرده و لباس پلو خورش را پوشیده و خود را به داخل بنده منزل انداخته است. انگار اینها با هم تمرین کرده بودند که بهر نیرنگی شده، خودشان را - یکجوری یکشب بخانه مادعوت کنند.

دعوت به نشستن شان کردیم. نشستند. استکانی آبجو بدست جک و گیللاسی مارتینی به لیندا، تعریف از سینی مسی قلمزنی شده کار اصفهان و نقاشی مینیاتور روی چرم قاب آئینه کار سازمان صنایع دستی. توضیح بنده در مورد سماور قدیمی روسی و تلفن کهنه ای که سالها قبل در سفری به همدان از یک مغازه سمساری خریده بودم و اخیراً از ایران برایش فرستاده اند - از آن تلفن های «هلو، مرکز - منزل آقای از میری رومی خواستم!» و بالاخره این پرسش زوج همسایه که: «فکر می کنید بالاخره بر سر ایران چه بیاید؟»

از من به شما نصیحت که به دولت مردان این مردم نتازید که هر قدر هم ادعای دمکراتیک بودن و آزادی بکنند، همینکه گفتید: «آقا - خدانایامرز پدراون رئیس جمهور قبلی شمارا که این روز را بر سر مردم ما آورد» از کوره در می روند و شما بچشم بیگانه ضد امریکائی نگاه می کنید. پس بنده، با علم به همه این دانسته ها، پاسخی می دهم هشل هف به این شرح که: «البته در زندگی هر ملتی دوره هائی فرا می رسد که تحول امری الزامی است. برای مردم ما هم این دوره فرارسیده بود و تحول ضروری می نمود. لیکن هر تحولی بالا و پائین دارد و به همین دلیل هم ما از بالا و پائین یعنی هوا و زمین - مورد حمله تازیان قرار گرفته ایم». و باین اباطیل، طرفین مربوطه از گفتگو پیرامون مسائل سیاسی طفره رفته و بحث رابه ما کولات می کشانند - چه بوی فسنجان گوشتی دارد غذا بشان می دهد و من از ترکیبات این خورش - رب انار و گردوی سائیده و مرغابی و سایر مخلقات آن صحبت می کنم و دهان ها است که آب می افتد و شام و دعوت متقابل که: «شما هم باید بما افتخار بدهید - پنجشنبه چطور است؟» قبول می کنیم.

•••

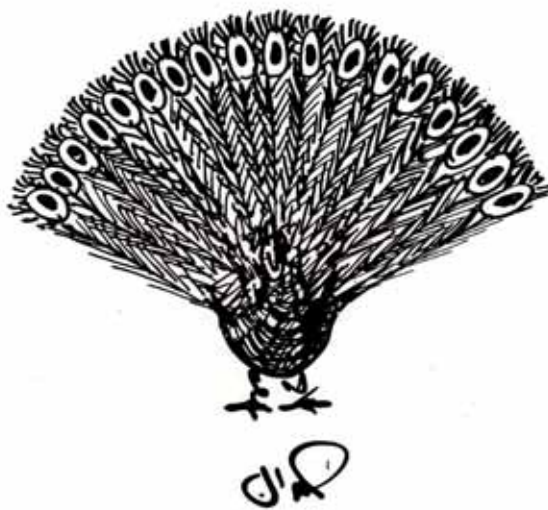
### میان ما و حق عهدیست که میمانیم

امشب سازمان هیلل ایرانیان مراسمی به یادبود کشتار شش میلیون یهودی تشکیل داده اند. از در که می رسی پارچه ای زرد رنگ که بر آن صیونیتی نقش بسته به سینه ات می زند و کتابی بدست می دهند با عنوان «دیگر هرگز». برای تدوین و نشر این کتاب، بچه های هیلل برآستی زحمت

گفته های یکی از سخنرانان رابباد می آوری که براساس مدارک کشف شده، متفقین از همه این جنایات نازیها آگاهی داشتند و هیچ کاری نکردند و وقتی نازیها به روسیه رسیدند، برای یهودی کشی همه داوطلب بودند و نتیجه می گیری که یک یهودی هر جاباشد برای حکمرانانی که چرخ بهره کشی شان به نحوی می لنگد، طعمه خوبی است و بهره قربانی مناسب. به پارچه زرد رنگی که به سینه ات زده ای خیره می شوی - وصله جهودی - و شاید برای اولین بار به این وجه تفریق بین خودت و سایر افراد بشر افتخار می کنی. با این وصله پیوندی بین خود و همه خواهران و برادران ناکام احساس می کنی که بیهوده جان باختند.

یکی از بچه ها شعر «صف انبوه طولانی» را که من چندی پیش سروده بودم می خواند، یکی از پارتیزان های گتو و روشو چند کلامی از خاطرات خود و پایمردیهای قهرمانانه خلق مادر این گتومی گوید - چراغها را خاموش می کنند و شش شمع بیاد شش میلیون قربانی بی گناه هالوکاست می افروزند و سرود هتیکوا را همه می خوانند.

همت مردانه جوانان هیلل و تیکوا و نس و سیامک را راج می نهیم. بچه ها، همه امید ما شماست. دست مرزاد!



### امسال اینجا بند گانیم

موعد راپشت سرگذاشته ایم. شب اول و دوم موعد، سال بعد سال، برای من دردناکتر می شود و امسال هم از این قاعده مستثنی نبود. موعد کودکی مثل طاووسی بزرگ و چتر افراشته است و این روزها مانند همان طاووس است، ولی با پرهای ریخته و پوستی پر چروک که سال بسال هم بیشتر آب می رود. و من بدنبال یک علت می گردم که چرا؟ و آنقدر علل گوناگون می بینم که سرم گیج می رود و افسرده تر می شوم.

آنروزها از یکی دو ماه به موعد مانده هیجان شروع می شد. و از این هیجان پر و جوان سهمی یکسان داشتند. باری موعد را من کودک بهمان زیبایی می دیدم که مادر بزرگ هفتاد ساله ام. خرید گندم

پاک، زنها که گندم هارابازهم پاک می کردند، آسیابی که اجاره می شد و تپهسیر آسیاب، گندم ها که به نوبت به آرد تبدیل می شد و به کیسه گونی برمی گشت، کیسه ها که از آسیاب به طباشی می رفت، نوبت طبخ مصا، سفید کردن ظروف مسی، هقعلا، خانه تکانی، حمام موعد رفتن، پوشیدن لباسهای نو، قدش اورحس رازیرلب تکرار کردن که مبادا از یاد رفتن باشد، پیازچه کش رفتن و گوشه ای پنهان کردن (برای لحظه مبادا)، بمادر تق زدن که «پس کی شروع می کنیم»، سفره قلمکار بانقش یوسف وزلیخا و نوشته ها عبری گرداگردش راهپن کردن، سه تامصارا در پارچه ای پیچیدن و میان سفره گذاشتن، کاهو، کرفس، سرکه، حلیق، بشقاب، قاشق، یائین پیازچه، لامپای نفتی، سیدور... و پدر که بالای اطاق می نشست، من و مادر در یکسوی سفره و برادران بزرگترم سوی دیگر، دعای خیر پدر و آغاز اوج هیجان.

در طول تمام سالهایی که پدر زنده بود، چه زمانی که مجرد بودیم و چه وقتی که متأهل شدیم، همه با همسران و بچه هایمان، شب اول موعد، سر سفره او بودیم. تا آن زمان موعد طاووسی پرگشاده بود. اولین شب موعد پس از درگذشت پدر، وقتی گردهم آمدیم، هیچ کس بالای سفره نشست و جای خالی پدر سخت میان ما پیدا بود. همه گریستیم. طاووس موعد، از آن پس، پرهای گشاده خود را فرو بست. و در این غربت، این پرها هم ریخت.

مادرا کتون پیروفتوت است. بجای ضرب های دیه نوی پیازچه نوه هایش، تازیان بر سر او و سایر هموطنان من، بمب فرو می ریزند - و من اینجنا، در این غربت تاریک، بر سر سفره ای که بجای زمین بروی میز پهن شده، ادای آن روزهای خوب را در می آورم.

...

### بنده و عیال در رو یاروشی بایتزا

به خانه جک، همسایه روبروشی، بشام دعوت داریم. می نشینیم. آپارتمان کوچکی است. به جک می گویم: «در این مجموعه اندازه آپارتمان ها عجیب متفاوت است. چه عجب واحد شمارا اینقدر کوچک درست کرده اند»، و جک پاسخ می دهد: «برای همین است که بعضی از دوستان اسم مرا گذاشته اند جک این ده باکس!» و به قهقهه می خندد.

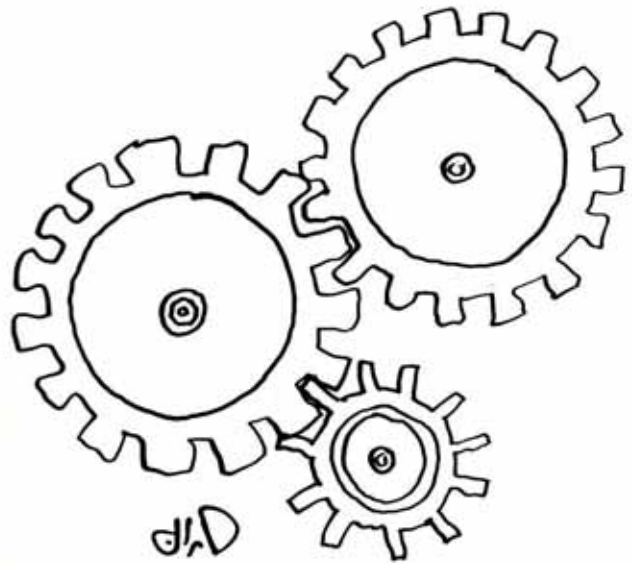
خیلی چیزهای امریکائی است که من تصور می کنم حتی تاروزی که بمیرم از آن خوشم نیاید - ولی بعضی چیزها هم هست که دارم یواش یواش یاد می گیرم - مثل درک لطیفه های اینها و کم کم به آن خندیدن. از این تشبیه خوشم می آید، «جک این ده باکس» را عرض می کنم. من هم می خندم - ولی نه با قهقهه - و چشمم به چشم عیالم می افتد با نگاهی پرسشگر و سرزنش آمیز و در آن نگاه می خوانم که:

«از کی تا حالا این مزخرفات برای جنابعالی خنده دار شده؟» یا

«باز تو خودت را الوس کردی؟»

خنده رادرم می گیرم.

بمأمشروب تعارف می کنند، ولی پیدا است که جک و لیندا، قبل از ورود ما، خود دمی به خمیره زده اند. سر صحبت باز می شود و باز کنجکاوی اینان که شیوه های زندگی اجتماعی ما چگونه است.



پرشها مضحک و گهگاه اهانت آمیز است:

«اتومبیل هم داشتید؟ تلویزیون چطور؟ توی خیابانها، شتر بانها چطور این جانوران محبوب را کنترل می کردند؟»

عصبانی می شوم و تصمیم می گیرم بقول عوام توی شاخشان بگذارم که نگاه هشدار دهنده همسرمان مانع می شود. کلاهم را که قاضی می کنم می بینم که با معلوماتی که امریکانشینان دارند، حقاً توقع بیشتر از این هم از اینها نمی شود داشت. مگر به بچه های مادر مدرسه چه یاد می دهند؟ پس با حوصله، اینکه ما که بوده ایم رابرایشان توضیح می دهم و چشم هاست که گردمی شود و دهانهاست که باز می ماند.

از چگونگی روابط اجتماعی می پرسند - اینکه چطور دخترها با پسرها آشنا شده ازدواج می کنند. پسند والدین، معرفی دو خانواده و مآلاً آشنائی دختر و پسر و احتمالاً ازدواج که شیوه جاری کارماست رابرایشان توضیح می دهم. ارزش های والائی که مادر رابطه مقدس زناشویی بدان پای بندیم و بالاخره توضیح این واقعیت که شاید بهمین دلیل هم هست که ازدواجها در جامعه ما خیلی پایدارتر و منسجم تر است.

احساس می کنم که ایشان خیلی مدعی العموم شده اند و بنده متهم، چون همه پرشها از سوی این هاست و من پاسخگو - بنابراین، قبل از این که سؤال بعدی را مطرح کنند، نظرشان را در مورد شیوه ازدواج وطنی جويا می شوم. جک، در حالیکه مؤدبانه روش کار ما را بدوی و قرون وسطائی توصیف می کند، داستان زندگی خودش را مثال می زند که حیف است برایتان تعریف نکنم. تا من و شما یاد بگیریم که به چه دلیل اینها خودشان را متقدم می دانند و ما را عقب افتاده.

جک، مری همسر او را در بیست و یکسالگی اول حامله می کند و بعد با هم عروسی می کنند و یکسال بعد طلاق می دهد. علت طلاق این است که تا قبل از ازدواج مری خیلی زیاد به ورزش علاقه مند بوده و چون جک هم عاشق ورزش است، این بزرگترین عامل پیوند آنها بهم بوده ولی بعد از عروسی تراژدی بزرگ که عدم علاقه مری به ورزش بوده رخ می نماید و کار به طلاق می کشد. حالا مری از دوستان خانوادگی جک است و گاهگداری هم با جک می روند

شام می خورند (فکر کنم تنها و بدون مزاحم - راستش رو می نشد این یکی را بپرسم!) و همسر فعلی مری هم هیچ اعتراضی به این رابطه ندارد. همینطور هم همسر فعلی جک.

در بیست و هشت سالگی با همسر دوم که اسمش را فراموش کرده ام عهد همسری می بندد و این یکی هم به یک دلیل بیخود دیگر می رود لای دست اولی. (ولی هنوز هم از دوستان خانوادگی است و با هم رفت و آمد دارند!)

اماداستان سومی بسیار شنیدنی است. سومی که اسمش - خدا یا چه بود - گمان کنم مارتا، درسی و پنج سالگی به پست آقا می خورد و هنوز سه هفته از ازدواج میمون و مبارکشان نگذشته، مارتا خانم عاشق باب، دوست جک می شوند و با هم ده برو که رفتی! موسیویچک مادر مرده درمی ماند که ای داد و ببداد حالا چه غلطی بکنم، می رود سراغ همسر باب ببیند چه خاکی بر سرشان بریزند. حالا شما حدس بزنید همسر باب چه کسی می تواند باشد؟ نمی دانید؟ یک راهنمایی کوچک می کنم. اصطلاح معروف «زدی ضربتی، ضربتی نوش کن» یادتان هست؟ بله قربان، همین خانم لیسندابه انتقام عمل همسرش به عقد شرعی و قانونی جک درآمده و فعلاً تا این لحظه که بنده این سطور اقلم می زنم هنوز هم در قید ازدواج یکدیگر هستند و پز می دهند که مادرتا با هم سه سال است مانده ایم ولی باب و مارتا پس از چهار ماه که از ازدواج شان گذشت از هم جدا شدند.

به قیافه عیالم نگاه می کنم، همینطور چهارشاخ، بهت زده مانده است. خودم هم، با وجود اینکه از این تعریف ها از این وروآن و رزیدار شنیده ام، ولی با شنیدن داستان به این جالبی - جالب که چه عرض کنم، به این اقتضای، بی رودریایی بگویم - همینطور درجا مثل برق گرفته ها خشکم زده بود. زود خود را جمع و جور می کنم و گوشه آرنجی به عیال مربوطه و لبخندی و عوض کردن موضوع و شام - که چشمستان روز بدن بیند، سرکار لیندا خانم یک پیتزای گنده بیخ زده چپاندند توی فر و با قهوه و بیسکویت بعنوان درس، ضیافت پایان رسید. به آپارتمان خودمان برمی گردیم. می نشینیم و برای اینکه فکرم را منحرف کرده باشم، به خواندن روزنامه میپردازم - ولی تصور میزان آلودگی جامعه ای که گرداگرد ما حلقه زده منقلب می کند. جامعه کوچک خودمان را چون چرخ بادننده های نازک و شکننده می بینم که در کل ماشین و مکانیزم زندگی در این دیار، دنده های این چرخ ظریف، در برخورد بادننده های چرخ غول آسای شیوه زندگی امریکائی، خرد و خمیر می شود. می بینم که گروههای بسیاری از مردم ما با ذوق و شوق بدوستان خود می گویند: «مهری جون ما که اصلاً فارسی یادش رفته - ماشاالله از بس انگلیسی خوب حرف میزنه اصلاً خیال می کنی صدساله امریکائی». و اینها نمی دانند که «مهری جون» وقتی زبان مادری خود را کسرشان و دانش خود دانست، کم کم پدر و مادر خود را هم برای امریکائی مخمخمی چون خودش ناقابل و باعث آبروریزی می داند و پس از اینکه آنها را هم به همان فراموشی سپرد که زبان مادریش را، شروع می کند به شوهر عوض کردن - آنهم بهمان سرعتی که «جک» رکورد دار است و شاید هم رکورد جک و همسران اورانیز شکست - دنیا را چه دیدی!

چشم هایم را می بندم و به زلزله ای که مارا از ریشه تکان داده می

۹

اندیشم. کمال، دربان اداره تهران. از او می پرسم: «چرا ریشت رانزده ای؟» و پاسخ می شنوم: «آقا، شما مثل اینکه حالیتان نیست — دارد انقلاب می شود». انقلاب هم شد و بازمی «حالیتم» نشد که چرا می بایست ریش گذاشت. سرم را بلند کردم دیدم سرگردان این دیار شده ام و باز هم نفهمیدم چرا من که نه سر پیاز بوده ام و نه ته پیاز باید اینطور سنگ قلاب شوم. من از سرزمینی که بیش از هزارانی دیگر در آن سابقه تاریخی دارم، آواره شدم. به کمال که گفتم:

«واله، قانون اساسی مشروطه خلق یهود را اقلیت و جزو ملل متنوعه (یا عبارت خودمانی ترغیر ایرانی) می داند» لیخندی زد و گفت: «بشما قول می دهم باشکوفانی انقلاب، ماوشما یکی شویم. دیروز در تظاهرات میدان مجسمه مردم فریاد می زدند: یهودی، مسلمان، پیوند تان مبارک. شما صبر کنید آقا». و من صبر کردم و در رژیم جدید شدم **کافر اهل ذمه**.

روزنامه روی صورت من افتاده و خوابم برده است. همسرم تکانم می دهد که: «نگاه کن ترابخدا — بجای لحاف روی خودش روزنامه انداخته. پاشو برو بگیر بخواب!» سپس نگاهی از سردلسوزی بمن می کند، دستی به موهایم می کشد و می گوید: «اینقدر فکر نکن — انشاء الله همه چیز درست میشه».

به رختخواب می روم و بار دیگر با افکار خود خلوت می کنم.



### و دیگر هیچ بود و هیچ

امسال، سالروز رهاندن آخرین بازماندگان اردوگاههای مرگ هیتلری را باشکوه زیاد برگزار کرده اند. به تلو یزیون نگاه می کنم. بایکی از نجات یافتگان این اردوگاهها مصاحبه می کنند. خاطره ای بازگویی کند:

«سلولی که من وهم بندانم در آن زندانی بودیم روبروی بیمارستانی بود که تعداد زیادی کودک شیرخوار و بچه های میان سال در آن نگهداری می شدند. دکتر منگله مسئول این بیمارستان بود و کار او — آنطور که بعداً برملا شد، انجام تحقیقات پزشکی بر روی این کودکان معصوم بود. خسته از بیگاری روزانه از پشت میله های سلول به بیمارستان نگاه می کردم که کامیونی در مقابل قسمت عقبی بیمارستان ایستاد. سربازی اس.اس. از کنار راننده پیاده شد، سرخود را به طرف بالا گرفت نعره زد: «بریز!».

از سه طبقه بالا تر جثه های جاندار، نیمه جان و بیجان کودکان را به داخل کامیون پرتاب می کردند. تعدادی، در حالیکه در حال افتادن شیون می کشیدند، با سر بروی اسفالت کنار کامیون سقوط می کردند و مغزشان متلاشی می شد...»

گوینده ماجرا را آگریه امان نمی دهد. برمی گردد و به چهره دختر کوچکم که کنارم نشسته نگاه میکنم. اشک خود را پنهان نمی کند و من برای یک لحظه ای کوتاه دخترم را می بینم که معلق زنان در حال سقوط است. خودم را جمع و جور میکنم و می گویم از این کابوس بگریزم. پکی محکم به سیگار و چند جرعه پای پی مشروب و تقلا برای رهایی از فکری که دارد در من شکل می گیرد — و صد البته کوششی عبث، چه وجدان آگاه است که نهیب می زند که «از چه می گریزی مرد؟»

ومن رها می شوم — در چند دهه قبل. سر بازان گشتاپورامی بینم که به خانه ما حمله می کنند و در حالیکه فریاد می زنند «جهود! جهود!» مارابه داخل اتوبوس های بدون صندلی میله دار می اندازند. از پشت میله های اتوبوس می بینم که کود کانم را به داخل اتوبوس دیگری می اندازند و همسرم که در کنار من ضجه و شیون می کند و با ضربه قنداق تفنگ یک مامور گشتاپون نقش بر زمین می شود و من بهت زده ایستاده ام و نیروی هرگونه عکس العملی از من سلب شده است. سپس واگنهائی که از توده های انسانی انباشته می شود، اردوگاه های کار اجباری، گرسنگی، تجاوز، تحقیر، خفه شدن در اطاقهای گاز، سوخته شدن اجساد و بالاتر از همه هتک حرمت از انسان توسط حیواناتی به شمایل انسان...

به شما می خواهم پیشنهادی بکنم که احتمالاً از بابت آن از من متنفر خواهید شد، ولی اگر می خواهید ژرفای سخافت و پلیدی این حیوان صفتان و تنها هاله ای از میزان زجر و دردی را که خواهران و برادران همکیش مادران رهگذر هراس انگیز تاریخ تحمل کرده اند دریابید، لحظه ای — در اندیشه های پراکنده تان — خود را بجای این قربانیان نگون بخت و فرزندانشان را بجای آن کودک کان بی گناه بگذارید.

نگوئید زبانت را گاز بگیر — نصیب دشمن هایمان شود. من زبانم را گاز نمی گیرم چون این قاجعه نصیب دوست های ما شده است. شما غافلید که هم اکنون هم هیتلرهای ریز و درشت در متن جامعه بشری فراوان است و ماتاسفانه نمی خواهیم بپذیریم که اینان اصولاً وجود خارجی دارند — و وقتی اینان رخ نمودند بچه های همسایه بغلی نه که بچه های خود شمارا — بله قربان، جنابعالی که دارید این مطلب رامی خوانید راعرض می کنم، بچه های شمارا می گیرند و هزار بلا برشان می آورند. این بچه های ما هستند که در جبهه، زیر فشار رژیم فاشیستی حاکم بر این سرزمین، از شدت گرسنگی جان می بازند و این مائیم که اینجا نشسته ایم و مظنه سرقفلی مغازه های داون تاون را از یکدیگر می پرسیم. این یهودیان روسیه هستند که تاریخه جانشان را حاکمان دیکتاتور مملکت شوراها استثمار می کنند و از ابتدائی ترین حق بشری یعنی انتخاب مکان زیستن، آنانرا محروم می دارند و این ما هستیم که در لاک خود بینی فرورفته ایم و جز خود آزاری کاری دیگر از دستمان ساخته نیست و گروه انگشت شماری از اهل جماعت راهم که می خواهند قدمی در راه بهبود وضع ما بردارند، چنان دلسرد می کنیم که روزی صد بار از کارخیری که انجام می دهند توبه می کنند. و بالاخره این ما هستیم که ناظر نیروی انکار ناپذیر سردمداران مخفی نهضت نازیسم هستیم. نیروئی که رئیس جمهور مثلاً بزرگترین دمکراسی دنیا را، برغم مخالفت بازماندگان کوره های آرمسوزی و تمامی بشریت آگاه و حتی دومجلس قانونگذاری ایالات متحده، و ادار به باز دیدازگورهای آدمکشان اس.اس. کرد — و برای یک لحظه تأمل نمی کنیم و بخود نمی گوئیم: «راستی به کجا پناه آورده ایم؟»

برای فرزندان خود این قاجعه را که بیش از چند دهه از آن نگذشته است بازگو کنید. بگذارید همانسان که داستان قهرمانهای رزم آوران مصادا سینه به سینه به من و شما منتقل شد، همانگونه نیز حماسه دلیریهای مردم بجان آمده مادر گتو و رشو در یاد همه بشریت و بویژه در ذهن یکایک افراد قوم ما بماند.

## آموزگار زبان

برای تدریس زبان انگلیسی  
در منزل به یک خانم آموزگار  
نیازمندیم.

متقاضیان به تلفن  
۷۴۸-۵۱۶۱ (۲۱۳)  
مراجعه فرمایند.

ARON HASSON  
A Professional Corporation

آرون هاسون  
وکیل در امور مهاجرت

دفتر درست و ود  
سکرتر فارسی زبان در خدمت شماست

10850 Wilshire Blvd., No. 800  
Los Angeles, CA 90024

(213) 475-4779

Nahid  
ناهید



آرایشگاه آنتونیو  
نشانی: ۱۲۶۷ وست وودبلوار  
یک بلاک جنوب ویلشر  
تلفن: ۴۷۳-۹۵۶۵ (۲۱۳)

متخصص در رنگ، مش، فر، میزانیلی،  
آرایش صورت  
وکوپ بامند ویدل ساسون

مؤسسه رسمی دارالترجمه  
فنی شایان

شماره ثبت ۷۲۴

مترجم رسمی وزارت دادگستری ایران  
مترجم رسمی دادگاههای لوس آنجلس  
کلیه امور ترجمه و مکاتبات تجارتي شما را  
در اسرع وقت انجام می دهد

16000 Ventura Blvd.  
5th Floor  
Encino, CA 91436  
(213) 784-7236  
(213) 784-7321  
Res. 852-4911

Rx

## دراگ استور و داروخانه هپس

دکتر اشرا سحر پور

- قبول سفارش و ارسال دارو به ایران
- قبول اکثر بیمه های درمانی و مدیکال
- تحویل دارو و سفارشات بطور رایگان
- لوازم بهداشتی و آرایشی

برای هموطنان عزیز که بیمه ندارند تخفیف کلی  
در نظر گرفته می شود

HEPPS PHARMACY  
233 S. La Cienega Blvd.  
Beverly Hills, CA 90211  
(1/2 Block South of Wilshire)

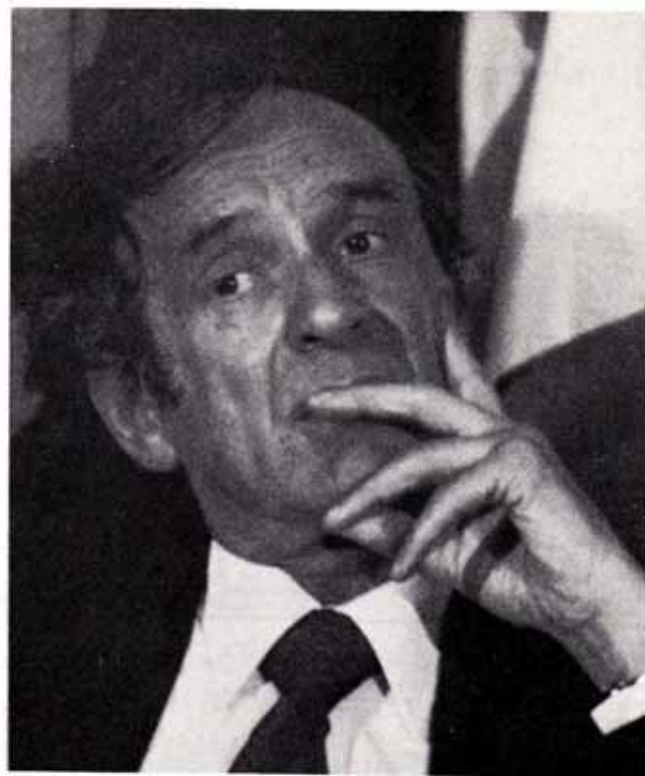
(213) 652-0550

داروخانه هپس چند قدم پائین تراز ویلشر بلوار





برزیدنت ریگان



الی وایزل

## مردغمگین و

## رئیس جمهور امریکا

داستانی واقعی از زندگی «الی وایزل»

وماجرای سفر جنجالی

برزیدنت ریگان به آلمان غربی

نوشته: گیتی بروخیم (سیمانطوب)

ماجرای سفر «برزیدنت ریگان» به آلمان غربی بدون شک یکی از جنجال برانگیزترین و حساس ترین سفرهای یک رئیس جمهور امریکائی به یک کشور خارجی محسوب می شود وی توان گفت یکی از بحث انگیزترین وقایع سال ۱۹۸۵. رئیس جمهور امریکا، دعوت کوهل، صدراعظم آلمان غربی را برای سفر به این کشور و استحکام هرچه بیشتر دوستی و اتحاد چهل ساله میان دو کشور، می پذیرد. چهل سال از پایان جنگ دوم جهانی می گذرد، آلمان ها برای اینکه احساس گناه از روی دوششان برداشته شود اصرار دارند گذشته را بدست فراموشی سپارند و در مقابل یهودیان جهان اصرار بر زنده نگهداشتن خاطره فجایع نازیها دارند چراکه به تجربه دریافته اند فراموش کردن خطا موجب تکرار آن می گردد. در این میان «ریگان» ابتداء دعوت به دیدار از یکی از بازداشتگاههای یهودیان رانمی پذیرد و در عوض دیدار از قبرستانی راقبول می کند که ۴۷ سرباز اس.اس. در آن مدفون هستند.



از مخالفین سرسخت دیدار رئیس جمهور از قبرستان مزبور بود و می گفت:

«از کدام زمان ما برای زنده نگهداشتن خاطره دشمن اقدام می کنیم؟» یکی از افسران امریکائی جنگ دوم جهانی برای مخالفت با این اقدام «ریگان» کلیه مدال های جنگی خود را برای او پس می فرستد.

در شهرهای بزرگ امریکا وارو پا گروه های عظیمی از یهودیان و غیر یهودیان به مخالفت با این اقدام رئیس جمهور به تظاهرات می پردازند. از بدشانسی ریگان اینکه هفته یادآوری کشتار جمعی یهودیان هالوکاست، بطور کاملآ اتفاقی با این جنجال سیاسی هم زمان شد. از مدتها قبل چنین مقرر شده بود که طی مراسم عظیمی، رئیس جمهور امریکا به

الی وایزل، رئیس هیأت مدیره شورای یادآوری کشتار جمعی یهودیان بدست آلمان نازی بابت یک عمر تلاش و زحمت، مدال طلای کنگره امریکا را اعطاء کند. عده ای از همکاران الی وایزل در کمیسیون هالوکاست، خشمگین از اقدام ریگان برای دیدار از قبرستان بیت بورگ تهدید به استعفا کردند، «الی وایزل» رئیس کمیسیون ونویسنده مشهور برای بایکوت کردن مراسم کاخ سفید تحت فشار قرار گرفت. سپس مقامات کاخ سفید به «الی وایزل» اطمینان

◊

عصر حاضر سقوط می کند».

گذشته از یهودیان امریکائی، هزارها سر باز غیر یهودی جنگ دوم جهانی نیز شدیدآ به خشم می آیند. «کلارنس بیکن» یکی از فرماندهان غیر یهودی زمان جنگ می گوید: «اگر رئیس جمهور امریکا علاوه بر قبرستان بیت بورگ از قبرستان دیگری که سر بازان متفقین در آن مدفون هستند هم دیدن می کرد باز احساسات مردم امریکا جریحه دار می شد زیرا بیت بورگ محل تجمع سپاهیان نازی برای شروع حمله به قرارگاه بالژ بود که در طی آن هزاران امریکائی کشته شدند»، و ابرت وان هوتون رئیس سر بازان جنگ بالژیکی



السته ریگان زمانی از مدفون بودن سر بازهای اس. اس. در این قبرستان باخبر می شود که دیدار از آن محل رارسمآ پذیرفته است. مطبوعات خبیرا با آب و تاب هر چه بیشتر بگوش میلیونها امریکائی می رسانند و ماجرا آغاز می شود. زخم میلیونها یهودی که می رفت تا بظواهر التیام پذیرد، بارد دعوت دیدار از بازداشتگاه یهودیان سر باز کرد، و قبول دیدار از قبرستانی که ۴۷ سر باز اس. اس. در آن مدفون بودند نمکی بود که بروی این زخم باز پاشیده شد. گاه یک اشتباه سر آغاز اشتباهات بعدی است. ریگان که از خشم امریکائی ها، اعم از یهودی و غیر یهودی باخبر شده بود برای پوشاندن اشتباه خود چنین توضیح داد: «سر بازان آلمانی مدفون در قبرستان «بیت بورگ» مطمئناً به همان اندازه قربانی جنگ محسوب می شوند که قربانیان «یهودی بازداشتگاهها».

این توضیح نادرست و خام، تاثر یهودیان را به خشمی عمیق تبدیل کرد، در نتیجه ریگان برای دلجوئی از آنها اعلام کرد که از بازداشتگاه گمنام «برگن بلین» نیز دیدن خواهد کرد. اما این دلجوئی به منزله نوشدار بعد از مرگ سهراب بود. نویسنده مجله نیوز ویک این اشتباه سیاسی ریگان را چنین توصیف می کند: «در حقیقت «ریگان» با سر، در عمیق ترین سرگردانیهای اخلاقی



قرار داد. سرزمین قهرمان پرور امریکا، قهرمان جدیدی را کشف کرد، قهرمانی که با همه غم و تواضعش بخشم آمد و برسکوی افتخار قرار گرفت.

شبکه تلویزیونی «سی.ان.ان.» مراسم اعطای مدال طلا توسط رئیس جمهور امریکا به «الی وایزل» و هم چنین نطق الی وایزل و رئیس جمهور را تماماً بطور زنده پخش کرد. گذشته از نطق موثر «الی وایزل»، چهره استخوانی و غم بار او که در لحظات هیجان قطرات عرق از آن سرازیر می شد و هم چنین چهره منقلب و متأثر ریگان جلب توجه فراوان می کرد. «ریگان» که مردی است بسیار خونسرد و خوشرو و براحتمی می تواند احساسات خود را کنترل کند در آن روز بطور وضوح ناراحت و حتی کمی دست و پاچه بنظر می رسید. پیدا بود که ماجراهای ناشی از اقدام وی برای دیدار از «بیت بورگ»

بی تفاوتی خود را با دلایل سیاسی توجیه کردند».

«الی وایزل» بدون کمترین رودربایستی از مقام رئیس جمهور حقایق رایک به یک بیان می کند و غم عظیم خود را از شنیدن خبر دیدار رئیس جمهور از قبرستان «بیت بورگ» وصف می کند و حقیقت گوئی خود را این چنین توجیه می کند: «... من از یک سنت کهن پیروی می کنم، منظوم یک سنت یهودی است که بما فرمان می دهد به همه کس واقعیت را بگوئیم.

شخصیت بارز، شهامت استثنائی، حقیقت گوئی شجاعانه و نطق هیجان برانگیز «الی وایزل» باعث شد که برای مدتی تقریباً طولانی وسائل ارتباط جمعی امریکا مرتباً درباره این نویسنده مشهور بنویسند و صحبت کنند. شخصیت و شهامت او برای چند روزی وجود رئیس جمهور امریکا را هم تحت الشعاع

دادند که می تواند در این مراسم شرکت کند بدون اینکه نطق وی ذره ای سانسور شود. «الی وایزل» که خود یکی از بازماندگان هالوکاست می باشد با این شرط موافقت کرد و بانطق موثر و تکان دهنده خود نه فقط ضربه ای سخت بر سیاست رئیس جمهور امریکا وارد ساخت بلکه احساسات میلیونها امریکائی را به شدت برانگیخت.

طی این نطق «الی وایزل» بانگاه و صدائی که از آن غمی بی حد و وصف تراوش می کرد، مشاهدات عینی خود را از فجایع نازیها و کشتار جمعی یهودیان وصف کرد، سپس با قدردانی بسیار از ارتش امریکا که در چهل سال پیش باعث نجات او و بقیه هم گیشانش شده بود تشکر کرد. از رئیس جمهور امریکا تشکر کرد که دوست یهودیان و دولت اسرائیل است. گفت خبردار که رئیس جمهور هنگام قبول دیدار از قبرستان بیت بورگ اطلاعی از مدفون بودن سر بازان اس.اس. در آن محل نداشته است، سپس نگاه نافذ، غم بار و منتظر خود را به ریگان دوخت و گفت:

«اما آقای رئیس جمهور، اکنون همه از این واقعیت مطلع هستیم»، سپس در حالیکه صدایش تحت تاثیر هیجان زیاد مرتعش شده بود از ریگان درخواست کرد که برای استحکام اتحادش با آلمان روش دیگری انتخاب کند و بالاخره با شهامتی تحسین انگیز خطاب به رئیس جمهور امریکا گفت: «آن محل، آقای رئیس جمهور، جای شمانیست، جای شما در کنار قربانیان اس.اس. است».

نویسنده نیوزو یک در مورد نطق «الی وایزل» می نویسد: «نطق احساس برانگیز وایزل بطور قطع یکی از فوق العاده ترین وقایع سالیانه کاخ سفید بوده است و بدون شک یادآور یکی از دردناک ترین اشتباهات سیاسی «رنالد ریگان».

جملات موثر و نافذی که «الی وایزل» در نطق خود ایراد کرده است هرگز از خاطرها محو نخواهد شد، او در کمال شهامت از بی تفاوتی متفقین نسبت به کشتار یهودیان صحبت کرد: «من با خطر بی تفاوتی، جنایت بی تفاوتی آشنا شده ام. من پی برده ام که معکوس عشق، تفرنیست بلکه بی تفاوتی است. یهودیان بدست دشمن بقتل رسیدند، اما توسط به اصطلاح متفقینی تسلیم شدند که

و بیش از همه نطق و اعتراض موثر «الی وایزمن» اعصابش را تحت فشار قرار داده است. این بار حتی سابقه وی در هنر پیشگی هم برای پرده پوشی بر احساسات و اقیمش موثر نبود، مضطرب و غمگین بنظر می رسید و وقتی می خواست اعلامیه کنگره را در مورد اعطای مدال طلا به «الی وایزل» امضاء کند دست هایش چنان می لرزید که یک بار نزدیک بود قلم از دستش به زمین بیفتد اما بموقع آن را کنترل کرد.

اما «الی وایزل» این یهودی لاغر اندام و بی نهایت غمگین که برای رئیس جمهور امریکا تعیین تکلیف می کند کیست؟

«الیزروایزل» به تاریخ ۳۰ سپتامبر سال ۱۹۲۸ در شهر «سایت» واقع در ترانسیلوانیا (که اکنون جزئی از رومانی است) متولد شد. «شلومو» و «سارواویزل» دارای سه دختر بودند و «الیزر» تنها پسرشان بشمار می رفت. «سارا وایزل» مادر «الی» برای زمان خود زنی بسیار تحصیل کرده بشمار می رفت زیرا تحصیلات دبیرستانی خود را نیز پایان رسانده بود. اودریک خانواده «هاسیدیک» تربیت شده بود که یکی از فرقه های بسیار متعصب یهودی بشمار می رود. پدر «سارا» یا پدر بزرگ «الی وایزل» مردی بود بامو و ریشی کاملاً سفید و چهره ای روحانی و بسیار دوست داشتی. علاقه عجیب «الی» به پدر بزرگش غیر قابل وصف بود، اودرا کثیر کتابهایش درباره این پدر بزرگ محبوب صحبت کرده است. پدر بزرگ «داود فیگ» نام داشت که در اصطلاح عامیانه او را «دودای» یعنی «داود کوچک» می نامیدند. او به مذهب و خدای خود عشق می ورزید و قصه گوی کم نظیری بشمار می رفت. سارا آرزو داشت تنها پسرش مانند پدرش «داود» یک ربای باایمان و یک قصه پرداز محبوب شود. «شلومو وایزل» پدر «الی» اگرچه به مذهب خود عشق می ورزید اما به اندازه همسر و پدرزنش تعصب مذهبی نداشت. خانواده همسرش فقط به خداوند ایمان داشتند، «شلومو» به گفته خودالی وایزل مردی بود روشن فکر که به انسان ها و انسانیت ایمان داشت و برای انسان ها مقامی بسیار والا قائل بود. شلومویک مغازه اغذیه فروشی داشت که صبح تا شام آنرا به کمک همسر و دودختر بزرگش «بشا» و «هیلد» اداره می کرد. اومردی بود آگاه

و تحصیل کرده که تمام اوقات فراغتش را به رسیدگی به گرفتاریهای مردم می گذراند، اجتماع کوچک یهودی شهر «سایت» هیچ مسأله ای را بدون مشورت با «شلومو وایزل» حل نمی کرد. «شلومو» نه فقط در اجتماع یهودی شهر خود بلکه بین هم شهریهایی مسیحی هم از محبوبیتی خاص برخوردار بود.

«الی وایزل» در چنین محیطی دوران کودکی خود را می گذراند. او مانند پدرش عاشق مطالعه بود، به تشویق مادر و پدر بزرگ تور و تلمود و کتب مذهبی رامی خواند و به تشویق پدر که مرد امروزی تری بود کتب تاریخ و روانشناسی و ادبیات مدرن عبری را مطالعه می کرد. ضمناً تشویق های پدر باعث شد تا «الی» زبان عبری مدرن را بیاموزد و صحبت کند. «الی» مانند بقیه بچه ها علاقه ای به بازی کردن نداشت، تنها عشق اومطالعه بشمار می رفت و گاه بازی شطرنج با پدرش. یکی از بزرگترین دلخوشیهای «الی» در زمان کودکی این بود که پدر بزرگش «دودای» از شهر مجاور به خانه آنها بیاید، وقتی پدر بزرگ آوازهای هاسیدیک می خواند، «الی» خود را در حال پرواز روی ابرها احساس می کرد. از چهره روحانی پیرمرد نور عشق به خدا تراوش می کرد. در آوازهای پیرمرد غم و شادی یهودی بودن توصیف می شد. «الی» در کودکی فقط این را می دانست که عاشق این آوازا است، سالها بعد به این حقیقت پی برد که پدر بزرگ از طریق این آوازا سنت اجدادش را به او منتقل کرده است.

«الی» به تدریج مثل مادر و پدر بزرگش عاشق یهودیت می شود و پیوسته به مطالعه کتب مذهبی یهود می پردازد. در سن ۱۳ سالگی بر میخواست که غرق غرور و شادی است یک ساعت طلا هدیه می گیرد. اما روزهای خوش دوام چندانی ندارد، جنگ دوم جهانی آغاز شده و خبرهای ناخوش آیندی در مورد کشتار یهودیان بگوش می رسد. مردم شهر سایت باناباوری خیرها رامی شنوند، گاه ناباوری باعث فروکش کردن احساس وحشت می شود. به تدریج آنتی سمیتیسم (احساسات ضد یهودی) با قدرت هرچه بیشتر به شهرک سایت هم سرایت می کند. محله یهودیها از غیر یهودیها کاملاً جدا می شود. یهودیها حق رفتن به رستوران و اماکن عمومی را ندارند. مادر و وحشت زده

می شود و نزدیک شدن پای جلاخان نازی را احساس می کند. اصرار دارد که همگی جلای وطن کرده به اسرائیل بروند. «الی» با عقیده مادر کاملاً موافق است، اما پدر نگرانی آنها را بی مورد تشخیص داده حاضر به جلای وطن نمی شود. بقیه ماجرا روشن است. سال آخر جنگ است و هیتلر «راه حل نهائی» خود را پیاپی می کند. سر بازان نازی به شهر سایت هم راه پیدا کرده، بطور ناگهانی کلیه ساکنین یهودی آنرا به اردوگاه آشویتس می برند. وقتی به اردوگاه می رسند اطلاعاتی از سرنوشت خود ندارند، آنقدر گیج و آشفته هستند که وقتی زنهارا از مردها جدا می کنند به فکر «الی» و پدرش هم نمی رسد که دیگر ملاقات با سارا و سه خواهر ممکن نیست و بهتر است با یکدیگر وداع کنند. «الی» و «پدرش» که مرد سالمی است به اطاق گاز و کوره آدم سوزی فرستاده نمی شوند، آنها را به اردوگاه کار اجباری می فرستند. هر روز باتن پوشی مختصر، در سمرانی بی نهایت ساعتها کار می کنند، خوراکشان در یک فنجان قهوه به عنوان صبحانه، یک فنجان سوپ به عنوان ناهار و یک گرده کوچک نان به عنوان شام خلاصه می شود. زندانیها در حسرت یک غذای کامل می سوزند و روز بروز تحلیل می روند، وقتی به صورت اسکلت های نحیف در می آیند به اطاق گاز فرستاده می شوند. در بلاک ۱۷ اردوگاه آشویتس نامها بی مفهوم است، روی دست هر کس شماره ای خالکوبی می شود که معرف او است، «الی وایزل» زندانی شماره آ ۷۷۱۳ می شود.

هدف اصلی اس.اس. ها در اردوگاه، غیرانسانی کردن محیط بود. آنها می خواستند انسانیت را در وجود یهودیها خفه کرده آنها را تبدیل به حیواناتی مطیع کنند. در اینجا شلومو به کمک پسرش می آید و به او می گوید: «تمام سهم نان شب خود را نخور بخاطر داشته باش فردا روز دیگری است». او بقدری گرسنه است و سهمیه نان بقدری اندک که تحمل ذخیره کردن را ندارد اما پدر به وی می فهماند که این تنها راهی است که او می تواند کنترل کوچکی بر زندگی خود داشته باشد و اراده اش را بطور کامل از دست ندهد. دیگران برای اینکه انسان مستقل باقی بمانند راهها و روشهای دیگری داشتند. یکی

ازهم شهریهها موفق شده بود یک «تفیلین» رابطور قاچاق وارد اردوگاه کند هر صبح سحر، قبل از اینکه همه زندانیها از خواب بیدار شوند، الی و گروهی از زندانیهای مذهبی مخفیانه گردهم جمع می شدند، تفیلین می بستند و دعای مخصوص تفیلین رامی خواندند. سپس برای دعای صبح آماده می شدند، «الی» اگر چه طبق عادت تفیلین می بست اما دیگر قادر به دعا کردن نبود. دیگر نمی توانست ارتباط معنوی خود را با خدائی که عاشقانه پرستش می کرد حفظ کند. او منکر وجود خدا نمی شد ولی دیگر قادر به مدح کردنش نبود.

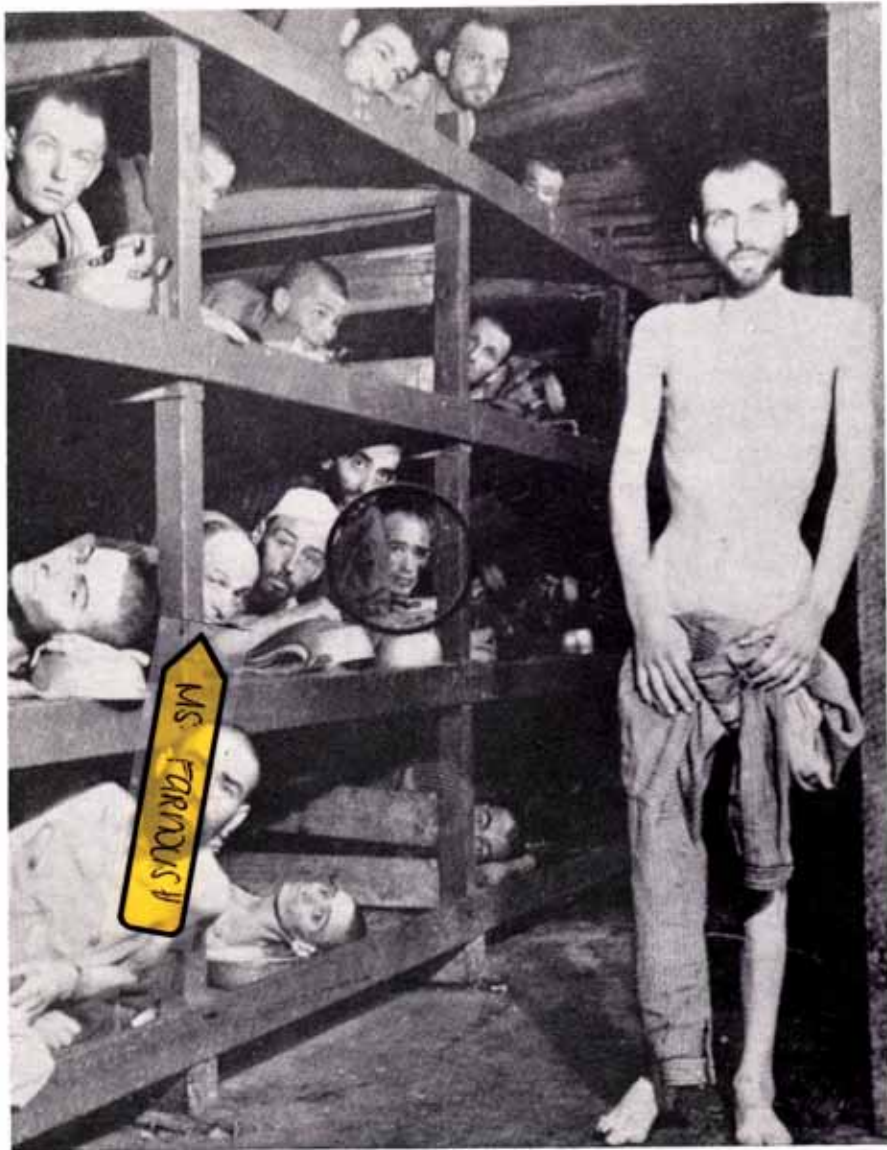
تنها دلخوشی «الی» این بود که نزدیک به پدرش کار می کرد و شبها نزدیک بهم می خوابیدند. هر کدام سعی داشت روحیه دیگری را حفظ کند. پدر و پسر شبها مخفیانه شطرنج بازی می کردند، شطرنجی بسیار گرانتقیمت، شطرنجی که مهره هایش را از خمیر سهمیه نان شب خود درست کرده بودند. یکی از نگهبانان اردوگاه چشمش به دنبال یک عدد دندان طلای جلویی «الی» بود. از طرفی چون شلومو قادر نبود درست به مارش نظامی قدم بردارد هر روز در برابر دیگران او را شلاق می زد. بالاخره «الی» برای تطمیع نگهبان، از یکی از زندانیان که قبلاً دندان پزشک بود خواهش کرد تا دندان طلای او را بکمک تنها وسیله موجود یعنی یک قاشق زنگ زده بکشد و بعد آنرا تقدیم مأمور شکنجه پدرش کرد. شرح شکنجه ها و شلاق خوردنهای پدر و پسر بسیار زیاد و تکان دهنده است. الی برای تقویت روحیه خود با مردان مذهبی ساکن اردوگاهش طرح دوستی می ریزد و در تمام اوقات فراغت قسمت های مختلف تلمود را که از حفظ هستند برای یکدیگر می خوانند. کوشش آنها برای بیاد آوردن تمام صفحات «تلمود» باعث می شد موقتاً زمان حال، گرسنگی کشنده و وحشت و ترس را بدست فراموشی بسپارند. این اقدام باعث می شد پی ببرند که مغزشان هنوز قادر به فعالیت است و معلوماتشان محفوظ. یکی از دلایلی که به «الی» قدرت ادامه حیات می داد نصیحت پدر بزرگش بود که به او گفته بود: «تو یهودی هستی، وظیفه ات این است که یهودی باقی بمانی، بقیه اش با خداست».

شب روش هشانا در نهایت ناامیدی و وحشت، ده هزار یهودی بدون کمترین امید به فردای خود، بدون وجود کتاب دعا، به رهبری صدای یک ربای که دعاها را از حفظ است، دعا می خوانند. این بار هم «الی» کلمات آشنا را تکرار می کند اما به معنای واقعی دعا نمی کند. او قادر نیست برای خدائی دعا بخواند که موجب ناامیدیش گشته، خشمگین است و تنها. احساس می کند که روحش در حال احتضار است. پانزده سال از عمرش می گذرد اما در عتقوان جوانی در ماتم روح و ایمان خود نشسته است. روزه نگرفتن برای یک یهودی معتقد و با ایمان به منزله کفری است. یوم کیپور است و زندانیان در تردید. آنها آنقدر ضعیف هستند که یک روز غذا نخوردن می تواند موجب مرگشان بشود. عده ای از مردان مذهبی دعای «کل نیدره» شب کیپور را روی کاغذهای توالت می نویسند و مخفیانه بین بلاک های مختلف پخش می کنند، سر ساعت معین همه دعا را به آرامی می خوانند، اما کثراً روزه نمی گیرند. «الی» به دستور پدر روزه نمی گیرد و در کمال تعجب متوجه می شود که از این بابت به هیچ وجه احساس گناه و ناراحتی نمی کند.

ماجرای پای یخ زده «الی» و عفتونت شدید آن، جراحی بدون بیهوشی و درد کشنده آن از دیگر قسمت های زجر آوار اقامتش در اردوگاه است. جنگ پایان نزدیک شده، تمام زندانیان را پیاده از آشویتس به «بوخنوالد» می برند. سرما کشنده است و در دپا طاقت فرسا، پای متورم و پیچیده شده در باند در هیچ کفشی فرو نمی رود، خون از پایش می چکد و بالا جبار پای پیاده به همراه پدر و بقیه زندانیها براه می افتد. در راه به جسد بیجان زندانیانی که طاقت سرما را نیاورده اند نگاه می کند و آنقدر از درد پایی امان شده که به مرده ها بانگاه حسرت بازنگاه می کند. در بوخنوالد، شلومو در اثر ضعف، اسهال شدید و کتک خوردنهای فراوان روبه مرگ شده، شب هنگام که «الی» در خواب است می میرد و صبح روز بعد جای پدر خالی است. غم او آنقدر عظیم است که حتی قادر به گریستن نیست. کوتاه مدتی بعد، جنگ پایان می پذیرد. بسیاری از زندانیها که معده شان به خوردن غذای اندک عادت کرده بود در اثر

خوردن غذای زیاد از میان می روند. «الی» شانزده ساله است، تنها، یتیم و بی خانمان، در لیست بازمانده ها، نشانی از نام خواهران و مادرش نمی بیند. پسرک یتیم در این «دنای یتیم» سرگردان است. توسط گروه دیگری از نوجوانان با تو بوس به فرانسه می رود، دولت فرانسه و یهودیان فرانسوی همه آنها را پذیرا می شوند. عکس از گروهشان در یک مجله فرانسوی بچاپ می رسد و آنجا است که خواهر بزرگش عکس برادر رامی بیند و منقلب و گریان با او تماس می گیرد، در این تماس تلفنی «الی» پی می برد که خواهر دیگرش هم زنده است، امامادر و خواهر کوچکترش از بین رفته اند. «الی» تصمیم می گیرد به تحصیل ادامه دهد، زبان فرانسه رامی آموزد و با دشواریهای فراوان به دانشگاه سوربون پاریس می رود. غم او آنقدر شدید است و تسلطش به زبان فرانسه بقدری محدود، که تصمیم می گیرد تا با زیافتن قدرت کافی برای نوشتن و بدست آوردن صدای رسا برای بانک برداشتن، سکوت کامل اختیار کند. با خود عهد می کند که تا آن لحظه کلامی درباره تجربیات غم انگیزش بزبان نیاورد. این عهد ده سال بطول می انجامد. در این مدت در حین رفتن به دانشگاه، بعنوان خبرنگار روزنامه «یدیوت آها رنوت» چاپ اسرائیل، در فرانسه مشغول بکار می شود. زبان عبری مدرن که در کودکی آموخته بود به کار می آید. حسن بزرگ این شغل در این بود که به او امکان سفرهای مجانی متعدد به نقاط مختلف دنیا داده می شد. بزرگترین آرزویش سفر به اورشلیم است، شهر رؤیایهایش و این آرزو بزودی برآورده می شود.

ملاقات با «فرانسوا موریاک» نویسنده کاتولیک فرانسوی و برنده جایزه نوبل ادبیات مسیر زندگی «الی وایزل» را تغییر می دهد. «الی» بعنوان یک خبرنگار اسرائیلی تقاضای مصاحبه با «موریاک» رامی کند. «موریاک» کمترین اطلاعی از گذشته «الی» ندارد، در ابتدا درباره احساس ستایش خود در مورد قوم یهود سخن می گوید، سپس موضوع رابه زندگی حضرت مسیح می کشاند و چنین عنوان می کند که مسیح یهودی بود که خود را فدا کرد تا ملتش را نجات دهد و باعث رستگاری تمام نوع بشر شد. «الی» ناگهان خشمگین می شود و می گوید: «دیر زمانی



نیست که شش میلیون یهودی، نه خیلی دور از فرانسه، قربانی شدند. اما هیچکس نامی از آنها نمی برد. «الی» ناگهان پی می برد که بعنوان یک خبرنگار مرتکب خطای بزرگی شده و بابی سیاستی سخن گفته است، از قریط ناراحتی چاره ای نمی بیند به جز ختم مصاحبه، کت و دفترش را برمی دارد و با عجله بطرف آسانسور می رود، بقیه را از زبان خودش بخوانید:

«در همان لحظه صدای در را شنیدم که پشت سرم باز شد. نویسنده پیر باتواضع و فروتنی بیش از حد بازویم را گرفت و از من خواست که بازگردم. به اطاق برگشتم و رو بروی هم قرار گرفتیم. و ناگهان مردی که چند لحظه پیش به اوتوهین کرده بودم شروع به گریستن کرد.

#### از کتاب «یک یهودی امروز»

اشک «موریاک»، «الی» را ناراحت تر و خجالت زده ترمی کند. «الی» می داند که نویسنده پیر عضو گروه مقاومت فرانسه بوده و از مخالفین سرسخت آلمانهاست. نویسنده پیر شروع به سؤال پیچ کردن «الی» می کند اما او سعی دارد با جوابهای کوتاه از پاسخ مستقیم دادن طفره برود. بالاخره طاقت از دست می دهد و پرده از تجربه های تلخ و غم بار خود برمی دارد و ادامه می دهد که با خود پیمان بسته است مهر سکوت بر لب بزند.

این ملاقات مسیر زندگی «الی وایزل» را تغییر می دهد. «فرانسوا موریاک» برنده جایزه نوبل ادبیات سال ۱۹۵۲ با اصرار و التماس او را برمی انگیزد که سکوت خود را بشکند و ماجراهایش را بروی کاغذ بیاورد. وقتی «الی» از آپارتمان نویسنده پیر خارج می شود بدون اینکه خود آگاه باشد سکوتی که سالها بود در آن اسیر شده بود شکسته می شود. ده سال از سکوت عمیقش می گذرد و دهمین سال همانا سال پایان این سکوت است، در این سال به تشویق «موریاک» که بعدها دوست صمیمی اومی شود اولین کتابش را بنام «شب» می نویسد. از آن پس نوشتن برایش حکم لازمه حیات رami یابد، یاد حقیقت نوعی خوددرمانی. از اینکه میلیونها هم مذهبی در کوره ها از میان رفته اند و او جان سالم بدر برده، احساس نوعی تقصیر می کند و در عوض می کوشد تا بتوان شاهد، از غم ها ورنج ها و ماجراهای آنها

سخن بگوید. و این برای او خود دلیلی است برای زنده ماندن. از آن زمان ببعده «الی وایزل» هفده کتاب می نویسد که هر کدام با استقبال و توجه بی نظیر مواجه می شود. پس از انتشار کتاب شهری ما و راه دیوار «در سال ۱۹۶۴ «الی» موفق به دریافت اولین جایزه ادبی از سری جوایزی شد که بعدها به تدریج نصیبش گشتند. در فرانسه جایزه ادبی «ریوارل» و در امریکا جایزه «ناشال جونیش بوک کانسل» به او تعلق گرفت. مرد لاغر اندام با چشمان اندوهبار و اندک لهجه فرانسوی اش در میان علاقه مندان کتاب در امریکا هم محبوبیتی چشمگیر کسب کرد. «الی» به جز نویسندگی استاد دانشگاه هم هست. وقتی بعنوان سخنگو جلسه ای را اداره می کند، شنوندگان را با دهان گرم و داستانهایی که اکثراً افسانه

های هاسیدیک هستند هیپنوتیزم می کند. «الی» بدنبال سفرهایش به روسیه، در سال ۱۹۶۶ کتاب «یهودیان خاموش» را به چاپ می رساند که در آن سخن از فریاد خاموش یهودیان روسیه است. بدنبال چاپ این کتاب مسأله یهودیان روسیه مورد توجه بیش از حد واقع شد تا به آنجا که در سال ۱۹۷۰ مهاجرت یهودیان روسیه به اسرائیل و امریکا اوج صعودی طی کرد.

در سال ۱۹۶۰، یکی از دوستان «الی» کتابی به او می دهد که توسط حکومت لهستان چاپ شده، داستان مصوری است از گروهی یهودیان زمان هالوکاست. کتاب بیشتر حالت یک آلبوم عکس را دارد. دیدن عکسها دردناک و غم انگیز است و ناگهان «الی» عکس پیرمردی را می بیند که چند

سرباز آلمانی در حال خنده و تمسخر مشغول بریدن ریش او با خنجر خود هستند. قلب نویسنده متوقف می شود، پیرمرد همانا پدر بزرگش «دودای» است. «الی» هرگز تصور نمی کرد از چگونگی لحظات آخر زندگی پدر بزرگش باخبر شود. اما در این عکس پیدا بود که پیرمرد در جنگل است و سربازان قسی القلب در حال شکنجه او هستند تا سپس به زندگیش پایان دهند. بدنبال مشاهده این عکس «الی» کتابی پراحساس درباره پدر بزرگش و ایمان استثنائی او می نویسد و از آن پس در اکثر کتابهایش هرجابه وجود شخصیتی با ایمان واقعی نیاز است از پیرمردی سخن می گوید که همانا «دودای» ریش سفید است. در کتاب «یک یهودی امروز» در مورد پدر بزرگش می نویسد: «من عشق به سنت ها و علاقه وصف ناپذیرم رابه ملت یهود و فرزندان ناکامش مدیون او هستم. او که هرگز «نول» نخواند اما در تمام «نول» های من حضور دارد. پیرمردها در داستانهای من همیشه قیافه ای شبیه او دارند، مانند او آواز می خوانند و با کلمات جادوئی خود غم را خلع سلاح می کنند».

«الی» در سال ۱۹۶۹ با «ماریون رُز» ازدواج می کند، این اولین ازدواج او و دومین ازدواج «ماریون» محسوب می شود که از همسر اولش دارای یک دختر ده ساله است. «ماریون» زنی است بلوند با چشم های درشت و براق، برخلاف «الی» او زنی است بسیار بانشاط، اما مثل همسرش متولد ارو پا است و در اردوگاههای یهودی بسر برده. تجربه های مشترک باعث نزدیک شدن آنها و ازدواجشان می گردد. او زبان دان برجسته ای است و اکثر کتابهای شوهرش را از فرانسه به انگلیسی ترجمه کرده است. ازدواج مثبت ترین قدمی است که «الی» در زندگی خصوصیش برمی دارد. دوستان و طرفداران کتابهایش از اینکه از همسرش ایسته ای یافته است به وجد آمدند و آرزو کردند که این ازدواج سر آغاز خوشبختی برای نویسنده - نساستان باشد. او دیر ازدواج می کند تا بتواند خود را کم و بیش از شر غم بی دریغ برهاند، تعادلی نسبی بیابد و البته با شریک دلخواه مواجه شود. وجود «جنیفر» دختر «ماریون» به زندگی آنها شادی بیشتری می

بخشد و باعث می شود که نویسنده فقط در افکار گذشته غرق نباشد و به آینده هم بیندیشد.

کتاب «گدای اورشلیم» اولین کتابی است که بعد از ازدواجش می نویسد. در فرانسه محبوبیتی کم نظیر بدست می آورد و جایزه «مدیسی» را نصیب «الی» می کند. این کتاب در سال ۱۹۷۰ در آمریکا هم یکی از پرفروشترین کتابها شناخته شد.

در ماه جون ۱۹۷۲ «شلومو الیشاویزل» تنها فرزند «الی» متولد می شود، شادی نویسنده وصف ناپذیر است. بعدها می گوید: «اگر یهودی نبودم هرگز جرأت نمی کردم باعث شوم که انسان جدیدی قدم به این جهان بگذارد»، اما «الی» مردی است بسیار مذهبی و برای تولید مثل ارزش فراوان قائل است. بعدها به خبرنگاری می گوید: «وقتی شلومو متولد شد، برایش متاسف شدم. متاسف شدم از اینکه قدم به این جهان وحشتناک، سخت و زشت گذاشته است. هنوز هم برایش متاسف هستم، اما طبیعتاً وجود او باعث شده که برای بهتر کردن این دنیا بیشتر و بیشتر بکوشم». درباره ارتباطش بانسل بعدی می گوید: «من تنها پسر خانواده ام بودم، نمی توانستم حلقه های این زنجیر را زهم بگسلم. غیر ممکن بود که ۳۵۰۰ سال گذشته با وجود من پایان برسد، بهمین دلیل من هم بار این ۳۵۰۰ سال تاریخ را بلند کردم و روی شانته های این طفل خردسال گذاشتم». شلوموی کوچک برای «الی» یادآور این نکته است که پدرش فراموش نشده است.

از نکات جالب زندگی «الی وایزل» اینکه در سال ۱۹۵۸ «فرانسوا موریاک» مشوق، دوست و حامیش کتابی نوشته تحت عنوان «پیرمرد»، کتابی در شرح زندگی حضرت مسیح و آن رابه این شرح تقدیم به «الی وایزل» کرد:

**تقدیم به الی وایزل  
کودک یهودی که مصلوب شد  
دوست او  
فرانسوا موریاک**

«الی وایزل» که شخصاً «بی تفاوتی» را گناه کبیره می داند، هرگاه گروهی از هر نژاد و هر مذهب و هر ملت، از ظلم و فاجعه ای

در عذاب هستند تمام کوشش خود را بکار می برد تا کمکی برای آنها باشد. او یکی از کسانی است که پس از جمع آوری خوار و بار و دارو برای قحطی زدگان «کامبوج» همراه کامیونهای غذا و دارو رفت تا شخصاً به وضع آنها رسیدگی کند و به خبرنگاران گفت:

«من اینجا آمدم چون وقتی خودم آنجا بودم هیچکس سراغم نیامد، برای هر قربانی از گرسنگی، ترس، شکنجه و قبول توهین بدتر، قبول این احساس است که به حساب نمی آید، مطرح نیست و هیچکس در فکرش نمی باشد». او همیشه در انجام کارهای خیر در هر سوی دنیا پیش قدم است و می گوید: «شاید ما نتوانیم دنیا را تغییر دهیم اما من نمی خواهم دنیا مرا تغییر بدهد».

در اکتبر سال ۱۹۸۰ کنگره آمریکا لایحه ای را تصویب کرد که به امضای رئیس جمهور رسید. به موجب این لایحه ساختن یک موزه دائمی برای یادآوری قربانیان هالوکاست و هم چنین مشخص کردن روزهای مخصوص برای یادآوری قربانیان مقرر شده بود. «شواری یادآوری کشتار جمعی یهودیان»، «الی وایزل» را بعنوان رئیس هیأت مدیره انتخاب کرد.

«الی وایزل» شاهدی است برفجای گذشته، صدای هشدار دهنده ای است برای آینده. ایمان به مذهب را از پدر بزرگش و ایمان به بشر را از پدرش به ارث برده است. زمانی این هردو ایمان دچار تزلزل شده بود. اما امروز هردو ایمانش استوار و محکم اند و برای استحکامشان احساس مسؤلیت می کنند. تصویری کنید تجربه های تلخ گذشته علت غم پایان ناپذیر چشمان این مرد است؟ خیر، غم واقعی او به این دلیل است که دنیا و مردمش از گذشته های تلخ درس عبرت نمی گیرند و اشتباهات مرتباً تکرار می شود. اما او حاضر نیست در تکرار این اشتباهات سهیم باشد و به همین دلیل هم همیشه در راه کارهای انسانی پیش قدم است و هرگز از به زبان آوردن واقعیت با همه تلخیش وحشت ندارد، حتی اگر قرار باشد این واقعیت را رودر روی قدرت بزرگی چون رئیس جمهور آمریکا بزبان آورد. بله این است شرح حال زندانی شماره آ - ۷۷۱۳ که حقیقت گوئی را سنت یهودی می داند و برای رئیس جمهور تعیین تکلیف می کند.

می توانید پول بیشتر بدهید  
ولی چرا؟

طراحی، دیزاین، حروفچینی، کارت

و چاپ مشکی بصورت برجسته

۱۰۰۰ عدد کارت ویزیت

فقط ۱۴ دلار

کارت ویزیت رنگی

طراحی، دیزاین، حروفچینی، کارت سفید و چاپ برجسته  
۱۰۰۰ عدد کارت ویزیت بایکی از رنگها:

قرمز □ آبی □ سبز □ قهوه ای فقط ۱۷/۹۹ دلار

کارت ویزیت ۲ رنگ

طراحی، دیزاین، حروفچینی، کارت سفید، چاپ برجسته  
۱۰۰۰ عدد کارت ویزیت بایکی از رنگ بندهای:

مشکی و قرمز □ مشکی و آبی □ مشکی و سبز فقط ۱۹/۹۹ دلار  
مشکی و قهوه ای □ قرمز و آبی

چاپ هر نوع لوگو در روی کارت فقط ۳ دلار

بهترین چاپ  
با ارزانهترین قیمت

- سرکاغذ
- انواع پاکت
- کارت ویزیت
- انواع کارت دعوت
- انواع فرمهای اداری
- انواع صورتحساب
- کاتالوگ
- منوی غذا
- مهرلاستیکی
- مجله
- ... و ...
- لیبل
- پوستر
- بروشور
- قرارداد
- فلایر
- تقویم
- بلیط
- بولتن
- کتاب
- روزنامه

حروفچینی فارسی و انگلیسی  
برای نشریات و کتاب توسط  
دستگاههای کامپیوتری  
پذیرفته می شود

تهیه، تنظیم پروژه های تبلیغاتی به  
بهترین نحو برای نشریات و یاروی  
وسائل مورد استفاده

برای مثال

چاپ نام و یا

اسم شرکت شماروی

۱۲ عدد مداد و یا خود کار

۳/۹۹ دلار

سفارشات پستی

پذیرفته می شود

H.S. H. Mortazavi

8720 Woodley, No. 209  
Sepulveda, CA 91343

فاصله ماباشما، فاصله دست شما  
باتلفن است

(818) 893-3396



## دکتر تورج شفا

- قبول اکتر بیمه های درمانی ومدی - کال
- قبول سفارش برای ایران وکشورهای خارج
- تحویل مجانی سفارشات درمحدوده شهر
- لوازم آرایش بهداشتی بدون عوارض بعدی

تخفیف مخصوص در قیمت نسخه شما  
دوشنبه الی جمعه از ساعت ۹ صبح تا ۵/۵ بعدازظهر

**دراگ استور سارجنت**  
Sargent Pharmacy  
3458 Wilshire Blvd.  
Los Angeles, CA 90010  
Tel: (213) 388-0566

**دراگ استور میدوست**

**Mid-West Medical Pharmacy**  
8733 Beverly Blvd.  
Across From Ceder Sinai Medical Center  
Los Angeles, CA 90048  
Tel: (213) 657-1635



## دفتر شفا

مشاور حقوقی


ترجمه رسمی اسناد

تنظیم وکالتنامه، وصیتنامه وقرار دادها

تصدیق امضاء

## Shafa Ltd.

International Law Consultants  
Language Translation

 Notary Public

205 S. Beverly Drive, Suite 204  
Beverly Hills, CA 90212

(213) 858-6747

(213) 939-3432

## کلینیک پزشکی - دندان پزشکی دکتر بهروزان

WEST LOS ANGELES

SANTA MONICA

**دکتر فرحناز بنجی (بهروزان)**

**دکتر بنجامین بهروزان**

دندانپزشک

پزشک بیماریهای کودکان - داخلی

با ۱۳ سال سابقه کار در ایران و آمریکا

دارای برد تخصصی اطفال ونوجوانان از اسرائیل  
و پزشک سابق بیمارستان تل هشومر

- دندانپزشکی اطفال و بزرگ سالان
- عصب کشی وداندهای پیچی داخل ریشه
- روکش چینی وانواع دندانهای مصنوعی ثابت ومتحرک
- ترمیم دندانهای شکسته وتغییر رنگ داده شده بطریقه BONDING بدون استفاده از روکش



Discover  
The Secret  
Medical Dental  
Made Affordable

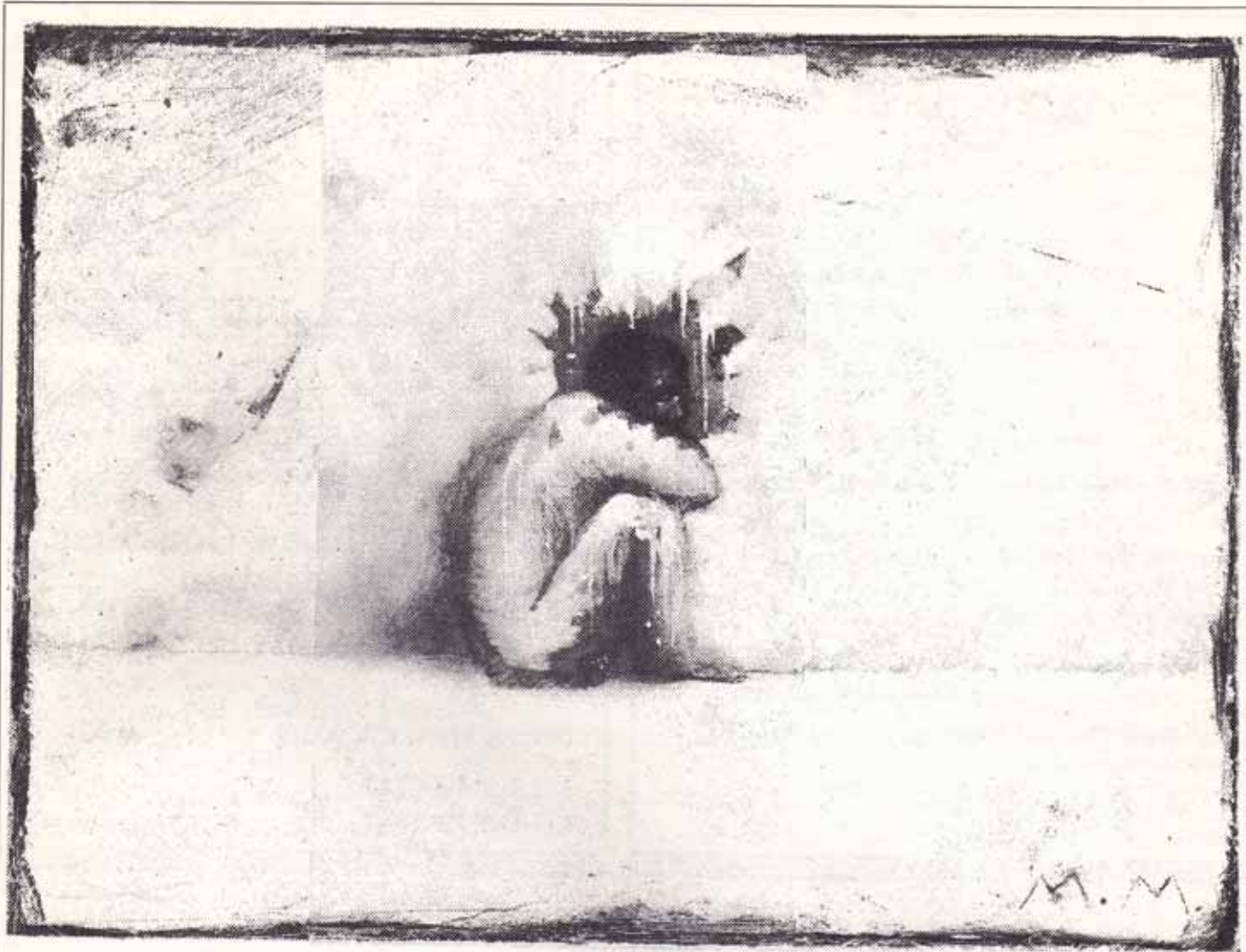
- پزشک خانواده
- نوزادان واطفال
- چک آپ کامل
- نوار قلب
- لابراتوار، واکسیناسیون

• اکثر بیمه ها پذیرفته می شود و برای هموطنانی که بیمه درمانی ندارند تسهیلاتی در نظر گرفته شده است.

2617 Lincoln Blvd., Suite 207  
Santa Monica, CA 90405

• پارکینگ مجانی

(۲۱۳) ۴۵۰-۹۷۷۵



## جنگ فرهنگ ها

هوشنگ ابرامی

کهنگی برخوردار میان فرهنگهای آدمی از قدمت تاریخ مدون بشریای فراتر می گذارد. و شاید از زمانی که انسان در غار می زیست و با چنگ گوشت ناپخته می خورد دورتر می رود. جنگ فرهنگها جنگی است به ظاهر آرام اما همیشگی. جنگی است که در آن نه چوب و چماق بکار می رود و نه موشک و تانک و زبرد رانی اما بیرحمی آن غوغا می کند. در عین حال داستان مصاف فرهنگهای اقوام و قبایل و ملل گوناگون از دیر زمان تا به امروز، شورانگیزترین فصل کتاب تاریخ است. اگر کشمکش بین فرهنگها نبود زندگی آدمیان چه سرد و خشک و بیروح و یکنواخت می شد؛ هم چون زندگی دیگر جانداران.

هر فرهنگ، ولوناتوان و فرسوده بسادگی میدان را خالی نمی کند. می ایستد، می ماند، می ستیزد، با سماجت و بالاجت. سرانجام نیز نمی میرد. فرهنگها مرگ

ناپذیرند. درهم حل می شوند و فرهنگی بزرگتر و قوی تر می سازند اما نمی میرند. چه کس می تواند مدعی باشد که فرهنگ باستانی ایران پس از آنهمه حمله هابکل مرده است و چه کس می تواند بگوید از فرهنگ زمان موسی هیچ اثری در قوم یهود امروز - بعد از آنهمه پراکنده گیها - بجای نمانده است. فرهنگها نمی میرند اما دایم باهم جدال می کنند و از هم اثر می پذیرند. اندکی پس از تشکیل دولت اسرائیل بن گوریون در مقاله ای نوشت که بزرگترین مشکل اجتماعی دولت نوین، حکومت بر افرادی است که گرچه از نظر مذهبی یکی هستند اما از ملت های مختلف اند و هر کدام فرهنگی خاص خود دارند.

جدال بین فرهنگها از قاعده و نظام خاصی پیروی نمی کند. زمانی خشن است و خون ریز، مثل آنچه گهگاه در هند می بینیم و زمانی دیگر نرم و لطیف و مکار نظیر آنچه در تاریخ ملل استعمارگر دیده ایم. زمانی

آنکه قوی پنجه تراست تهدید گرانه قدم درمیدان می گذارد و فرهنگ ملی را می کوبد مثل نفوذ فرهنگ غرب در کشورهای جهان سوم و زمانی آنکه قدرتش به قدرت حریف نمی رسد خود، خواسته پاناخواسته، کسانی رابه خطه او گسیل می دارد نظیر آنچه در عمر کوتاه تاریخ امریکا می بینیم؛ دسته دسته مهاجر و پناهنده. زمانی کنداست و ویژه و نسلی بدنبال نسلی دیگر می آید و می رود و از برخوردتند و فرهنگ اثری نمی بیند مثل مردمیکه از تولد تا مرگ در یک شهر زندگی می کنند و در تمام عمر جز زادگاه خود جای دیگر رانمی بیند و زمانی در یک نسل چون عقابیی تیزبال، ناخوانده و ناآگاه، فرود می آید و صحنه جنگ گرم و سوزنده می شود و توفانها بر پا. نظیر آنچه بر سرآمد و مارا به کسانی بدل کرد که روزی باید سرخورده و دلسوخته غم فرهنگ از دست رفته رابخوریم و روز دیگر سر بیافرازیم و از گذشته درخشان فرهنگ ملی خویش برخورداریم.

جنگ فرهنگها همیشه در یک قالب معین صورت نمی گیرد. بیک شکل آغاز نمی شود مراحل مشخص رانمی گذارند و به یک فرم به انجام نمی رسد. الگوهای متنوع دارد. الگو یا قالبی که ماقهرمانان آنیم نیز از این قاعده مستثنی نیست. مراحلی که ما با کولبار فرهنگ خویش بر پشت خم کرده خود می گذرانیم با مراحلی که اردشیر و گشتاسب و تهماسب و سوادبه و آذردخت و مهربان بانو بهنگام حمله تازیان به ایران گذراندند یکسان نیست.

مادر این رهگذر از چه مراحل می گذریم؟ با کدام قوا درستیزیم؟ در وجود خویش چه آشوبها حس می کنیم؟ و به کدام جنبه های گذشته می کوشیم تا پشت کنیم و بانا توانی روبرو می شویم؟ مراحل بسیاری رانمی گذرانیم که به کوتاهی نمی توان از یک یک آنها سخن گفت. گذشته از آن این مراحل در پی هم نمی آیند. اغلب باز می گردند و با گذشتن یک مرحله اجباراً عمر آن مرحله پایان نمی رسد. از این روی بهتر است آنها را «ابعاد» بنامیم. ابعادی که مادر نبرد فرهنگها با آنها روبرویم کدامند؟ به عمده ترین آنها اشاره می کنیم.

## ۱- شیفتگی

شیفتگی بعدنخست این ستیزاست.

در قدم اول بخاطر ضربه ای که بفرهنگ ملی ما وارد می آید و به سبب تصویری از پیش پرداخت شده، مفتون و شیدای فرهنگ غرب می شویم و برای رسیدن به آن سراز پانمی شناسیم. به آب و آتش و کوه و دریا می زنییم تا بدین دیار برسیم. داستان زندگی آنها را که گریخته اند مرور کنید. چه شوری آنها را به غرب، به ویژه به خاک امریکا می کشاند. گریز از جهنم به امید رسیدن به بهشت افسانه ای.

هنوز پایه این مرز و بوم نگذاشته تعریف و تمجیدها آغاز می شود: بیخود نیست که ظرف سه چهار قرن اینهمه ترقی کرده اند. تمدن دارند آقا. قانون می شناسند. انسانیت دارند. می فهمند دارند چکار می کنند. ماهم آدم بودیم ترا بخدا؟ حیف از آن عمری که توی آن خراب مانده سیاه کردیم. آن رانندگی مان! آن مدرسه هامان! آن اداره هامان! آن مجلس و دوستان! همه شان بهم می آمدند. اینها رانگاه کنید. آدم حظ می کند بوالله. همه چیز عالی. همه چیز بزرگ. این هندوانه رامی بینید؟ حتی بادوتا دست هم به سختی می شود برش داشت. آن وقت هی ما خیال می کردیم تنها ایرانست که میوه دارد.

توی تلو یزیون هاشان حتی رئیس جمهور راهم مسخره می کنند کسی جیکش در نمی آید. آنجاییکه به اسب شاه می گفت یا بو، یارورا می گرفتند سر به نیست می کردند. عجب ملت دلشادی اند. همه اش می خندند. غم دنیا رانمی فهمند. پیروان واقعی خیام اینها یاند. مافقط شعرش رامی خواندیم. این جک، همسایه ما، همین پرریوز باباش مرده بود امروز صدای قهقهه اش به فلک می رسید. انگار نه انگار که پدر مرده است. ماچی؟ موسیقی گوش می کردیم، اما خوب بود گریه کنیم وآه وناله، چقدر غم و درد خدا! چرازودتر انقلاب نشد تا، پیش از اینها اینهمه خوبی و زیبایی رابشناسیم. شاید بخاطر ثوابهایی که کردیم خدامارا در همین دنیا به بهشت فرستاد.

آقا می خواستی باهما پرواز کنی انگار می رفتی گاراژ ماش ممدلی. هی تاخیروهی تاخیر. آنوقت چه پذیرائی. آدم حالش بهم می خورد. از نیویورک می آمدیم لوس آنجلس، هواپیما مُک سراسعت سه وسی و پنج دقیقه از زمین کنده شد. بدون یک آن

تاخیر. باورکردنی نیست اینهمه نظم و وقت شناسی. چقدر آدمهای مؤدب و منظمی. چمدانها را که وزن کردند کلی اضافه بار داشتیم اما یک پنی هم نگرفتند. چقدر آقا اند! چقدر خانمند! خداوند اینها رالایق دانسته که اینهمه سعادت و نعمت و مکننت را بهشان ارزانی داشته. همه تمیز. همه مهربان. همه اهل کار. یک گدا می بینی اینجا؟ یک دست انداز توی خیابان می بینی؟ شب دره است و بیابان صبح بلند می شوی می بینی که جاده کشیده اند و پل ساخته اند. دیوانه کننده است آقا، وحشتناک است. آدم گاه از تعجب شاخ در می آورد که آخر مگر می شود؟ یک جاده ز پرتی تهران قم می خواستند بسازند چل سال طول کشید آخرش هم درست و حسابی نساختند. قریان خدا بروم الهی. چقدر تفاوت. چقدر فرق. بی جهت نیست. جهنم و بهشت درست است. حقیقت دارد. لااقل توی همین دنیای فانی اش.

رفته بودم اسم بچه ام رابنویسم مدرسه. نمی دانید چه عزت و احترامی می کردند. مثل اینکه خدا توی این مملکت فقط بچه مرا خلق کرده بود که برود درس بخواند. مشاور تعیین کردند. کلاس اضافی برای زبانش گذاشتند. برنامه ناهار و آمدورفتش راتعیین کردند. چه غذایی بود آنجا برای نام نویسی بچه ها، واو یلا اگر یکروز دیر می کردی. اگر مدرسه دولتی بود که هیچ دیگر حسابت با کرام الکاتبین بود و اگر هم ملی، خوب بود یک چیزی روی آن چند هزار تومان قبلی بگذاری و دم این و آن راببینی و خواهش و تمنا و من بمیرم تونمیری و قسم وآیه تازورکی موفق بشوی.

این ترافیک! این ترافیک تنها رابگو. دیده اید که یکی بزور بخواهد از شما بزند جلو. دیده اید یکی در خیابان یک طرفه عقب عقبکی رانندگی کند؟ دیده اید یکی قانون رازیر پا بگذارد. دلم می خواهد روزها بروم سر چهارراه بایستم و فقط رانندگی این مردم راتماشاکنم. اینها فرشته اند. همه چیزشان روی حساب است. نه تقلب، نه دزدی، نه زور، نه رشوه، نه فحش، نه چاقوکشی و آدمکشی، نه تریاک و قویون و عرق خوری و بدمستی و بمال و ناموس مردم چشم بدنگاه کردن. خدا را صد هزار مرتبه شکر که اسبابی

## ۲- واپس زدگی

بعددیگر درست نقطه مقابل بعد شیفتگی است. مرحله ای است که در آن آنچه در تصور خویش جای داده ایم، بالا می آوریم. مرحله تهوع فکری است. بازگشت به گذشته است. گریز از بهشت خیالی و توخالی است و توسل فکری به همان جهنمی که لااقل تا یک مقطع زمانی از عمر خویش می دانستیم که قلباً دوستش می داشتیم و تکلیفمان روشن بود. بعدی است که در آن مدینه فاضله افکار می شود و آتش حسرت فرهنگ پیشین شعله ور:

جنگل است آقا اینجا! مملکت نیست. یک مشت دزد و شیاد و قاچاقچی دورهم جمع شده اند و ملت درست کرده اند. این رامن نمی گویم. واقعیت است عزیزمن. مگر این مهاجرهایی که قبل از ما آمدند امریکا کی ها بودند. دزدهای دریائی، جاهل های خالکوبی شده، گردن کلفتها، بی پولهای که آرزوی یک شکم سیرداشتند و دنبال گنج طلا می گشته و برای یک لقمه نان سر می بریدند. مگر این فیلم های بزن بزن امریکائی رانندیده آید. اینها را خودشان می گویند. پس گردن هرگروهی زده اند از اینجا سردرآورده است. انسانیت و عاطفه شان کجا بود. پدر به فرزند و فرزند به مادر رحم نمی کند. یک مشت مهره های ماشین توی دل هم ریخته اند و اسمش راملت گذاشته اند. همین بلدند دنبال دلار بدوند و آخرش هم بانکبخت و بدبختی بمیرند. هی مثل خوک می خورند و پف می کنند و می دوند. اصلاً روابط بین آدمهاشان ضابطه ای ندارد. معلوم نیست از کدام جهنم دره هائی اند.

چقدر ظلم و آدمکشی و هفت تیر بازی. مثل اینکه پشه می کشند پدر سوخته ها. همین جور روزی چند تا زبنده های بی گناه خدا را توی خانه و خیابان به خاک و خون می کشند. چقدر هم ساده. تق! همین تازه بارورا که می گیرند نه یک ماه و دو ماه بلکه ده سال و بیست سال ننگه اش می دارند و دست آخر ولش می کنند. عدالت چه می فهمند چیست. فقط بلدند بگویند: «انتای کانستی تیوشن». باباعطسه می کند می



گویند انتای کانسی تیوشن است اما اگر برود بچه بدزدد و بچه خفه کند همه بی خبر می مانند. چقدر اصغر قاتل دارند بد مذهب ها! بجای تسبیح با تفنگ بازی می کنند.

همه چیزشان گنده است و پوک. این هلو شفتالوها شانرا گاز بزیند مثل اینکه کف و پنبه دارید می جوید. آدم عفش می گیرد. بزور کودهای عجیب و غریب شیمیائی هی فقط می خواهند میوه هارا درشت تر کنند.

توی این مدرسه ها سر بزیند. درس و مشق کدماست! مرکزی ناموسی است و داروهای مخدر. ریشه اینهمه جنایت ها و بدبختی ها راباید توی همین مدرسه هاجست. هرچه پهلوی مازشت و زرننده بود اینجا خوب و قابل قبول است و هرچه پیش مانکتب و شوم بود اینجا عالی است و رایج و مرسوم. جوان می خواست برود اداره کار کند دوست داشت روی پای خودش باشد و هیچکس توصیه اورا نکند چون توصیه از نظر مایه بود؛ بد رایج. اینجا می خواهی بروی باربری کنی می گویند بروسه تا توصیه نامه بیاور. آنجا اگر دختر پسری دست از پا خطا می کردند تا آخر عمر بیچاره بودند و اینجا هزارها هزار زوج رامی بینی که ازدواج نکرده اند و باهم زندگی می کنند. آنجا اگر یک مواز سرت کم می شد دائی و عمه و خاله و فک و فامیل و رفیق و آشنا دورت جمع می شدند تا بدردت برسند و اینجا اگر بیفتی بمیری حتی بالای سرت نمی ایستند تماشاایت کنند. انگار که باد هوائی. نه رابطه ای، نه احترامی، نه خانواده ای، نه بزرگتر کوچکتی. حیف از اینهمه نعمتی که خدایه این موجودات آدم

نما داده. برنامه های تلویزیونشان راتماشا کنید همه اش درس فساد اخلاق می دهند. توی کدام رسم و کیش و آئینی اینهمه خیانت همسر رواج دارد.

## ۳- ابهام و گیجی

در این بعد، بلا تکلیفی و سردرگمی قد علم می کند. بعدیست آمیخته از شیفتگی و واپس زدگی. یک لحظه این است و یک لحظه آن و گاه هردو باهم. به این مباحثه ها که در مهمانیهای خانوادگی یادوستانه در می گیرید دقت کنید. یکی سنگ فرهنگ ملی رابستگ می زند و فرهنگ امریکا راتخطئه می کند و دیگری برعکس. اما ساعتی بعد آن جایش رابه این می دهد و این جایش رابه آن. - مگر شما نبودیید همین الان از آواز بشان و چه چه دردشتی تعریف می کردید و قبیل و قال خواننده های امریکائی را مسخره. چه شده که حالا چشم به صحنه تلویزیون دوخته آید و می گویند چه صدای محشری؟

- هان؟ نه... خوب... آخر این خوشگل است!  
- و شما خانم. شما که همین یک دقیقه پیش بود که جهت مخالف آقا راداشتید و همه خواننده های ایرانی رابایک چوب می رانندید و می گفتید که ماجز یاهاها آواز دیگری نداریم و خواننده های اینجا همه آفریننده شادی اند و تحرک و جنبش. چرا پس از صدای این خواننده تراز اول معروف بدتان می آید؟  
- من؟... نمی دانم... شاید دلیل تحول سلیقه باشد!

و دراصل، نه جواب آن گویا است و نه جواب این روشن. اما در درون هردو کشمکش فرهنگی سخت عذابشان می دهد.

## ۴- تسلیم و رضا

بعدی است که در آن کوشش در رهائی از کشاکش درونی مطرح است. مرحله ای است که نه روی تصمیم فردی و میل خواسته بلکه بر اساس نیرو و نفوذ فرهنگ قوی تر پیش می آید. تلاشی است جانکاه و عبث در انطباق با محیط جدید و رسوم و آداب اجتماعی آن. بعدی است که در آن سنن و اعتقادات مهمان در سنت ها و معتقدات صاحب خانه حل می شود تا شاید محیطی

# جنگ شش روزه



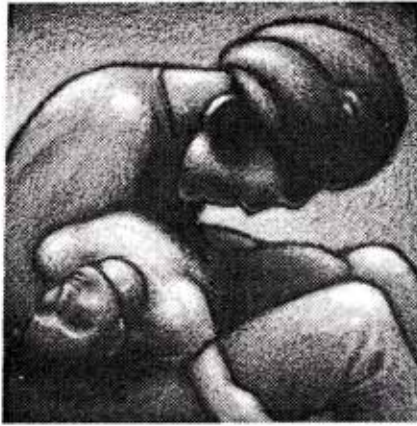
از: نعمت الله شکیب

## آشوب و اغتشاش در تصمیمات اعراب

و گلوله باران کردن شهر روش پنا و نواحی مجاور آن در گالیل اکثفا نماید تا وضع جنگ روشن شود. بنابراین کیبوتص نشین های اسرائیلی که هدف حمله سوریه بودند چاره ای نداشتند جز اینکه به داخل پناهگاهها پناه برده از گزند گلوله های توپ خودرا حفظ کنند. در بعضی نقاط مردم مجبور بودند حتی هر روز یازده ساعت از وقت خودرا در داخل این پناهگاهها بسر برند.

در ضمن توپخانه اسرائیل نیز مجبور بود با وجود نداشتن نقشه قبلی و بدون هدف معین به طرف مواضع سوریه با شدت تمام تیراندازی کند. سوری ها تانزدیکی های غروب روز پنجم ژوئن هنوز بکلی از چگونگی و اوضاع واقعی جبهه های جنگ اسرائیل و مصر بی اطلاع بودند و خبر نداشتند که نیروی هوائی اسرائیل چگونه با وارد ساختن ضربات سخت تاسیسات و هواپیماهای مصری را نابود کرده است، و قبل از این که از واقعیت امر باخبر شوند هنوز تصور می کردند که آنچه رادیوهای مصر ادعا می کنند راست و بی شائبه است. رادیوهای مصر تا آن موقع پی در پی از فتوحات خود دم زده و از بین بردن نیروی نظامی و نیروی هوائی اسرائیل را کار انجام یافته اعلام می کردند. در نتیجه رژیم بعث سوریه همه این تبلیغات بی اساس و بوچ را حقیقت پنداشته و باور کرد، و باعجله مرتکب دومین اشتباه خود شد و نسجیده خودرا وارد جنگی کرد که پائانش جز بدبختی و شکست و بی آبرویی

وزارت دفاع دولت اسرائیل روزاول جنگ از صدور اعلامیه در باره چگونگی جریان جنگ و پیروزی هائی که نصیب ارتش آن کشور شده بود خودداری کرد و هیچگونه خبری که کوچکترین اشاره به وضع جنگ بنماید منتشر نگردید، چون سیاست دولت این طور اقتضا می کرد. تنها وسیله رساندن خبرهای جنگ امواجی بود که بوسیله رادیو قاهره پخش می گردید. در بیست و چهار ساعت آغاز زد و خورد این خبرها تماماً حاکی از فتوحات ارتش مصر و شکست مفتضحانه ارتش اسرائیل و پیشرفت نیروی نظامی مصر بسوی تل آو یو بود. و این خبرهای سراپا دروغ بدون ذره ای شک و تردید در تمام دنیای عرب باور می شد و موجبات شعف و شادی همه آنها را فراهم می کرد و مخصوصاً تاثیر بسیار زیادی روی تصمیمات سوریه، اردن و عراق که خودرا برای جنگ آماده کرده بودند باقی گذاشت. این مرتبه نیز مثل دو جنگ قبلی با اسرائیل، سوریه نتوانست بر احساسات کینه توزی خود غلبه کرده و داخل جنگ نشود. قبل از ماه ژوئن افسران ارتش سوریه نقشه مفصلی طرح ریزی کرده بودند تا از بلندیهای گولان سرازیر شده و با دوشگر بداخل خاک اسرائیل حمله ور گردیده و به طرف شهر حیفا به پیش بتازند. هنگامی که جنگ بین اسرائیل و مصر درگیر شد و سوریه خواست در جنگ شرکت کند، در آخرین لحظات تصمیمات عوض شد و سوریه ترجیح داد فعلاً کمی صبر کند و فقط به تیراندازی توپخانه



## سکوت مرگ

از سردبیران وال استریت جورنال

حالا آشکاراست که شیعیان نکته ای را دریافته اند که قبلاً اسرائیلی ها و فالانترئیست ها آنرا می دانستند و آن این که در پشت سرزنان و اطفالی که در اردوگاه های فلسطینی زندگی می کنند آدم کشان حرفه ای وجود دارند که هیچ چیز جز مرگ و نابودی اسرائیل و لبستان آنان را آرام نخواهد کرد. نیبه بری و حزب امل او که اکنون با فلسطینی ها می جنگند با موافقت سوریه دارند عملی را انجام می دهند که هیچگاه حتی بخاطر فرماندهان اسرائیلی و حتی فالانترئیست خطور نمی کرد و آن قتل عام فلسطینی ها است در اردوگاه هایشان. بدیهی است اگر آنها این کار را نکنند، فلسطینی ها کودکان و زنان شیعی را قتل عام خواهند کرد و این (قتل عامها) آن چیزی است که سوریه می خواهد.

اما هیچ کس از آنهمه طرفداران اخلاق و آداب بشری زمره برعلیه این همه فجایع نمی شنود. کسی در دمشق تقاضای تشکیل کمیسیون تحقیق رانمی نماید، هیچ کس از پرزیدنت اسد درباره این جنایات مانند آنچه که از مناخم بگین که اصولاً دستی در این کار نداشت، سؤال و یا استیضاحی نمی نماید. حالا هیچ کس نمی خواهد بداند که سوریه با پشتیبانی مسکو دارد مردم لبنان و فلسطینی ها را توسط دار و دسته های آدمکش وابسته به خود قتل عام می نماید.

اکنون بسیاری از مردم جهان تردید دارند که آیا رسانه های گروهی جهان بخصوص رادیو تلویزیون های امریکا و اروپا در سه سال قبل در مرگ فلسطینی ها اشک تمساح نمی ریختند؟ و علت اصلی خشم و غضب آنها پیروزی خارق العاده نیروهای اسرائیلی و بالنتیجه پیروزی جهان غرب نبود؟

به نظر می رسد در جریان جنگ های داخلی لبنان و مبارزه خونین فلسطینی ها و شیعیان آن کشور موضوع مهمی رارسانه های گروهی جهان به فراموشی سپرده و به سکوت برگزار می کنند.

هفته ها است که بیش از صد هزار مسیحی لبنانی به آوارگی و ترک دار و ندار خود محکوم شده اند. از تاریخ ۱۹ ماه می نظامیان شیعه به اردوگاه های فلسطینی از جمله صبرا و شتیلا هجوم برده اند، خانه های زیادی منهدم و تعداد زیادی به قتل رسیده اند. گفته می شود شعله افکن های متعلق به شیعیان خانه های بسیاری را در این دوار دوگاه و همچنین اردوگاه برج البراجنه به آتش کشیده است. طبق آخرین اخبار تعداد زنان و اطفالی که در این جنگ ها کشته شده اند از صدها تن متجاوز است. اما یک نکته برای ما نامعلوم است، چگونه است که همه رسانه های گروهی جهان که در سپتامبر ۱۹۸۲ هنگام حمله نیروهای فالانترئیست مسیحی به دوار دوگاه صبرا و شتیلا آنهمه سروصدا راه انداخته بودند، اکنون به سکوتی چون خاموشی مرگ فرو رفته اند. تعدادی از آنها حتی اسرائیل را متهم می کردند که در این کشتار دست داشته است. برخی معتقد بودند که حمله فالانترئیست ها نتیجه اعمال دولت اسرائیل است. دولت مصر سفیر خود را در اسرائیل فراخواند حتی بسیاری از مردم اسرائیل خواستار استعفای اریک شارون وزیر دفاع وقت اسرائیل گردیدند.

شاید بخاطر همین دلایل بود که اسرائیل و امریکا دست از لبستان شستند ولی در عمل مشاهده شد که نیروهای سوری و عروسک های خیمه شب بازی آن کشور مناطق مورد تخلیه اسرائیل را اشغال و به جدال و کشت و کشتاری برخاسته اند که تا کنون ادامه دارد.

راکه معلوم نگردیده بهشت برین است یا جهنم سوزان قابل پذیرا کند. دیگر در این مرحله از احساس و پندار و اندیشه اثری نیست. پای عمل در میان است. این نیست که برای فرهنگ این محیط سخنان افسون آمیز گفته شود و یا همه چیز آن مطرود و زشت قلمداد گردد. فرد نمی اندیشد و ای بسا که اندیشه او بخاطر چند سال جدال فکری و کشش مدام بسوی این فرهنگ و آن فرهنگ خسته و از کار افتاده باشد. عمل بدون تفکر عمقی صورت می گیرد.

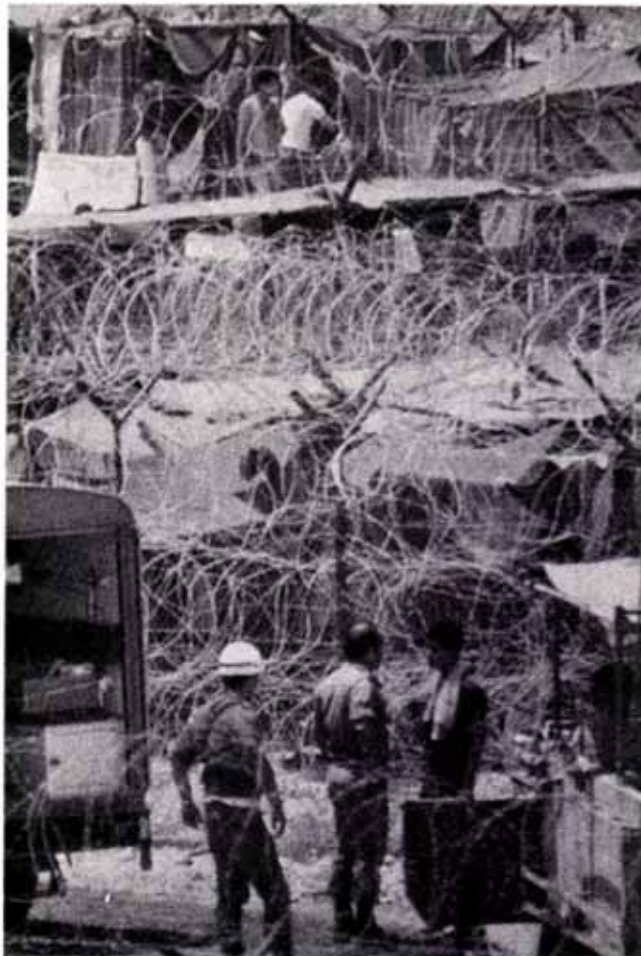
نمونه ساده این مرحله مسأله خانواده در این دو فرهنگ مجزا است. در ایران بطور عموم و خاصه میان یهودیان، خانواده قدر و ارزش و منزلتی جداداشت و تکلیف هر پاره آن روشن بود. زن و شوهری که چه بدنبال یک عشق پرشور، چه در پی یک خواستگاری معمول و چه بر اثر مصالح فردی و خانوادگی و خالی از عشق واقعی باهم ازدواج کرده بودند تا به آخر عمر نسبت بهم وفادار می ماندند و حتی با گذشت زمان محبت و صفای قلبی شان نسبت بیکدیگر روز بروز بیشتر می شد. اگر می شنیدی - احياناً و خیلی نادر - که فلانی طلاق گرفته مثل این بود که می گفتند فلانی طاعون گرفته، جذام گرفته و یا آدم کشته. زشت بود و غیر انسانی. از هر دو جانب مخصوصاً از جانب شوهر. فرهنگ ملی و قوی نهاد خانواده را محترم می شمرد و مقدس و عزیز. اما در این محیط بدنبال چند سال جنگ فرهنگی زانوها خم می شود و به خاک سائیده و سرها فرود می آید و تسلیمی که رنگ مرگ دارد. طلاق و جدائی بین زن و شوهرها چنان معمول و مرسوم می گردد و کاسه ها چنان از آتش داغ تر که حتی داشتن چند عروس و داماد و چندین نوه هم دیگر نمی تواند مانع باشد. چرا چنین است؟ بخاطر فشار مالی؟ مسائل شخصی؟ عدم تفاوت اخلاقی؟ دخالت های مادر شوهر و مادر زن؟ مگر اینها نبود قبلاً، پس چرا پیوندهای ازدواج به این سادگی از هم نمی گسست.

درد، از فرهنگ زورمندتری سرچشمه می گیرد که بدام آن افتاده ایم، فرهنگی با سریالهای تلویزیونی که راه نشان می دهد و در وهم سایه هائی که اگر فرزندان پدرو مادر از هم طلاق گرفته نداشته باشند احساس حقارت می کنند و عقب ماندگی!

وسرشکستگی نتیجه ای بیش نداشت. روز ششم ژوئن نیروی زمینی سوریه با کمک تانک وزره پوش به دو واحد مسکونی اسرائیل یکی تل دان و دیگری به کیسوتص شعریاشوب هجوم بردند. هردوی این حملات بوسیله واحد های زره ای و نیروی هوایی دفع گردید. سوری ها خسارت سنگینی در مقابل اشتباهی که در محاسبه خود کرده بودند پرداختند.

اشتباه حساب اردنی ها از این هم بزرگ تر بود. صبح روز پنجم ژوئن قاهره به عمان خبر داد که هفتاد و پنج درصد هواپیماهای اسرائیلی از کار افتاده و نیروی زره ای مصر مسافت های زیاد در عمق خطوط و خاک اسرائیل مشغول پیشروی است. ملک حسین بعد از پایان جنگ بی پرده و با خلوص نیت گفته بود «جنگ بین من و اسرائیل در اثر اطلاعات غیر واقع مصری ها و ادعای این که نیروی جنگی مصر به داخل خاک اسرائیل نفوذ کرده و مشغول پیشروی است رخ داد. این گزارش های بی اساس و سراپا دروغ و اغفال کننده من و دولت مرا بکلی اغفال کرد». ملک حسین به درخواست های جنرال ریاد گوش داد و حاضر گردید نیروی جنگی خود را زیر فرمان وی قرار دهد. ژنرال مصری که نیروی جنگی هاشمی اردن را زیر فرمان خود گرفته بود فرمان داد تا به مواضع اسرائیل در حوالی اورشلیم حمله کرده شهرها و فرودگاههای اسرائیلی را زیر آتش شدید توپخانه قرار دهند. قبل از اینکه این فرمان به موقع اجرا گذارده شود ملک حسین پیغامی را که لوی اشکول با عجله توسط فرمانده نیروهای میانجی سازمان ملل ژنرال آد بول برای او فرستاده شده بود تحت مطالعه قرار داد. متن پیغام این بود که چنانچه ملک حسین از داخل شدن به جنگ خودداری کند لوی اشکول و سران دولت اسرائیل قول می دهند که دولت آنها به هیچوجه دست به اقدام خصمانه بر ضد کشور اردن نخواهند زد ولی به پیغام لوی اشکول ترتیب اثر داده نشد.

ملک حسین بعدها دریاد داشت هایش اقرار کرده بود که توپخانه ما با برد خیلی زیاد حومه تل آو یو و محل اجتماع سربازان اسرائیلی و فرودگاه لیدا در اسرائیل را زیر آتش شدید خود گرفت. پلی اولین و مهم ترین هدف برای ملک حسین قسمت جدید شهر اورشلیم بود که در اختیار اسرائیلی ها قرار داشت. سکنه یهودی این قسمت شهر اورشلیم که عده آنها به یکصد و نود هزار نفر می رسید در مقابل تیراندازی شدید توپخانه دشمن در ارتفاعات و کوههای مجاور شهر قرار گرفتند بوژ نقطه آسیب پذیر ناحیه کوه اسکوپاس که بیشتر از هر جای دیگر نزدیک و در تیررس توپخانه دشمن و در نزدیکی ناحیه تحت تصرف اردنی ها قرار داشت در معرض خطر قرار گرفت. تأسیسات اسرائیلی واقع در بلندی های کوه اسکوپاس فقط بوسیله هشتاد و پنج نفر پلیس مسلح اسرائیلی محافظت می شد. در حقیقت باید اقرار کرد که در تمام طول جبهه مرکزی که از حیفا تا بئر شیح امتداد داشت کوه اسکوپاس بیشتر از هر نقطه دیگر مورد توجه دولت اسرائیل بود. سرتیپ اوزی نارکیس شکی نداشت که تیپ محلی مامور شهر اورشلیم قادر خواهد بود هرگونه حمله به شهر و باریکه راهی که به دریا امتداد داشت را دفع نماید. اما او از این بیم داشت مبادا تأسیسات روی کوه اسکوپاس بدست ارتش اردن بیافتد و قبل از اینکه نیروی نظامی اسرائیل موفق شود آن را پس بگیرد سازمان ملل دخالت کرده و فرمان آتش بس صادر کند و پس از آن کاری از دست دولت اسرائیل ساخته نباشد. تنها امید نارکیس این بود که نیروی مکانیزه سرتیپ هارل مستقر در نزدیکی



رامله بتواند بایک حمله مقابل آنجا راپس بگیرد. به نظر او حتی تانک های هارل به سختی می توانستند در مقابل سربازان و تانک های لژیون عرب که به جلگه شرقی اورشلیم هجوم برده بودند مقاومت کرده و به حمله مقابل مبادرت ورزند. نارکیس با خود می گفت چنانچه تانک های دو طرف متخاصم در نقطه ای مقابل بلندی های یهودیه برابر هم قرار گیرند چون سرعت حرکت تانک های پاتون اردن بیشتر و نیروی اردن چهار ساعت به شهر اورشلیم نزدیک تر است خیلی بعید به نظر می رسد نیروی جنگی اسرائیل بتواند کاری از پیش ببرد. او فکر می کرد در ظرف این چهار ساعت اختلاف، پلیس اسرائیل مامور حفاظت روی کوه اسکوپاس مجبور خواهد شد به هرنحوی شده با سلاح های محدود خود (و شاید آنچه پنهان کرده)، با اسلحه ضد تانک و به کمک آتش توپخانه نارکیس خود را نجات دهد. اوضاع و احوال چندان رضایت بخش نبود. در آخرین هفته قبل از جنگ ژوئن پاسداران اسرائیلی کوه اسکوپاس شنیده بودند که گله داران عرب به عنوان این که گوسفندان خود را می خواهند ذبح کنند گله های گوسفند و بز خود را از پیرامون دو مسجد، مسجد الاقصا و مسجد عمر دور می کنند.

ترس نارکیس سرانجام نیمه های شب پنجم ژوئن در نقطه ای در منتهی الیه جنوبی شهر به حقیقت پیوست و گلوله های توپ نیروی دشمن فضای محوطه پر جمعیت شهر را به جهنمی تبدیل کرد. ظرف چند ساعت دو یست و پنجاه نفر از افراد غیر نظامی اسرائیلی زخمی و بیست نفر کشته شدند. برخلاف تصمیم خود برای نشان دادن

◊

بازتاب فوری، نارکیس مجبور شد فرمان ستاد ارتش را اطاعت و اجازه دهد هجوم ارتش اردن کامل گردد. حتی هنگامی که تیراندازی توپخانه دشمن به حد اعلی رسید، فرمان شخصی ژنرال موشه دیان به فرمانده سپاهیان مستقر در خطوط اول جبهه این بود که مقاومت کنید و فعلاً از درخواست کمک صرفنظر نمائید.

ستاد ارتش اسرائیل می دانست که مجاهدات و ضرب شصت نشان دادن اردنی ها بیشتر به این جهت است که می خواهند نسبت به ناصر خوش خدمتی نشان داده و رضایت خاطر وی را فراهم نمایند. ستاد ارتش اسرائیل برای این که جلوی پیشرفت اردنی ها سد گردد فرمان داد نیروی هوائی اسرائیل در ساعت ۱۲/۳۰ نیمه شب شروع به ویران کردن مؤسسات هوائی اردن در فرودگاه عمان و در پایگاه هوائی مفرق نماید و همه هواپیماهای ارتش هاشمی اردن را نابود سازد.

به همین جهت ساعت یک بعد از نیمه شب لژیون عرب از خط میانجی سازمان ملل بین دو قسمت شهر اورشلیم گذشت و جایگاه سرفرماندهی سر بازان میانجی سازمان ملل را روی بلندیهای او یل کوسل به اشغال خود درآورد. این ساختمان قبلاً منزل فرماندار انگلیسی حاکم فلسطین و مشرف بر پر جمعیت ترین ناحیه شهر اورشلیم بود. اشغال این نقطه که بر تمام ناحیه یهودی نشین شهر اورشلیم مسلط و برای تیراندازی توپخانه بسیار مفید بود اوضاع و احوال ارتش اسرائیل را مورد تهدید جدی قرار داد. حمله سر بازان اردنی و حتی تیراندازی شدید توپخانه نتوانست پاسداران پلیس اسرائیل را از روی کوه اسکوپاس متواری سازد. از نقطه نظر نظامی تصرف بلندیهای او یل کوسل یکی از بزرگترین اشتباهات نظامی ملک حسین بود. ملک حسین نتوانست تشخیص دهد تاچه اندازه هواپیماهای در حال پرواز روی عمان پایتخت اردن برای او نیروی نظامی مصیبت بار و خطرناک است. ملک حسین به پشت گرمی و لاف زدن های قاهره نتوانست آنچه را که در خاور میانه در حال وقوع است تشخیص دهد تا از زیاده روی خودداری کند. او ان و یلسون نماینده و سرپرست ناظران سازمان ملل که در اورشلیم ناظر رویدادهای آن زمان بوده است می نویسد «ملک حسین در اثر گزافه گوئی های قاهره بکلی اغفال شد و نفهمید چه بسر قسمت قدیمی شهر اورشلیم که در تصرفش بود خواهد آمد».

این تنها ملک حسین نبود که در محاسبات جنگی اشتباه می کرد. در تمام بیست و چهار ساعت روز پنجم ماه ژوئن ناصر شخصاً گزارش فتوحاتی که فرماندهان برای او می فرستادند را مطالعه و اعلامیه جنگی صادر می نمود. هیچ کدام از فرماندهان زیر دستش حقایق را به او خبر نداده بودند. تنها در ساعت چهار بعد ظهر بود که یک نفر از افسران ستاد ارتش با خبرهای واقعی نزد وی آمد و گفت «من آمده ام که به شما بگویم که از این ساعت به بعد ما چیزی به نام نیروی هوائی در اختیار نداریم». پس از این که رئیس جمهور مصر کمی اعصابش آرام گردید به یک تمهید هوشمندانه که در عرض منهدم شدن نیروی هوائی در فکر خود ساخته بود متوسل گردید. بنابراین، ساعت ۴/۳۰ صبح روز ششم ژوئن امواج رادیوئی اسرائیل که در مکالمات رادیو تلفن مصری ها حائل می شد، مکالماتی را که بین قاهره و عمان رد و بدل می شد گرفت.

ناصر شخصاً با ملک حسین صحبت می کرد «ممکن است



مابگوئیم دولت ایالات متحده امریکا به طرفداری اسرائیل می جنگد؟» ناصر می پرسید «ممکن است مابگوئیم ایالات متحده امریکا و انگلستان یاقط ایالات متحده؟» ملک حسین جواب داد: «ایالات متحده و انگلستان».

سه ساعت بعد از این مکالمه تلفنی رادیو قاهره و پس از آن از فرستنده های دیگر عربی شروع به پخش این خبر شد که هواپیماهای بمب افکن و شکاری امریکائی و انگلیسی از عرشه کشتی های هواپیما بر به کمک نیروی هوائی وزمینی اسرائیل برخاستند. پس از آن در تمام دنیای عرب تظاهرات پر دامنه ای بر ضد انگلستان و امریکا بر اه افتاد و مردم شروع کردند به سفارتخانه های این دو کشور هجوم ببرند. مصر و سوریه با عجله مناسبات خود را با ایالات متحده امریکا بحال تعلیق درآوردند و بعد از آن هم سودان، الجزایر، یمن و عراق از آنها پیروی کردند، لکن اردن هاشمی از اقدام نامناسب خود داری کرد و یک هفته بعد از آن برای خبر دروغی که پخش کرده بود معذرت خواست. در این ضمن در واشنگتن لیندون جانسون رئیس جمهور امریکا را ساعت سه بعد از نیمه شب روز پنجم ژوئن از خواب بیدار کردند و خبر درگیری جنگ بین اسرائیل و مصر را به اطلاع وی رسانیدند. رئیس جمهور تلگرافی به مسکو مخابره و از دولت شوروی خواست که برای اعاده صلح با دولت امریکا همکاری کند. از قرار معلوم دولت مردان روسیه تحت تاثیر دروغ پردازی های رادیو مصر و گزافه گوئی های آن دولت قرار گرفته می کوشیدند شورای امنیت سازمان ملل را از هرگونه اقدامی برای جلوگیری و یا تاخیر در متار که جنگی بازدارند. کاسیگین نخست وزیر روسیه پس از دریافت تلگراف لیندون جانسون فوراً بوسیله تلفن خصوصی با رئیس جمهور تماس گرفت و کوشید به او بقبولاند که جنگ را اسرائیل آغاز کرده و مقصر اصلی این دولت است. کاسیگین به اصرار از رئیس جمهور امریکا می خواست تا از نفوذ خود استفاده کرده از دولت اسرائیل بخواهد که دست از جنگ بکشد. کاسیگین ضمناً به رئیس جمهور پیشنهاد می کرد که هر دو ابر قدرت جهان باید از دخالت در جنگ خودداری کنند. جانسون با عدم مداخله در جنگ موافق بود ولی در مقابل پیشنهاد می کرد مسکو و واشنگتن هردو باید بکوشند از طریق اقدامات سازمان ملل و شورای امنیت هردو کشور را راضی به ترک مخاصمه نموده و هر چه زودتر آتش بس اعلان کنند لکن مسکو چندان از پیشنهاد اخیر رئیس جمهور امریکا استقبال نمی کرد و روی خوش نشان نمی داد. اما کمی بعد پس از اینکه خبرها دایر





اتفاقاتی در شرف وقوع است. به همین جهت رهبران روسیه بی اندازه در وحشت بودند مبدا بکلی نیروی نظامی مصر فلج گردد. اکنون کاملاً واضح شده بود که گذشت زمان بر ضد نیروهای نظامی مصر و به نفع طرف مخالف آن است. کاسیگین، شکایت های ناصر و ملک حسین را که می گفتند امریکا عملاً در جنگ شرکت کرده نادیده گرفته و با پیغام دیگری که به واشنگتن فرستاد اصرار ورزید امریکا به نمایندگی خود در سازمان ملل دستور دهد به نفع خروج ارتش اسرائیل از مناطق متصرفی رای دهد ولی رئیس جمهور امریکا بنوبه خود مجدانه عقیده داشت که باید در سازمان ملل تأکید گردد که آزادی کشتیرانی در تنگه تیران و خلیج عقبه تأمین شود.

اعضای دیگر شورای امنیت نیز با آنچه نماینده امریکا اظهار می کرد موافق بودند لهذا موقعی که نشست شورای امنیت ساعت ۶/۳۰ بعد از ظهر روز ششم ژوئن تشکیل گردید رئیس شورای امنیت هانس تاבור دانمارکی اعلام کرد پس از شور و مشورت اعضای شورای امنیت صلاح دانستند هر چه زودتر در جبهه های جنگ آتش بس اعلان گردد. این فرمول از طرف کلیه اعضا با اکثریت مورد قبول واقع گردید بطوری که نماینده روسیه نتوانست با آن مخالفت کند. بهر جهت تا اینجا شورا بایک حرکت غیر منتظر راه را برای اقدام بعدی که همانا یافتن یک راه حل عادلانه بود باز نمود. اکثر اعضای شورای امنیت

برخسازات سنگین به نیروی جنگی مصر به مسکورسید رهبران روسیه فوراً به اشتباه خود پی برده و از غفلت خود نادم شدند و فوراً روش سیاسی خود را عوض کرده کوشیدند واقع بینانه تر به اوضاع بنگرند. نزدیکی های ظهر به وقت واشنگتن بود که دومین پیغام از طرف کاسیگین به کاخ سفید رسید که در آن تأکید شده بود «دولت روسیه به هیچ وجه نخواهد توانست بی طرف باقی بماند و از تجاوز جنایت کارانه دولت اسرائیل چشم پوشی کند». رهبران کاخ کرملین نیز تهدید کرده بودند چنانچه دولت اسرائیل فوراً نیروی نظامی خود را به عقب نکشد ارتش روسیه ناگزیر خواهد بود جلو تجاوز اسرائیل را گرفته و مبادرت به جنگ نماید.

در همین هنگام بود که خبر پیروزیهای فوق العاده و حیرت انگیز نیروی جنگی اسرائیل بگوش لیندون جانسون و همکارانش رسید. عکس العمل رئیس جمهور و مشاورانش یکنوع احساس آرامش و مسرت خاطر بود چون خود ارتش اسرائیل توانسته بود بر یک بحران بین المللی فائق آمده و ضربه ای محکم به سیاست بیرویه روسیه شوروی وارد آورد. رئیس جمهور امریکا می دانست تهدید دولت شوروی نخواهد توانست جریان اوضاع را عوض کند. با وجود این دستور داد ناوگان ششم امریکا هر چه زودتر رهسپار منطقه جنگ شود. در ظرف چند دقیقه دسته ای از کشتی های غول پیکر ناوگان ششم امریکا به حرکت درآمدند و روانه کرانه های شبه جزیره سینا شدند. در تعقیب نمایش حیرت انگیز قدرت جنگ امریکا و نمودار شدن آنها روی پرده رادارهای ناوگان روسیه در آن منطقه لیندون جانسون مجدداً پیغام دیگری به کاسیگین نخست وزیر روسیه شوروی فرستاد و به او خاطر نشان ساخت که دولت امریکا نسبت به حفظ تمامیت ارضی و استقلال کشور اسرائیل تعهداتی دارد و همیشه آن را مراعات خواهد کرد. نخست وزیر روسیه از تذکرات رئیس جمهور امریکا تشکر کرد و همین عمل بجا و بموقع باعث شد جلوه هرگونه پیشامد سوئی گرفته شود و هرگونه دخالت روسیه را پایان دهد.

در عوض روسیه شوروی هم اکنون بطور دیگری خواست ضربه را وارد سازد به این ترتیب که شورای امنیت را تحت فشار قرار می داد تا اسرائیل را وادار کند نیروی نظامی خود را هر چه زودتر از مناطق اشغالی خارج سازد، در مقابل نماینده امریکا در سازمان ملل بدون اینکه تخلیه مناطق اشغالی را مورد توجه قرار دهد پیشنهاد نمود فعلاً آتش بس بمورد اجرا گذاشته شود تا بعد سرفرصت طرح جامعه ریخته شود. و برای اینکه اعتراضات روسیه و کشورهای عربی را خنثی کند گولد برگ نماینده امریکا در سازمان ملل با ملایمت و نرمی اظهار می کرد «واقعاً چنانچه شورای امنیت مایل به اعاده صلح و سازش است حق این است که ترتیبی فراهم سازید که اوضاع بحال اول باز گردد و آبراه تنگه تیران و خلیج عقبه باز و برای کشتی رانی آزاد و نیروی میانجی سازمان ملل به محل ماموریت قبلی در صحرای سینا و شارم الشیخ برگردد». لکن اعتراضات و مخالفت های نمایندگان دول عربی جلوه هرگونه تصمیم و اقدام مثبتی را می گرفت تا اینکه سرانجام نماینده روسیه نیکولای فدرنکو پیشنهاد کرد جلسه توافقی که ششم ژوئن بود تعطیل گردد. این پیشنهاد اشتباه بزرگ دیگری بود که نماینده روسیه مرتکب می شد، چون هر دقیقه تاخیر فرصتی بود که ارتش اسرائیل فتوحات خود را تکمیل کند.

صبح روز ششم ژوئن مسکورسید روسیه می توانست بفهمد چه

«بزرگوار» که در آن روزها در تهران بود. او در آن روزها در تهران بود. او در آن روزها در تهران بود. او در آن روزها در تهران بود.

... در آن روزها در تهران بود. او در آن روزها در تهران بود. او در آن روزها در تهران بود. او در آن روزها در تهران بود.

... در آن روزها در تهران بود. او در آن روزها در تهران بود. او در آن روزها در تهران بود. او در آن روزها در تهران بود.

... در آن روزها در تهران بود. او در آن روزها در تهران بود. او در آن روزها در تهران بود. او در آن روزها در تهران بود.

... در آن روزها در تهران بود. او در آن روزها در تهران بود. او در آن روزها در تهران بود. او در آن روزها در تهران بود.

### پشتای صحرای واقع قاتل اسرائیلی

... در آن روزها در تهران بود. او در آن روزها در تهران بود. او در آن روزها در تهران بود. او در آن روزها در تهران بود.



۵

به همین مناسبت ساعت یک بعد از ظهر روز هشتم ژوئن فدرنکو پیشنهادی مبنی بر آتش بس فوری تسلیم شورای امنیت نمود. این بار پیشنهاد او با شرط تخلیه وعقب نشینی نیروی نظامی اسرائیل توأم نبود، ولی در آن خواسته شده بود کوشش شود که تا ساعت هشت بعد از ظهر مخاصمه ترک شود. این پیشنهاد با اکثریت مورد تصویب شورای امنیت قرار گرفت. در نتیجه اباابان اعلان کرد دولت اسرائیل به شرطی باین قرار موافقت خواهد کرد که همه دول عربی بآن موافقت کند.

در همان روز ناصر به نماینده خود در سازمان ملل محمد الکوئی خبر داد که ارتش مصر چنان مضمحل گردیده که حتی نیروی برای حفظ قاهره پایتخت مصر باقی نمانده است به این جهت لازم است فوراً باقرار صادره شورای امنیت موافقت نماید. از طرف دیگر آتش بس تا ساعت ۱۱/۳۰ بعد از ظهر که همه مردم مصر در خواب بودند اعلان نگردید. در ستاد ارتش مصر در هلی او پولی، مارشال عبدالحمید آمر تصمیم بخود کشی گرفت لیکن دوستانش وی را از این عمل بازداشتند. روز بعد از آن تمام پایتخت در عزای عمومی فرو رفت و سر بازاران مسلح در تمام نقاط پایتخت بحالت آماده باش برای جلوگیری از هر پیش آمدی درآمدند. افسران اداری و وزرای کابینه تماماً عقیده داشتند که ناصر ملت مصر را بیچاره وکشور را در ورطه نابودی سرازیر کرده است. همان شب خود رئیس جمهور غمگین و افسرده روی پرده تلو یزیون ظاهر شد تا مردم را از استعفای خود باخبر سازد. لکن در اثر فراهم کردن مقدمات قبلی هزاران نفر از مردم مصر دفعتاً به کوچه وخیابان ها ریخته و در میدان های عمومی با در دست داشتن پرچم واعلانات که همه درخواست باقی ماندن ناصر در پست ریاست جمهوری داشتند دست به تظاهرات زدند. سه ساعت بعد از آن اعلام شد رئیس جمهور از استعفا منصرف گردیده است.

در شماره بعد: اورشلیم شهر طلائی

اسرائیل می تواند بدون زحمت و بدون هیچگونه اشکال بازهم پیش برود ولی این هدف مانیتست. آنچه برای ما اهمیت دارد شام الشیخ است. پس علتی ندارد ما به طرف خود کانال سوئز پیش برویم و خود رادگیر مسائل بین المللی نمائیم». صبح روز هشتم ژوئن بازهم خبری ناگهانی به موشه دیان رسید، حاکی از این که نیروی نظامی اسرائیل نیز به ال قنطره رسیده است. و باقی مانده نیروی زره ای مصر را هم متلاشی کرده و بالاخره کلیه سپاهیان اسرائیلی درگیر در جنگ صحرائ سینا به کناره های کانال سوئز رسیدند. وزیر دفاع باشنیدن این خبر ناراحت شد، اما بعداً هنگامی که اوضاع راسنجید و فهمید همه واحدهای زره ای و تانکداران ارتش اسرائیل در صحرائ سینا از گذرگاه میطلا و برقفاقا بسوی کانال پیش می روند دستوری صادر کرد و فرمان داد که سراسر طول کانال باید اشغال گردد. بعداً وزیر دفاع کانال سوئز را بهترین سنگر برای تانک های جنگی اسرائیل توصیف کرد و نتایج سودمند آن بعداً به ثبوت رسید. فتوحات نیروی جنگی اسرائیل از هر نقطه نظر تکان دهنده و بی نظیر بود.

هفت لشکر مصری مرکب از یکصد هزار نفر سر باز در ظرف کمتر از چهار روز نابود شده بودند. گرچه جنگ برای مصری ها خاتمه یافته تلقی می شد، لیکن یک سؤال باقی می ماند که آیا آنها و طرفداران روسی آنها این حقیقت رامی پذیرند. در شورای امنیت فدرنکو باختم زاید الوصفی یک سلسله اتهامات ناصواب نسبت به اسرائیل روا داشت و گفت «دولت اسرائیل پا جای پای هیتلر در ریختن خون بیگناهان گذاشته است». علیرغم دلسوزی و عصبانیتی که مسکو برای شکست مصری ها از خود نشان می داد، علت اصلی خشم روس ها این بود که در حدود دو میلیارد دلار ساز و برگ نظامی روسی از بین رفته بود. از روز اول جنگ کاملاً واضح بود که روسها حاضر نبودند به هیچوجه خود را آلوده سازند چون نه می توانستند در سازمان ملل به نفع مصر کاری انجام دهند و نه اسرائیل را وادار کنند نیروی نظامی خود را به عقب برگرداند. آتش بس تنها راه چاره و به جز آن راه دیگری متصور نبود.

## دکتر منیره نیک اختر (خاکپور)

بیماریهای اعصاب و روان

درمان بیماریهای عصبی - ترس ها -  
افسردگی ها - اضطرابها - مشکلات  
خانوادگی - مشکلات زناشویی و جنسی

12304 Santa Monica Blvd.  
Suite 3-42  
W. Los Angeles, Ca 90025

(213) 207-3522



ESHAGHIAN  
INSURANCE SERVICES

21041 BURBANK BLVD. SUITE 200  
P.O. Box 4049  
WOODLAND HILLS, CA 91365-4049  
(818) 704-5888  
(818) 906-3666

داشتن بیمه در امریکا، امری است ضروری

شرط انتخاب بیمه صحیح، برنامه درست و برخورداری  
از سرویس پس از فروش است

دفتر خدمات بیمه اسحقیان

مشاور و راهنمای صدیق شما

ماشین نویس به یک خانم ماشین نویس که به زبان  
انگلیسی آشنائی کامل داشته باشد برای کار در دفتری در داوون تاوون  
نیازمندیم.  
(۲۱۳) ۷۴۸-۵۱۶۱

# حافظ خلوت نشین

نوشته: ناصر حکاکها



نادرند اشخاصی که با هنر شعر و ادب ایران آشنائی داشته باشند و سراغی از دیوان حافظ و غزل های ناب اونگرفته ومدتی رادرخلوتکده این پسر دیر عرفان و انسانیت بسر نبرده و براز و نیاز وهمدلی وهمزبانی ننشسته باشند و درخور فهم و ذوق واستعداد خویش حظ ولذتی وافر نبرده باشند.

در تاریخ ادبیات ایران بعد از اسلام، شاعران وسخنگویان قدرتمند و پرمایه فراوان و بسیاریند اما هیچیک از این خداوندان شعر وسخن بمانند حافظ مورد سنجش وبررسی وحب و بغض قرار نگرفته اند. طرفداران وشيفتگانش اورا در ردیف افلاکیان نشانده ولسان الغیبش لقب داده اند ومخالفان سرسختش تا آنجا که میسرشان بوده باچماق تکفیر بفرقش کوبیده اند واز تخفیف وتحقیرش ذره ای فرو گذار نکرده اند.

یکی از گروههای مخالف حافظ، مادی گرایانند که در این مقاله مارا با ایشان کاری نیست چون پایه اغلب استدلالات وخط سیر وروال کار آنها در فلسفه نقد وبررسی امور، بویژه معنویات، بر اساس سفسطه ومغالطه وقیاسهای بی اساس استوار است وبس.

گروه دیگر زاهدان ریائی ومفتیان از خدا بیخبر وشیخان متظاهر ودغلاکارند که هیچوقت آب آنها باحافظ پاک اندیش وبی آرایش بیک جوی نرفته است. جلوه های ملکوتی وعاظ بر بالای منابر، با آن قیافه های حق به جانب وظواهر آراسته وسخن های دلفریب از یکسو و اعمال خلاف اخلاق ودور از خیر وصلاح ایشان در خلوت، از سوئی دیگر است که دل حساس وروح متعالی حافظ را ببرد آورده و بسرودن این اشعارش می کشاند:

**واعظان کاین جلوه در محراب ومنبر می کنند  
چون بخلوت می روند آن کار دیگری کنند  
مشکلی دارم ز دانشمندان مجلس باز پرس  
توبه فرمایان چرا خود توبه کمتر می کنند**

اما شگفتی وتعجب وتأسف من بیشتر از روانشاد سید احمد کسروی، مورخ ومحقق فاضل معاصر است که چرا او باحافظ به مخالفت برخاسته ودیوان خواجه بزرگوار را در جشن کتابسوزان خود به شعله های آتش سپرده است. مخالفت کسروی بامشرب صوفیگری رابطور کلی، یاباید بحساب طبع مخالف خوان آن روانشاد گذاشت یاباید مایه کار را در پی ذوقی وبیمایگی فطریش در این رشته ظریف وکار ساز جستجو کرد.

تصوف و عرفان مشرب وآئینی است ذوقی وفطری، در جهت شناخت خدا وفلسفه خلقت ومعمای وجود ومسأله مرگ وزندگی. درک اصول این مشرب جز به استعداد فطری وذوق خدادادی میسر وممکن نمی شود. صفای باطن وطهارت نفس و پاکیزگی روان ووارستگی کامل وتمركز فکر وثبات قدم از شرایط ضروری طی این طریق وامکان وصول به این مشرب است. در مکتب عرفان اساس روابط انسان ها بر اصل آسایش خلق وتفاهم کامل ابناء بشر ومردمداری وهمنوع دوستی ومحبت وودادویکپختگی وصفا استوار است. عزت نفس، استغنائی طبع، علوهیت، جوانمردی وفقوت، اغماض وگذشت فراوان وکرامت بی دریغ وداد ودهش وسیع وبی منت از ارکان اساسی این مکتب والای انسانی است. تکبر وخودخواهی وبخل وحسد ونخوت وسایر کثافت ها وسخافت های روانی رادر این آئین جانی نیست.

**مباش در پی آزار وهرچه خواهی کن  
که در شریعت من غیر از این گناهی نیست**

(موضوع عرفان ودقایق و ظرایف این مشرب مستلزم مقاله ای مفصل جداگانه است که در موقع از آن سخن خواهیم گفت.)

مرحوم کسروی بانادیده انگاشتن وفروگذاری از این دقایق و ظرایف کار ساز و انسانی وبامشاهده تنی چند ژنده پوش ژولیده موی بیکار وبیمار که تبر زینی بردوش انداخته وکشکولی دردست گرفته و بنام درویش وقلندریه گدائی ودریوزگی پرداخته اند، قلم بطلان بر این مکتب ومشرب والا وفاخر کشیده وبه انکار وطرد ومحکوم کردن آن پرداخته واز این نکته دقیق غافل مانده است که حافظ خود بیکرات این جماعت رامطروود دانسته ودر حق ایشان گفته است که:

**نقد صوفی نه همه صافی بیغش باشد  
ای بساخرقه که مستوجب آتش باشد  
خوش بود گرمحک تجربه آید بمیان  
تاسیه روی شود هر که دراوغش باشد**

وعجب اینکه کسروی چگونه حافظی را که مدعی است:

**گرچه گرد آلودم شرم باد از همتم  
گر بآب چشمه خورشید دامن ترکم**

بامشتی مفت خواره دون همت برابر و یکسان پنداشته است.

در اینجا نمی خواهم از بیماری وسواس ویکسونگری وتعصب های خشک وخالی از منطق وعوارض مخرب ناشی از آن ها سخنی بمیان آورم چه این موضوع، خود درخور مقاله ای گسترده وحتمی در مقوله بیماریهای خطرناک روانشناسی اجتماعی است که از حوصله این گفتار خارج است وفصل جداگانه ای لازم دارد.

بگذریم وازحافظ سخن بگوئیم، از شاعر آزاده ای که طالبان ومیردانش معتقدند که منبع الهامات وتاثیرات اودر سرودن اشعارش واردات غیبی بوده است و دیوانش پس از کتاب های آسمانی تنها کتابی است که در خانواده اکثر ایرانیان موجود ومورد استفاده است وهر کسی درخور فهم وادراک وذوق خود با آن مانوس ومألوف است. تفأل زدن از دیوان حافظ در میان ما ایرانیان رسمی قدیم وسنت دیرینه ایست تاجائی که مرحوم پژمان بختیاری شاعر وسخن شناس معاصر در این مورد ایمان راسخ وباوری محکم دارد ودر مقدمه ای که بر دیوان خواجه بزرگوار نگاشته است بذکر مثالهایی چند مبادرت ورزیده است که ذکر یکی از آنها خالی از تفریح وفایده نیست. پژمان می نویسد «دلبری باقبای زردوزی شده بر مزار حافظ گذشته وخواست از دیوان وی نیز غزلی بر خواند این بیت رادراول صفحه دید:

**سر مست در قبای زرافشان چوبگذری  
یک بوسه نذر حافظ پشمینه پوش کن**

پریرو خندان شده وگفت به چشم دو بوسه خواهم داد چندی بعد گزارش به آرامگاه آن بزرگوار افتاده وباز صفحه ای از کتاب را گشود این شعر را خواند:

**گفته بودی که شوم مست ودوبوست بدهم  
وعده از حد بشد ومانده دودیدیم ونه یک**

نازنین حیران گردیده گفت اطاعت دارم اگر سه بوسه هم بخواهی می دهم وبرای کورت سوم که باز بدانجا عبور کرد و دیوان خواجه را گشود شعر ذیل رامشاهده نمود:

# SHOFAR

IRANIAN JEWISH FEDERATION  
6505 Wilshire Blvd., Suite 1101  
Los Angeles, Ca. 90048

Tel: (213) 655-7730

(213) 655-7731

سال چهارم

شماره ۳۶

خرداد - تیر ۱۳۶۴

جون ۱۹۸۵

• شوفار بوسیله فدراسیون یهودیان ایرانی که سازمانی است غیرانتفاعی و ثبت شده منتشر میشود. هدف ما اعتلای فرهنگ یهود، حفظ و بزرگداشت ارزشهای قومی و اخلاقی یهودیت و توسعه فرهنگ فارسی در میان یهودیان ایرانی خارج از کشور است.

مشاور فنی و هنری: کامران خاورانی  
باهمکاری شورای نویسندگان

• نویسندگان و علاقه مندانی که نوشته هایشان در این ماهنامه منتشر میشود همگی قلم خود را برایگان در اختیار شما گذاشته اند. باشد که این خدمت گامی در راه تشویق شما دوستان دست بقلم برای پیوستن به ما بشمار آید.

• مقالاتی که با ذکر نام نویسنده و یا منبع خبری چاپ میشوند در محدوده مسئولیت خود نویسنده و آن منبع خبری است.

• نقل و اقتباس مطالب شوفار با ذکر مأخذ آزاد است.

بهای درج یک نوبت آگهی

شماره عادی

تمام صفحه (داخل)	۲۵۰ دلار
۱/۲ صفحه	۱۵۰ دلار
۱/۳ صفحه	۱۲۰ دلار
۲/۳ صفحه	۸۵ دلار
۱/۴ صفحه	۵۰ دلار

مدیر امور بازرگانی: موريس اسحقیان

تلفن ۶۵۹-۱۱۷۶

For more information regarding advertising please call:

MAURICE ESHAGHIAN

(213) 659-1176

# یادداشت ماه

## نهالی بارور از خود

مایه‌ودیان ایرانی نه فقط از ویژگیهای والای انسانی آموزشهای دینی خود برای همبستگی بایکدیگر برخورداریم، بلکه به دلیل ساده ایرانی بودن، تمام خصوصیات یک ایرانی اصیل را دارا می‌باشیم. مادوستی و محبت و همه دیگر صفات اهورائی را پاس می‌داریم و هرگونه اندیشه‌ای که پایه درخود بینی و ترجیح انسانی بر انسان دیگر داشته باشد رانفی می‌کنیم. اما، مانند هر گروه عقیدتی یا مذهبی، تنها راه بقاء خود را در همبستگی خدشه ناپذیر بایکدیگر و سایر ابناء قوم خود می‌دانیم و معتقدیم که این امر هیچگونه تضادی با ایرانی بودن ما ندارد. این حرفی است که، وقتی در سرزمین خود زندگی می‌کردیم، بنابه ملاحظاتی از گفتن صریح آن دوری می‌جستیم. باری مانمی گفتیم که مبادا سایر هموطنان از ما برنجند. ولی وقتی همراه با گروه چشمگیری از سایر هموطنان غیر یهودی خود به این دیار رانده شدیم، نشستیم و اندیشیدیم که باری چه برنجند؟ مگر همبستگی پیروان یک دین در چهار چوبه عشق و ایمان به زادگاه خود جنایت است که مخفی بماند. و دریافتیم که چنین نیست که خیلی هم زیباست و افتخار آمیز. اینکه من چگونه خدای خود را ستایش می‌کنم امری شخصی و صد درصد خصوصی است و چنانچه دانستم دیگری نیز چون من عبادت می‌کند، طبعاً به آن فرد وابسته می‌شوم.

با کمال تأسف، سرگشتگی‌های ناشی از غربت، چه در میان هموطنان یهودی ما و چه در ذهن سایر ایرانیان مقیم این دیار ابهاماتی بوجود آورده که درخور تأمل و بحث است که در این نوشته روی سخن ما با گروه اول است. گفتیم که ما بر این باوریم که رمز بقاء یهودیت در طول سده‌های پیاپی، تنها و تنها یکپارچگی مردم ما بوده است. یک دختر یا پسر جوان یهودی ممکن است بر پایه این استدلال که «مگر یک انسان با انسان دیگر چه فرق می‌کند» تصمیم بگیرد که با خارج از مذهب خود ازدواج کند. ولی بر اساس تجربه‌ای که تاریخ گواه آنست، سرنوشت محتوم اکثریت قریب به اتفاق این گونه پیوندها جدائی بوده است. و بدین ترتیب نه فقط به فرد یهودی لطمه می‌خورد که به همسر او نیز و کودکان آنها، چرا که جوان یهودی نمی‌دانسته (یا اگر می‌دانسته از همسر خود پنهان کرده است) که حتی در میان خانواده‌های یهودی که کمتر از دستورات دینی خود پیروی می‌کنند، نفس تداوم یهودیت جاری و ساری است. یهودیت و تربیت یهودی چون نهالی بارور از خود است - نهالی که بخود پیوند ناهمانند نمی‌گیرد - حتی اگر این پیوند از گیاهی اصیل و پر بار باشد. نه! ما تافته جدا بافته نیستیم - ولی در بافت تافته اجتماع بشری، نقشی مشخصیم که با هیچ طرح و نقش دیگر قاطی نمی‌شود ولی در عین حال بخش لاینفک آن است.

در این روز و روزگار چنین خبر می‌رسد که چند نفری از جوانان ما - برغم مخالفت خانواده‌هایشان، با غیر همدینان خود پیوند زناشویی بسته اند. ما امیدواریم که سخنان بالا برای راهنمایی سایر عزیزانی که چنین خیالی رادارند پاسخگو بوده و مفید افتد. توصیه ما این است که با شنیدن کوچکترین زمزمه‌ای در این خصوص از سوی فرزندان خود، با ایشان صریح و بدون پرده به گفتگو و تبادل نظر بنشینید و این باور همیشه ماندگار و پایای دینی - قومی ما را به ایشان تفهیم کنید که رمز بقاء مادر همبستگی و پیوند بایکدیگر است و چنانچه عنصری در بطن این جامعه بخواهد این اصل اساسی رانادیده بگیرد، پیش از آنکه بانجام چنین عملی بخواهد باعث از هم گسیختگی مبانی اجتماعی ما گردد - جامعه ما او را طرد کرده از خود خواهد راند.















برای درود و سفارش قیمت دوست منجانی است

نارنجی های پرده و پرده و پرده می رسد

سفاشی روشنی و پرده و پرده و پرده

دوخت و نصب انواع مدل های پرده

زیبای زیبای پرده

WORLD'S DRAPERY

9421 West Pico Blvd  
Los Angeles, CA 90035  
(213) 277-9268



United States  
Information  
Agency

Washington, D.C. 20547

Voice of America



March 29, 1985

Iranian Jewish Federation  
6505 Wilshire Blvd  
Los Angeles, CA 90048

It was nice talking to you just now. Again I want to congratulate you on the quality of Shofar. It is an excellent publication. Iranian Jewish culture is both warm and rich and I am very happy to see that people like you are trying to preserve it.

I do hope that you will be able to listen to our radio broadcasts in Los Angeles. Please let me know if you can hear us. Also if you have any items of news which you think might be of interest to us feel free to call me

Sincerely,

William R. Royce

خوانندگان و آگهی دهندگان این نشریه برای آقایان ایجاد نگرانی نمایند. در هر حال فدراسیون یهودیان ایرانی در انجام اموری که مربوط به جامعه ماست هر نوع صلاح بدانند عمل خواهد کرد. علاوه بر این اینگونه هیاهو و شایعه پراکنی هانه فقط مارا از تصمیم خود در ادامه راهی که در پیش داریم باز نمی دارد که - به صرف نفرت خلق یهود از هرگونه باجگیری و بهره گیری روانی، مارا بیشتر از پیش مصمم به ادامه راه خود می نماید.

همکیشان عزیز، سپاس بیحد مارا برای پشتیبانی های بیدریغ و محبت های صادقانه تان بپذیرید.

آگهی گرفتن» و یا «آقا مگر شما هم می خواهید وارد کسب و کار چاپ دفتر تلفن بشوید؟»

هر چند ماهیچگونه تعهد یا وظیفه ای به پاسخگویی به اینان نداریم، ولی برای اینکه خیالشان راحت شود به این پاسخ بسنده می کنیم که نشریه ما ویژه یهودیان ایرانی است و جامعه بزرگتری که شامل کلیه هموطنان ایرانی ما (از جمله یهودیان ایرانی است) و ده هابرابر بزرگتر از جامعه کوچک ماست، برای خود نشریاتی دارد که در اختیار همه ماست والحمدلله آگهی های زیاد هم می گیرند و از محل آن تأمین هزینه می کنند - بنابراین دلیلی وجود ندارد که استقبال

## شب شعر و آشنائی

ایران، فرید فرجاد و شهلا سرشار باهما همکاری افتخاری داشتند که بدینوسیله از زحمات و همکاری صمیمانه ایشان سپاسگزاری می شود.

در شب شعر و آشنائی که در تاریخ ۱۶ فوریه ۱۹۸۵ از طرف فدراسیون یهودیان ایرانی در محل دبیرستان پورتولا، برگزار گردید، هنرمندان ارزنده موسیقی ملی

و دخل نمی کرد - یعنی هزینه آن (که تنها هزینه چاپ و کاغذ است چون کلیه نویسندگان شوفار مجاناً در خدمت نشریه مردم خود هستند) به مراتب از درآمدی که از محل حق اشتراک مجله عاید می شد بیشتر بود. همزمان با توجه روزافزون یهودیان ایرانی برومیزی به این نشریه و استقبال بی نظیری که از آن بعمل می آمد، تعداد متقاضیان درج آگهی نیز چه از سوی صاحبان کسب ایرانی و چه از طرف کمپانی های صاحب نام و سرشناس امریکائی بحدی باورنکردنی افزایش یافت و مادرمقابل این پرسش قرار گرفتیم که: چرا هزینه مجله را از محل درآمد آگهی تامین نکنیم - چرا نکوشیم تا مجله خود کفا شود و ما از بودجه فدراسیون یهودیان ایرانی بی نیاز گردیم؟ چه هرگونه بودجه اضافی که در اختیار فدراسیون باشد می تواند گروه ای از مشکلات جامعه راباز کند. پس رنج مسئولیت و کار بیشتر را به منظور پشتیبانی نمودن بیشتر از فدراسیون فراگیرمان، بر خود هموار کردیم.

قبل از اینکه به بحث درباره دنیاال این مطلب بپردازیم، در گفتگوی بایکی از خوانندگان که تلفوناً از حجم زیاد آگهی های مجله گله می کرد، پس از ادای توضیحات بالا، دوست خواننده ما گفت: «پس حالا که اینطور است و وجوه حاصل از این آگهی ها در بهبود روزافزون وضع مجله و مالاً فدراسیون کارساز است، نه فقط اعتراضی به تعداد آگهی هاندارم که افزایش آنرا نیز توصیه می کنم و از این گذشته، سعی می کنم از اشخاص و سازمان هائی که در مجله ما آگهی می دهند خرید نموده و یا از خدماتشان استفاده نمایم».

امیدواریم توضیحات بالا پاسخگوی معترضان به میزان آگهی های شماره قبل ما باشد، ولی صرف نظر از موارد فوق، تشابه شیوه اعتراض اکثر این عزیزان، مارا به وجود یک ریشه تحریک کننده مشترک مشکوک کرد و این ریشه با کمی تحقیق، خیلی زود رخ نمود. داستان از این قرار است که گروهی از نشریات برومیزی که از محل گرفتن آگهی ارتزاق می کنند برایشان این توهم پیش آمده که مامی خواهیم، بقول عوام، روی دستشان بلند شویم و دکانشان را تخته کنیم. اینان، بر اساس این توهم بیجا شروع کرده اند به شایعه پراکنی که: «فدراسیون راجه به

نامه آقای دکتر ساموئل نیومن همراه  
باترجمه مقاله ای از شیکاگو تریبیون رسید که  
در آینده از مطالب آن استفاده خواهد شد.  
خواننده ونو یسنده وفادار با آقای عزیز اله  
جواهری مطالبی برای ما ارسال داشته اند که  
ضمن تشکر از همکاری و تشریح مساعی  
ایشان به تدریج از این شماره از مطالب ایشان  
استفاده خواهد شد.

از تهران آقای هارون ش. (امضاء  
محفوظ) - طی نامه ای نوشته اند: «قسمت  
هائی از نشریه شما بصورت فتو کپی، دست  
بدست بین اهل جماعت می گردد و تعدادی از  
مطالب برای استفاده همگان بروی تابلوی  
اعلانات کنیساها نصب می شود. خداوند شما  
رایاری کند که در راه حفظ همبستگی مایهودیان  
ایرانی می کوشید. ایکاش گروهی از دوستان  
جوان ما که نام روشنفکر بر خود گذاشته اند نیز از  
روش فکری شما پیروی می کردند نه اینکه تمام  
نیرو و کوشش خود را صرف ایجاد نفاق و تفرقه  
در سطح جامعه نمایند. در ایران امروز که  
نهادهای جدید حکومتی دارد به آرامی شکل می  
گیرد، یکایک افراد سایر اقلیت های مذهبی،  
دست بدست هم داده، همه اختلافات  
و گرفتاریهای داخلی خود را کنار گذاشته و یک  
صدا خواسته های خود را بگوش مسئولان امور می  
رسانند - حال آنکه وجود این گروه غیر مسئول  
در میان ما، جامعه یهودی ایرانی در و نمرزی  
رادچار از هم پاشیدگی نموده و در نتیجه - با توجه  
به شرائط موجود، مسئولان امور را نیز نسبت به  
سرنوشت ما بی توجه نموده است.»

شوفار: هر چند این اولین بار نیست که  
هموطنان یهودی مانسبت به شیوه عملکرد جامعه  
روشنفکران یهودی انتقاد می نمایند ولی تا این  
تاریخ ما از مطرح نمودن انتقاداتی که از این گروه  
بمعلمی می آید - به دلیل احتراز از هرگونه درگیری  
در اختلافاتی که خود با آن در تماس مستقیم نبودیم  
- از هرگونه اظهار نظری خودداری می نمودیم.  
معهد، با در نظر گرفتن مندرجات نشریه تموز که  
متعلق به این گروه می باشد و اطلاعاتی که از  
سوی افراد ذیصلاح جامعه در تهران بما داده شده،  
به نظر می رسد این گروه که نام خود را روشنفکر  
نهاده اند از روشنفکری فقط هتاکتی به دولت  
اسرائیل را آموخته اند و با کمال تأسف این عمل  
آنها فقط آب به آسیاب جلادان و آدمکشان  
ریختن است. معهد، از آنجا که نفس کار ما بر  
مینای دموکراسی و آزاد منشی استوار است،  
هرگونه اظهار نظری را - اعم از موافق یا مخالف،  
در این نشریه منعکس خواهیم نمود و در صورت  
لزوم در این باره باز هم سخن خواهیم گفت.



## ماوشما

دوستان عزیز:

● توجه داشته باشید که در این صفحه تنها به نظرات و نامه های اشاره میشود که نام نویسنده و یا گوینده نظر، آدرس و شماره تلفن آن دقیقاً ذکر شده باشد. از چاپ نامه های بدون امضاء و یا پاسخ به تلفن های بی نام خودداری میشود. در صورت تمایل نام شما نزد ما محفوظ خواهد ماند.  
تلفن تحریریه شوفار ۶۵۵-۷۷۳۰ (۲۱۳) است و آدرس ما پشت مجله چاپ شده است ■

## نامه های وارده

تعداد زیادی از خوانندگان از طریق نامه  
یا تلفن به دفتر قدرسیون کیفیت شماره قبل  
شوفار را مورد تأیید و قدردانی قرار داده  
و نویسندگان آنرا تشویق نموده اند که در این  
خصوص ضمن سپاسگزاری، توجه شمارا به  
مطلبی که تحت عنوان فصل شتاب در همین  
شماره چاپ شده جلب می کنیم.  
خواننده گرامی آقای مایر خدوی طی نامه  
ای پس از ذکر این نکته که از مطالب جالب  
شوفار همیشه لذت برده است، در مورد وضع  
زندگی جامعه مادر گذشته و محیطی که در آن  
زیست می کرده ایم مطالبی نوشته و ضمناً  
با ارسال بریده ای از روزنامه اطلاعات چاپ  
تهران مورخ یکشنبه ۵ اسفند ماه ۱۳۶۳ که  
در آن اراجیفی تحت عنوان «عامل اصلی  
رواج سگ بازی و سگ پرستی صهیونیست  
ها بوده اند» اظهار نظر نموده اند که اینگونه  
باورهای غیر انسانی و ابتدائی تا چه حد در دنیای  
امروز مسخره است.

## قابل توجه خوانندگان

دوستانی که در نهایت لطف و مرحمت برای شوفار  
مطلب و مقاله می فرستند لطفاً باین نکات توجه  
فرمایند:

- از هر دوروی کاغذ برای نوشتن استفاده نکنید.
- یک روی آنرا خالی بگذارید.
- یک خط در میان بنویسید.
- لطفاً خوش خط و خوانا مرقوم بفرمائید و در صورت  
امکان مطلب را تاپ کتید.
- مقالات و مطالبی که به دفتر هیأت تحریریه می  
رسد متعلق به شوفار خواهد بود و در صورت لزوم  
تصحیح و تلخیص می شوند. اصل مطالب به  
صاحبان آنان مسترد نمی گردد. بهمین علت  
بهرت است فتوکپی نوشته خودتان را برای ما بفرستید.  
از چاپ مطالبی که با هدف کلی نشریه و موازین  
و اصول مورد قبول هیأت تحریریه مغایرت داشته باشد  
معدومیم.

کسانی که مایل نیستند نوشته هایشان مورد جرح  
و تعدیل و تلخیص یا تصحیح قرار بگیرد این نکته  
را در نامه خود تذکر بدهند. در صورتیکه انجام این  
تقاضا امکان پذیر نباشد از چاپ مطلب خودداری  
خواهد شد.

ارجمند خواهد رسید.

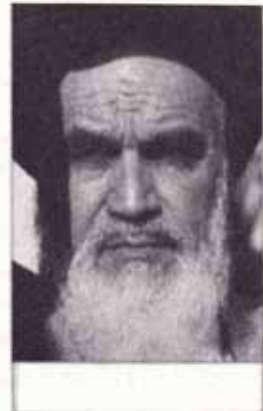
همچنان همگنان به آگاهی همگنان

توضیحات کامل در این باره در شماره آینده قدر استون به آگاهی همگنان

ندونستون به اطلاع خواهان و برادران گرامی می  
رساند که جشنی محلی قدر استون به مناسبت سال  
خداوند در تاریخ یکشنبه اول شهریور ۱۹۸۵  
در سالن باشکوه بنا و نوبتورا هتل برقرار می گردد.

قدر استون یهودیان ایران





# تحلیلی از اوضاع جنگ

ف. پیروز

برآورده اند ورژیم هم بخوبی این فریادها را شنیده است.

امابعداز قریب پنجسال جنگ وشعارهای جنگ جنگ تاپیروزی، قبول یک آتش بس همه جانبه ومتوقف نمودن جنگ بدون دست یابی به هدفهایی که اعلام شده مشکل است وازاین جهت جنگ همچنان ادامه دارد ورژیم تهران روز شانزدهم خرداد رامعین کرده بود تامردم موافقت یامخالفت خودرا با ادامه جنگ اعلام کنند که ازقبل نتیجه آن معلوم بود.

درواقع استراتژی جدید عراق برای وارد آوردن فشار به مردم بی دفاع ایران به این منظور که آنها حکومت را برای پایان دادن به جنگ تحت فشار قرار دهند تاحدی به نتیجه رسیده وگرنه حکومت تهران درگذشته هیچگاه از مردم برای ادامه یاتوقف جنگ نظر خواهی نکرده بود.

ازطرفی دعوت دبیر کل سازمان ملل متحد به تهران وهم چنین دعوت وزیر امور خارجه عربستان سعودی وسخنان دو پهلوئی بعضی از مقامات نشانه آنتست که فشار استراتژی عراق محسوس شده است. وزیر خارجه عربستان در بازگشت از تهران اعلام نمود که در مذاکرات خود با مقامات تهران متوجه شده است که آنان مانند گذشته در موضع سخت قرار ندارند. با وجود همه

آسان است ولی در باطن، اقدامات اخیر آن کشور ناشی از سرسختی تهران در قبال هرگونه راه حل سیاسی برای پایان جنگ می باشد.

حملات هوائی عراق که در طول ماههای آوریل ومی ونیمه اول ژوئن ۱۹۸۵ به شدت بی سابقه ای ادامه یافت تلفات وخسارات زیادی رادر شهرهای کشور بوجود آورد ونتها نتیجه ای که از آن عاید گردید تظاهرات محدود مردم برضد ادامه جنگ بود. مردم کشور ما پس از ۵۷ ماه جنگ وخون ریزی وخرابی، آثار وصدومات جنگ را با گوشت و پوست خود حس می کنند، شبها تاصبح از ترس بمباران هواپیماهای عراقی بیدار می مانند وکودکان از سروصدای هواپیماها وترس وحشت ناشی از خاموشیهای برق به دامان والدین خود پناه می برند وازاین رو بسیاری از مردم فریاد اعتراض به ادامه جنگ را

پنجاه وهفت ماه از روزی که عراق ایران رامورد تهاجم نظامی خود قرار داد می گذرد وهمانطور که قبلاً پیش بینی شده بود فعلاً پایانی بر این جنگ متصور نیست. بعد از آتش بس وآرامش نسبی دردوره های کوتاهی که مصادف با مسافرت دبیر کل سازمان ملل متحد به تهران وبغداد بود، عراق در تاریخ ۲۱ ماه می مجدداً حملات هوائی به هدف های اقتصادی ایران را آغاز کرد وسپس دامنه این حمله ها رابه شهرهای بی دفاع وهمینطور پایتخت توسعه داد.

عراق توجیه حملات هوائی جدید خود را عدم قبول آتش بس یکماهه در طول ماه رمضان از جانب ایران وهم چنین توطئه نافرجام سوء قصد به امیرکویت اعلام کرده که به نظر عراق رژیم تهران در آن دست داشته است. بهانه هائی از این قبیل برای عراق بسیار



## مرکز کاربایی یهودیان

وابسته به فدراسیون یهودیان امریکایی  
درلوس آنجلس بزرگ

• همانطور که در شماره قبل بنظرتان رساندیم بخش مخصوص خدمت به یهودیان ایرانی وابسته به مرکز کاربایی یهودیان امریکایی کماکان درصدد کمک به افرادجویای کار و معرفی آنان به بازار کار است. این ماه نیز تعداد دیگری ازدوستان ایرانی جویای کار در مجله شوفار به صاحبان مشاغل معرفی می شوند تا در صورت لزوم از این گروه متخصصان استفاده کنند.

چندین مشاور در درو مرکز لوس آنجلس و سن فرناندو ولی نام و نشانی و تخصص افرادجویای کار را در دست دارند که از طریق مجلات مختلف بنظر امریکایی های صاحب شغل می رسانند. نشریه شوفار ضمن تجلیل از این خدمت ارزنده هر هفته صفحه ای در اختیار این مرکز غیرانتفاعی می گذارد تا به معرفی افرادجویای کار بپردازد. در ستون مقابل به ترتیب تخصص هر شخص، نام او (از ذکر نام خانوادگی خودداری می شود) سابقه کار و مهارت های او درج شده است. در داخل پرانتز حروف اول اسم مشاور که شخص جویای کار را باری می دهد ذکر شده است. در مقابل برخی از اسامی مشاوران سه حرف (اس.اف.وی.) نیز چاپ شده است که محل کار آن مشاور را که در منطقه سن فرناندو ولی است مشخص می کند. بدین ترتیب صاحبان مشاغلی که فردمورد نیاز خود را در میان گروه معرفی شده می یابند می توانند با دفتر لوس آنجلس تلفن ۶۵۵-۸۹۱۰ و در صورتی که سه حرف (اس.اف.وی.) در مقابل حروف اول نام مشاور نوشته شده باشد با دفتر ولی تلفن ۹۰۷-۵۵۰۶ تماس بگیرند.

امیدواری ما اینست که دوستان عزیز ایرانی با مرکز کاربایی و همچنین نشریه شوفار در این زمینه همگامی و همراهی مثبت بکنند تا به آن تعداد از دوستان نیازمند کار خدمت ارزنده ای شود. ■

## انجمن ها و سازمانها

به مناسبت افتتاح اولین هنرستان صنعتی ارت در لوس آنجلس، مجلس شب شینی در تاریخ ۲۲ ماه ژوئن به همت انجمن بانوان ارت در هتل شرایتون میرامار برگزار می گردد. از عده ای از رؤسای ارت جهانی از جمله از خانم پروین معتمد نماینده کل ارت در امریکا دعوت شده است در این شب نشینی حضور بهم رسانند.

ضمناً بطوریکه از دفتر ارت جهانی در لوس آنجلس اطلاع داده می شود، اولین هنرستان صنعتی وابسته به مؤسسه مذکور از اول پائیز آینده فعالیت خود را در ساختمان ویلشر تمپل واقع در ویلشر بولوار آغاز خواهد کرد. دانشجویان این مؤسسه قادر خواهند بود پس از طی دوران آموزشی ۶ ماهه، یک ساله و یا دو ساله در مراکز صنعتی و اداری و نیز کارخانجات مربوطه جذب بازار کار امریکا شوند. از علاقه مندان دعوت می شود برای کسب اطلاعات بیشتر با دفتر هنرستان ارت به شماره ۴۲۴۴-۳۸۷ (۲۱۳) تماس حاصل فرمایند.

## انجمن دوستداران آلیانس اسرائیلیت او نیورسل

اعضای انجمن دوستداران آلیانس به سرپرستی انسان نوع دوست، وفداکار دکتر بن و نیستی طی جلسات مکرر خود برنامه فعالیت های خود را برای سال ۱۹۸۵ تدارک دیده و ضمن ارسال نامه هایی برای افراد از آنان درخواست اهداء مبلغی جزئی بعنوان عضویت در انجمن را نموده است. بدینوسیله از کلیه افراد خیر و دوستداران پیشرفت فرهنگ و طرفداران مؤسسه فرهنگی آلیانس اسرائیلیت او نیورسل که بیش از یک قرن است به خدمات صادقانه خود به جامعه بشری ادامه می دهد درخواست می نماید حد اقل ۲۵ دلار به عنوان حق عضویت ۱۹۸۵ خود به نشانی:

American Friends of the Alliance Israelite Universelle  
10654 Le Conte Ave.,  
Los Angeles, CA 90024

ارسال دارند و در نظر داشته باشند که مبالغ اهدائی آنها مشمول معافیت مالیاتی خواهد بود.

## خباد هاوس ایرانیان

خباد هاوس ایرانیان در وست وود از عموم افرادی که در ایام روش هسانا و کپور و یاشبات ها شرکت نموده اند تقاضا دارد تعهدات خود را در اسرع وقت به نشانی: ارسال فرمایند.

## انجمن یهودیان ایرانی شیکاگو

بطوریکه آقای دکتر ساموئل نومن رئیس انجمن از شیکاگو اطلاع می دهند، به مناسبت سی و هفتمین سالگرد استقلال اسرائیل، مجلس جشن و سخنرانی در یکی از سالن های جوئیث سنتر شیکاگو برگزار گردید، که طی آن عده ای سخنرانی نمودند و در پایان از مدعوین پذیرائی بعمل آمد.

شوفار: نظربه اینکه برای عده ای این توهم پیش آمده بود که آقای دکتر ساموئل نومن غیر ایرانی هستند، از ایشان خواهش می شود در آینده نام فارسی خود را نیز ذکر فرمایند تا رفع شبهه از خوانندگان بعمل آید.

ضمناً به اطلاع آقای نومن می رساند که سال جاری مقارن با سی و هفتمین سالگرد استقلال اسرائیل بوده و نه سی و هشتمین سالگرد که ایشان اشتباهاً در نامه خود به آن اشاره فرموده اند.

## انجمن هاوسازمانها

### قابل توجه سازمانها وانجمن ها

از کلیه سازمان ها وانجمن های یهودی ایرانی فعال در کالیفرنیا و سایر ایالات تقاضا می شود اخبار مربوط به فعالیت های خود را بترتیبی ارسال دارند که حداکثر تا ۱۰ هر ماه به دفتر شوفار واصل شود و در غیر این صورت درج مطالب ارسالی در شماره آن ماه مقدور نخواهد بود.

#### مدرسه نصیح اسرائیل

نامنویسی برای کلاسهای مختلف مدرسه نصیح اسرائیل طی ماههای ژوئن و ژوئیه انجام می شود. از علاقه مندان تقاضا می شود برای کسب اطلاعات و تعیین وقت همه روزه با تلفن دفتر کنیسا اسرائیل ۷۰۴۷-۶۵۳ (۲۱۳) و یا با تلفن مدرسه نصیح اسرائیل به شماره ۱۷۱۰-۸۵۸ (۲۱۳) تماس حاصل فرمایند.

#### سازمان بانوان یهود ایرانی

در گردهمایی سازمان بانوان یهود ایرانی که به مناسبت روز مادر تشکیل شده بود، خانم توران کهن به عنوان مادر نمونه و خانم اشرف سوفربه عنوان زن نمونه انتخاب و معرفی شدند.

#### جوانان تیکوا

گروه جوانان تیکوا در تاریخ ۲۰ آوریل گذشته سومین سال فعالیت خود را طی یک گرد همایی همراه با موزیک در معاریو تمپل جشن گرفت که بیش از ۲۰۰ جوان دختر و پسر در آن شرکت کردند. ضمناً نشریه تیکوا که به همت گروه جوانان تیکوا منتشر می شود، چندی است در قطع و فرم جدید انتشار می یابد و هم اکنون می رود که نود و سومین شماره منظم خود را در دسترس علاقه مندان قرار دهد. برای اطلاع از برنامه های گروه جوانان تیکوا، علاقه مندان می توانند با تلفن ۰۷۷۷-۹۹۶ (۸۱۸) تماس حاصل فرمایند.

#### کلاس «پیرکه آووت»

کلاس «پیرکه آووت» (بند پدران) که به مدت ۶ هفته از اولین هفته بعد از پسخ روزهای چهارشنبه از ساعت ۸ تا ۱۰ شب به همت ربای هر متصل ایلولیان و با همکاری گروه جوانان تیکوا تشکیل شده بود، مورد استقبال شدید جوانان قرار گرفت و به درخواست آنان به مدت شش هفته دیگر در همان روز و ساعت ادامه خواهد داشت.

#### مجتمع فرهنگی یهودیان ایرانی

همانطوریکه قبلاً به استحضار همکیشان عزیز رسیده قسمت اعظم بهای زمین خریداری شده جهت ایجاد مجتمع فرهنگی یهودیان ایرانی پرداخته گردیده. خوشبختانه مقامات مسئول شهرداری بار دیگر نظر قبلی خود را دایره تغییر تراکم زمین مزبور ازمسکونی به تجارتنی و اجازه احداث بنای مورد نظر را در زمین مذکور تایید نمودند و مراتب طی نامه رسمی به مسئولان مجتمع ابلاغ گردید.

اینک که نقشه های مربوطه آخرین مراحل خود را در شهرداری لوس آنجلس طی می کند و قرار است کلنگ آغاز ساختمان هر چه زودتر طی مراسمی بزمین زده شود، بدینوسیله از کلیه مقاطعه کاران ساختمانی، مهندسی و دست اندرکاران تأسیسات، برق، لوله کشی، درب و پنجره سازی، تزیینات و غیره که آماده هرگونه همکاری در این زمینه می باشند دعوت می شود هر چه زودتر روزها با تلفن دفتر مجتمع به شماره ۹۳۰۳-۳۴۲ (۸۱۸) و یا با آقای روبین تلفن ۴۷۴۰-۷۴۶ (۲۱۳) تماس حاصل فرمایند.



JEWISH VOCATIONAL SERVICE  
of LOS ANGELES

L.A. 655-8910

S.F.V. 907-5506

Construction Laborer, Parvis A: Light plumbing, electrical and carpentry skills. Also has drafting skills. Civil engineering background. Fluent English, Farsi and Hebrew. (JG)

Bank Teller, M.S: Completed local teller training school, good command of English. Would prefer the Westside of town. (VS)

Restaurant Work, Navid T: Hardworking motivated young man looking for busboy, waiter position in Valley restaurant. Speaks English. (JT)

Inventory Control, Sahid R: Experienced, hard-working man looking for stock, inventory work. Speaks Farsi and Hebrew. (JT)

Bank Teller Trainee, Fereshteh R: Bank experience in Iran. Capable neat appearing woman. (DA-SFV)

Import/Export Sales, David G: Very experienced in International trade and economics. Experienced in audio, visual electronics and medical equipment and supplies. Full-time position in City or Valley. (DA-SFV)

Restaurant Management, Bijan O: Experience in fast food operation and also in cooking. English excellent, well motivated. (RB-SFV)

Electronic Assembly, Soheil S: Has schooling experience thru Valley College, however no work experience. Needs a start. (RB-SFV)

Office Clerk, Sohila A: American business college. Friendly, young woman. Good office skills. (RE)

Assembly/Light Shipping, Farzaneh B: Highly motivated mature woman wants entry level Valley position. Part or full-time. (RE)

Office Clerk, Guity R: Good for office detail and light shipping. Good English. Valley or City. (RE)

Retail Sales, Nahid R: Nice young personable woman. Can sell and handle merchandise. Also willing to work in good sales. (RE)

# وقایع تاریخی و مذهبی یهودی

ماه‌های ایثار، سیوان و تموز ۵۷۴۵

۱- ماه ایثار ۵۷۴۵ (برابر با دوشنبه ۲۲ آوریل تا دوشنبه ۲۰ مه ۱۹۸۵)

ماه ایثار: ماه ایثار هشتمین ماه از سال ۵۷۴۵ عبری و ۲۹ روزه می باشد که روش خودش آن دوروزه می باشد.

اول ایثار (برابر با دوم اردیبهشت ۱۳۲۲): چهل و دومین سالگرد درگذشت زنده یاد دکتر روح الله سپهر، از پایه گزاران درمانگاه و بیمارستان سپهر (کانون خیرخواه) که هنگام شیوع اپیدمی تیفوس و تیفوئید در تهران، جان برکف اقدام به مبارزه با این مرض مهلک و نجات جان مبتلایان به این بیماری نمود و بالاخره هم در اثر تماس دائم با بیماران خود مبتلا به تیفوس شد و در عنقوان جوانی جان خود را در راه خدمت به هموطنانش از دست داد.

پنجم ایثار ۵۷۰۸: سی و هفتمین سالگرد استقلال کشور اسرائیل که در پی آن کشور نوبنیاد یهود با حمله همه جانبه کشورهای عربی و سازمانهای فلسطینی روبرو شد و باشکست نیروهای مهاجم کشورهای متخاصم را وادار به قبول آتش بس نمود.

سیزدهم ایثار: هیولای ربی شیر بعل تهنس و مقارن با «پسح شنی» (که در آنروز افراد یهودی که بعلی موجه موفق به برگزاری موعدها و شب سیدر در چهاردهم و پانزدهم ماه نیشان نشده اند، در این تاریخ و درست یکماه پس از عید پسح، اقدام به گرفتن عید پسح و برگزاری سیر می نمایند).

شانزدهم ایثار ۲۴۴۸: سالروز آغاز باریدن «مان»، مائده آسمانی در بیابان برای قوم یهود، درست یکماه پس از خروج آنها از مصر، که این مائده به مدت ۴۰ سال از آسمان فرو می ریخت و همه افراد قوم همه روزه به اندازه احتیاج خود از آن بر می داشتند و بجای هر نوع خوراکی می خوردند.

هفدهم ایثار ۵۷۰۲: چهل و سومین سالگرد وفات شادروان استاد روشن ضمیر حاخام حشیم موره، مؤلف آثار متعددی در زمینه یهودیت، از جمله «گدولت مردخای»، «تد الیاهو» و «دیرخ حشیم».

هیجدهم ایثار: هیولای ربی شیمون بریحای و روز «لگ باعومر» (سی و سومین روز عومر) و آغاز رسمی مراسم عقد و نکاح و برگزاری مجالس شادی.

هیجدهم ایثار: بیست و سومین سالگرد درگذشت راولوی، مؤسس مدارس اوتصرتها در ایران.

۲- ماه سیوان ۵۷۵۴ (برابر با سه شنبه ۲۱ ماه مه تا چهارشنبه ۱۹ ژوئن ۱۹۸۵)

ماه سیوان: نهمین ماه از سال ۵۷۴۵ عبری که سی روزه و روش خودش آن یک روزه می باشد.

اول سیوان ۲۴۴۸: سالروز ورود نبی اسرائیل به صحرای سینا پس از خروج آنان از مصر در ۳۲۹۷ سال قبل به رهبری حضرت موسی.

اول سیوان (برابر با ۲۱ مه): سالگرد درگذشت جیمز فرانک برنده جایزه نوبل در سال ۱۹۲۵ که یهودی و اهل آلمان بود.

ششم سیوان (برابر با یکشنبه ۲۶ مه ۱۹۸۵): اولین روز موعدها و عوت، روزی که خداوند ده فرمان را به قوم اسرائیل اعطاء فرمود. رسم بر این است که شب قبل را جماعت در کنیساها اجتماع نموده و به قرائت و تفسیر منتخباتی از تورا و سایر کتب مقدس دینی می پردازند که آن شب را شب «عراوا» می خوانند.

ششم سیوان ۲۹۲۴: سالروز حضرت داود در ۲۸۲۱ سال قبل.

ششم سیوان ۵۷۴۰: پنجمین سالگرد درگذشت شادروان خدمتگزار اجتماع دکتر شکرالله مطلوبیان که سراسر عمر خود را در ایران در مقام پزشک وقف خدمت به هموطنان خود



## شادی ها

توجه: لطفاً از افرادی که مجالس شادی برگزار می کنند و یا خانواده های سوگوار تقاضا می شود از طریق تلفن ۷۷۳۰-۶۵۵ (۲۱۳) مراتب را برای درج در شوفار به اطلاع برسانند.



## جشن های ازدواج

پیوندهای ازدواج جوانان نامبرده ذیل را تبریک می گوئیم و برای آنان زندگی پر سعادت و شاد کامی آرزو داریم: دوشیزه ماهرخ یسقطوب با آقای جهانگیر یعقوبی

دوشیزه هیلدا نامور با آقای همایون بیانفر

دوشیزه فریبا فرداد با آقای مسعود چادرچی

دوشیزه شولمیت نظریان با آقای ریموند تربتی

دوشیزه جینا مرغزار حریری با آقای ایمانویل

کهن

دوشیزه استرناق با آقای جمشید حوریم

و به بت میتصوا و بر میتصواهای عزیزمان نیز شرح زیر تبریک می گوئیم و موفقیت آنان را برای همیشه آرزوی کنیم:

بت میتصوا:

دوشیزه آزاده کاشانی

## بر میتصوا

آقای بابک کاشانی

آقای دانیال ربانیان

آقای مایکل نورمند

آقای موریس رشتیان

آقای موریس الی



و قدم نورسیده را به آقای دکتر جمشید ایست و بانو تبریک می گوئیم.



## سوگوارها

به خانواده هائی که عزیزان خود را بشرح زیر ازدست داده اند تسلیم می گوئیم:

بانوی نیکوکار اصیل  
بانوی نیکوکار عالیه سعیدفر  
آقای سلیمان عزیزیان  
آقای عزیز اصیل  
جوان ناکام آقای فریرز مطلوب

## برای فروش

خانه ای در «برنت وود»  
باسه اطاق خواب و ۲ حمام،  
دن، اطاق پذیرائی بزرگ،  
حیاط بزرگ، تهویه کامل و سیستم  
امنیتی



Paul Realty Co.

پرویز ایجادی

۱۴۱۴-۸۵۵-۲۱۳

منزل ۷۷۸۹-۳۴۳-۸۱۸

## وقایع تاریخی و مذهبی یهودی

نمود و به محض ورود به لوس آنجلس نیز به فعالیت های اجتماعی خود ادامه داد و از پایه گزاران مجتمع فرهنگی یهودیان ایرانی بود.

**نهم سیوان ۵۵۰۶:** دو یست و سی ونهمین سال آغاز کوچ کلیمیان ایران از شهرستانها به تهران و استقرار آنان در این شهر بو یژه در محله عودلاجان.

**دهم سیوان ۵۷۳۲:** سیزدهمین سالگرد درگذشت دوشیزه ژانت کهنصدق قهرمان دو میدانی ایران که در عتفوان جوانی در اثر تصادف کشته شد.

**بیست و پنجم سیوان ۳۸۸۰:** سالگرد شهادت سه تن از ده تن شهدای شهر مذهبی یهود بنشام های ربی شیمعون بن گمیلث، ربی یشمانل کهن گادول و ربی حفنیا در ۱۸۶۵ سال قبل.

**سی ام سیوان (برابر با چهارشنبه ۱۹ ژوئن ۱۹۸۵):** آخرین روز ماه سیوان و اولین روز روش خودش تموز.

**۳- ماه تموز ۵۷۴۵** (برابر با پنج شنبه ۲۰ ژوئن تا پنج شنبه ۱۸ ژوئیه ۱۹۸۵)

**ماه تموز:** دهمین ماه از سال ۵۷۴۵ عبری که ۲۹ روزه و روش خودش آن دوروزه مقارن با روزهای چهارشنبه و پنج شنبه ۱۹ و ۲۰ ژوئن ۱۹۸۵ می باشد.

**پنجم تموز ۳۳۲۱:** سالروز بخت حزقیل نبی در ۲۴۴۴ سال قبل در دوران حکمفرمانی بخت النصر سلطان بابل، برابر با پنجمین سال اسارت یهو یا خین سلطان یهودا، همراه بادانیال، حننیا، میثائل، عزرا و مردخای و هزاران تن دیگر از تنخگان یهود.

**پنجم تموز (برابر با ۲۴ ژوئن ۱۹۴۳):** چهل و دومین سالگرد درگذشت کارل لنداشایز دانشمند یهودی اهل اطریش که در سال ۱۸۶۸ متولد شد و پس از دریافت جایزه طب نوبل در سال ۱۹۳۰، در سن ۷۵ سالگی دیده از جهان فرو بست.

**شانزدهم تموز:** سالروز درگذشت دانشمند یهودی مجارستانی برنده جایزه شیمی نوبل ۱۹۴۳.

**شانزدهم تموز ۵۷۰۵:** چهلمین سالروز تأسیس مؤسسه فرهنگی اوتصر هتورا (گنج دانش) در ایران به ریاست مرحوم راب لوی و به مدیریت شادروان شلمو کهن صدق.

**هیجدهم تموز ۵۷۴۱:** چهارمین سالگرد درگذشت شادروان موسی کرمانیان که از جوانی کمر همت به خدمت همنوعان خود بست و سراسر زندگی را وقف مبارزه برای پیشرفت و بهروزی جامعه اش کرد. موسی کرمانیان که در خانواده ای متدین و با ایمان در تهران پا به عرصه وجود گذاشت، سراسر عمر خود را وقف مبارزه برای احقاق حقوق خواهران و برادران خود نمود. با تأسیس باشگاه جوانان در شرایط سخت و نامساعد و انتشار روزنامه ای که هدفش بالا بردن سطح دانش و روشن نمودن اذهان عمومی به حقایق اوضاع و استحکام مبانی یهودیت بود، خدمتی بس ارزنده به دوام و بقاء جامعه یهود ایران نمود. موسی کرمانیان هنگامی در این دیار غربت چشم از جهان فرو بست که جامعه یهودی ایرانی از خارج از کشور با بحرانی ترین لحظات زندگی خود مواجه بود و فقدان وی ضربه ای جبران ناپذیر و مصیبتی جانگداز بود - موسی کرمانیان از جمله چهره های دوست داشتنی بود که خاطره اش هرگز از یادها فراموش نخواهد شد.

**هیجدهم تموز:** روز تعنیت هفدهم تموز که در سال به علت تقارن هفدهم تموز با روز شبات، این تعنیت استثنائاً در یکشنبه هیجدهم تموز گرفته می شود. ضمناً از این روز به مدت سه هفته یعنی تا روز نهم ماه آب رسم بر این است که از برگزاری مراسم عقد و نکاح خودداری می شود.

**بیست و چهارم تموز (برابر با ۱۳ ژوئیه ۱۹۲۱):** شصت و چهارمین سالروز درگذشت فیزیکیدان معروف فرانسوی گابریل لیپمن یهودی فرانسوی که در سال ۱۸۴۵ متولد شد و پس از بودن جایزه فیزیک نوبل ۱۹۰۸، در سال ۱۹۲۱ در سن ۷۶ سالگی درگذشت.

**بیست و نهم تموز (برابر با ۱۸ ژوئیه ۱۱۰۵):** هشتصد و هشتاد و هفتمین سالگرد وفات دانشمند و مفسر نامی تورا و سایر کتب مقدسه یهود بنام ربی شلمو یسحاقی معروف به «راشی» اهل فرانسه که در ۱۰۴۰ متولد شد و پس از عمری تحقیق و مطالعه و تألیف چندین جلد تفسیر و اثرات دیگر در زمینه مذهب، در سن ۶۵ سالگی دیده از جهان فرو بست.

**جمعه ۱۹ ژوئیه ۱۹۸۵** مقارن با روز اول ماه آب است که روش خودش آن یک روزه می باشد.

تهیه و تنظیم از: الیاس اسحقیان





هرگونه نتیجه ای از آن مشکوک بنظر می رسید. درعین حال عراق باید بداند که چنین حمله ای از جانب ایران چندان هم برای او ارزان تمام نخواهد شد و یکبار دیگر ارتش عراق نفرات زیادی را از دست خواهد داد.

ایران نیز توجه دارد که اگر یک حمله زمینی جدید باشکست مواجه شود علاوه بر فریاد اعتراض مردم به ادامه جنگ و تلفات زیاد، در روحیه نظامیان و جنگجویان کشور چه اثرات مخربی باقی خواهد گذارد. ایران کماکان در مصیقه اسلحه و مهمات لازم برای نیروهای خود می باشد و بخصوص در زمینه دفاع هوایی در مقابل حملات عراق با مشکلات بسیار مواجه است. اعزام هیئت هائی به شوروی و فرانسه برای بدست آوردن موشکهای زمین بهوا نیاز ایران و دورنمای طولانی شدن جنگ را بخوبی نشان می دهد.

با وجودیکه هردو کشور از آتش این جنگ آسیب بسیار دیده اند، معدلک پیچیدگی اوضاع داخلی و روابط خارجی ایران به نحوی است که روز بروز کلاف جنگ را بیشتر سردرگم می کند و هنوز زود است که بتوان درباره آینده پیش بینی قابل قبولی بشود.

که این موشکها چندان تاثیری در تنبیه کردن عراق ندارد زیرا استفاده از این موشکها فقط خرابیهای محدودی را در بغداد فراهم می آورد. از طرفی رژیم تهران در حمله به خاک عراق چندان دست بازی ندارد، زیرا شهرهای جبهه شرقی که عموماً مرکز اماکن مقدسه شیعیان است در تحریم حملات انتقامی تهران قرار دارد و در شمال عراق هم حمله به آبادیها و شهرهای کردنشین چندان سیاست مفید و خردمندانه ای نیست.

از طرفی سوء قصد به امیرکویت و قبول مسؤلیت آن از طرف گروه جهاد اسلامی که خود را وابسته به ایران می داند و تکذیب بعدی این گروه دایره آنکه در این سوء قصد شرکت نداشته است کویت را از ادامه کمک به عراق منصرف نخواهد کرد زیرا کویت بیش از هر چیز دیگر از عواقب پیروزی ایران در جنگ با عراق وحشت دارد.

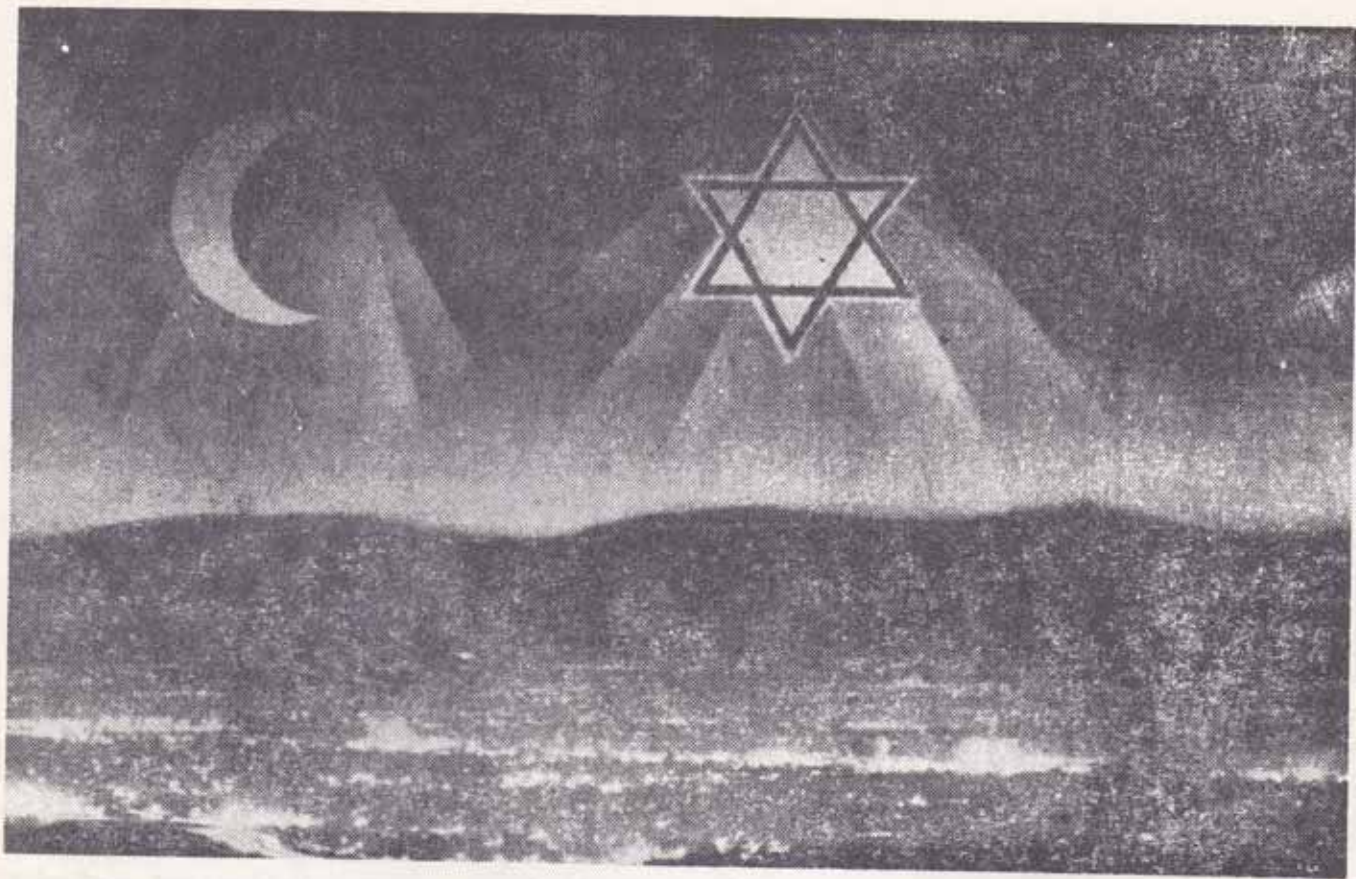
ادامه حملات عراق به شهرهای ایران ممکن است تهران را در وضعی قرار دهد تا حمله زمینی جدیدی را که تدارک دیده است هر آن آغاز کند. خبر گزارها قبلاً خبر داده بودند که طبق اطلاعات موجود این حمله در طول ماه رمضان عملی خواهد شد ولی باتوجه به سوابق این حملات

نشانه هائی که در دست است چنین بنظر می رسد که آیت الله خمینی هنوز از هدف ادامه جنگ که سقوط و برکناری صدام حسین باشد عدول نکرده است.

بعد از مسافرت وزیر امور خارجه عربستان سعودی که مصادف با سوء قصد بجان امیرکویت شد، عراق حملات هوائی خود را به شهرهای ایران و بلاخص به تهران وسعت داد و در بمبارانهای شبانه از تاکتیک اعزام تعداد زیادی هوایما در یک حمله استفاده نمود و این حملات در دسرها و مصائب جدیدی برای مردم فراهم کرد که همگان از آن اطلاع دارند. ولی عراق تا چه وقت می تواند به این حملات ادامه دهد معلوم نیست. بنظر می رسد که پس از حمله به شهرهای بی دفاع و بخصوص به پایتخت و اخیراً درهم کوبیدن پایگاههای نظامی ایران و مراکز تجمع سربازان در جبهه های جنوب، عراق بار دیگر بمباران ها را متوقف خواهد نمود تا اولاً موقعیت خود را ارزیابی نماید و ثانیاً از عکس العمل تهران آگاه شود. بسیار روشن است که رژیم تهران در شرایط فعلی نخواهد توانست بعثت فشار عراق به آتش بس و قطع عملیات جنگی تن در دهد چه رسد به مذاکره و آشتی با رژیم صدام حسین.

البته استراتژی جدید عراق بدون عکس العمل از جانب تهران نخواهد ماند. در حال حاضر استفاده از موشک های زمین به زمین که تا کنون تعدادی از آنها به بغداد شلیک شده، عملیات انتقالی بوسیله بنیاد گریبان شیعه در کشورهای طرفدار عراق، حمله به کشتی هائی که در خلیج فارس به بنادر کشورهای عربی رفت و آمد می کنند و سرانجام یک حمله وسیع نیروهای زمینی از جمله امکانات است که در اختیار ایران می باشد. هر یک از امکانات و شیوه های انتقامی مزبور محدودیت هائی را در بر دارد و بخصوص حمله زمینی جدید به عراق اگر تا کام شود رژیم رابه در دسرها و مصائب جدیدی خواهد انداخت.

گفته می شود که تهران در حدود هفتاد واحد از موشک های زمین به زمین ساخت شوروی را از طریق لیبی دریافت نموده است. کارشناسان نظامی اعتقاد دارند



قسمت چهارم

# سیری در اندیشه های فلسفی یهود

اقتباس از آثار اوستاین

ف. پیروز

انگیزه انتخاب مبانی عقیدتی یهود از بررسی این اعتقادات معلوم می شود، از یک طرف ابن میمون مایل بود که بعضی از جنبه های تفکر فلسفی را درباره خداوند مورد تأکید قرار دهد و از طرف دیگر با بعضی از ادعاهای مسیحیت و اسلام درباره اعتقادات دینی مقابله کند.

کتاب راهنمای اوتأثیر شگرفی بوجود آورد. این کتاب دردوران زندگی ابن میمون دوباره به زبان عبری ترجمه شد و توانست تأثیر

- ۷- اعتقاد به اینکه موسی بزرگترین پیامبر است.
- ۸- اعتقاد به الهام قوانین به حضرت موسی در کوه سینا.
- ۹- اعتقاد به جاودانی بودن قوانین الهام شده.
- ۱۰- اعتقاد به این که خداوند جامع همه دانستی ها و قدرت ها است.
- ۱۱- اعتقاد به ظهور ماشیح.
- ۱۲- اعتقاد به روز رستاخیز.

اعتقاد ابن میمون به این که زندگی و سعادت جاودانی بشر مستلزم آگاهی به وجود خداوند است موجب شد که او بتواند اصول اساسی اعتقادات یهود را تدوین نماید. اولین کوشش های او برای بیان اعتقادات مذهبی یهود در میثاق دیده می شود که ضمن آن برای آنهایی که اعتقاد به روز رستاخیز ندارند و نیز برای پیروان فلسفه اپیکور جانی در جهان باقی نمی شناسد. این طرز فکر ابن میمون بوسیله دانشمندان نسل بعد نیز مورد توجه قرار گرفت و در رابطه با همین اعتقاد است که در کتاب تفسیر میثاق شریعت زندگی و سعادت جاودانی را بیان می کند. به نظر ابن میمون اعتقادات اساسی دین یهود به قرار زیر است:

- ۱- اعتقاد به وجود خداوند و قدرت فائقه او.
- ۲- اعتقاد به یکتا بودن خداوند.
- ۳- اعتقاد به این که خداوند جسم نیست.
- ۴- اعتقاد به جاودانی بودن خداوند.
- ۵- اعتقاد به این که فقط او است که شایسته پرستش است.
- ۶- اعتقاد به گفته های پیامبران.



زیادی در افکار یهودیان حتی آنها که در خارج از کشورهای عرب زبان زندگی می کردند باقی گذارد. مسیحیان قرون وسطی نیز از طریق استفاده از ترجمه این کتاب به زبان لاتین تحت تأثیر آن قرار گرفتند.

کتاب راهنما نزد یهودیان به صورت یک کتاب درسی در فلسفه مورد توجه طبقه تحصیل کرده قرار گرفت و مخصوصاً یهودیانی که در مباحث فلسفی با مسلمانان شرکت می کردند از این کتاب بسیار استفاده کردند. هنوز یک قرن از تدوین کتاب راهنما نگذشته بود که نویسندگان و شاعران یهود عقاید و نوشته های او را به صورت نثر و شعر در کتاب های نیایش یهود وارد کردند.

در عین حال در قرون سیزدهم و چهاردهم اختلافات زیادی درباره آثار ابن میمون وجود داشت. این اختلافات بیشتر از ناحیه روحانیون یهود بود که فکر می کردند ابن میمون از تصور خداوند به نحوی که در تورات و کتب نیایش یاد شده عدول کرده است. ولی این مخالفت ها بیشتر ناشی از ضعف و تعصب صنفی این روحانیون بود. امامتفکران یهود از جنبه فلسفی صرف نیز به انتقاد از ابن میمون پرداختند. از میان این متفکران می توان به لوی بن گرشن اشاره کرد که از پیروان مکتب ارسطو بود و از جهت ظرفیت فکری با خود ابن میمون قابل مقایسه بوده است.

گرشن در کتاب معروف خود بنام «ملخاموت هشتم» در مورد چند نکته به مخالفت با ابن میمون برخاسته. او با قبول فلسفه ارسطو به نحوی که این رشد فیلسوف عرب آن را بیان کرده است می گوید خداوند مطلق ناشناخته نیست بلکه او بالاترین کسی است که انسان درباره اش به تفکر پرداخته و از این جهت موصوف کردن خداوند به صفات عالی که در خوراوست، چنانکه ابن میمون گفته است، بی مورد نیست.

درباره نظریه آفرینش، عقاید گرشن کاملاً با آنچه که ابن میمون گفته است مغایرت دارد. گرشن در حالی که موافقت خود را با نظریه آفرینش در زمان معین بیان می کند، با تئوری وجود ماده پیش از آفرینش و هم چنین خلقت از عدم مخالف نیست. درباره اعتراض به نظریه وجود ماده بی شکل قبل از آفرینش، گرشن می گوید خداوند است که با قدرت فائده خود به این ماده شکل داده به نحوی که در هیچ شرایطی نمی تواند مستقل



از وجود خداوند باشد.

یکی از بزرگترین انتقاد کنندگان از عقاید ابن میمون دو یست سال پس از وفات او برخاسته است. نام او **حیسدا کرسکاس** بوده که بین سالهای ۱۴۴۰ تا ۱۴۱۰ میلادی در اسپانیا می زیسته است. در طول این دو قرن فاصله بین زندگانی ابن میمون و کرسکاس، مرکز فعالیت های فلسفی یهود بطور کلی به مسیحیت اسپانیا تغییر مکان داده بود. در این دوران فلسفه ارسطو در میان دانشمندان اشاعه یافته و عقاید ابن فیلسوف صحنه عقاید فلسفی - مذهبی یهود را تحت الشعاع قرار داد. در این زمان کرسکاس تصمیم گرفت یهودیت را از وابستگی به فلسفه ارسطو که می رفت تادرخشندگی و نور عقاید یهودی رایج کند نجات دهد. با این هدف کتاب «نورخدا»

را نوشت که در آن سخت به ارسطو و ابن میمون تاخته است. در این کتاب بایک رشته تحلیل های جدلی، امکان وجود علل نامتناهی را ثابت و اساس نظرات ابن میمون را درباره اثبات وجود خدا رومی کند.

بدین ترتیب کرسکاس می خواست فرضیه خطا ناپذیری ارسطو و ارزش های او را به عنوان راهنمای دست یابی به حقیقت ادیان رو کند.

برای اثبات وجود خداوند کرسکاس متوسل به نظریه ضرورت وجود می شود که قبلاً مورد استفاده بن داود و ابن میمون قرار گرفته بود و اعتبار آن همچنان به قوت خود باقیست و لو آنکه سلسله علت ها متناهی یا نامتناهی باشد زیرا جهان نامتناهی خود



امکان وجود است و محتاج به پایداری است که ضرورت وجود یا واجب الوجود می باشد.

صرف امکان وجود، به معنای اینکه جهان ضرورت طبیعی علتها معلولهاست نمی باشد بلکه نمایش قدرت اراده خداوند است. بالاترین مظهر اراده خداوند عشق است و آفرینش یک وسیله حتمی است تا بدان وسیله خداوند جاذبه خود را وهستی رابه همه کائنات ببخشد. کرسکاس باتعین عشق بعنوان مهمترین عامل تعیین کننده حرکت درآفرینش به نتایجی می رسد که از نظرات ابن میمون بنیاد گرایانه تراست. به نظر او آفرینش از عدم معنی دیگری ندارد جز آنکه هستی و کائنات مدیون اراده خداوند است. اراده خداوند درآفرینش ناشی از ذات وجود خداوند است که الزاماً بر محور نیکی ها می چرخد و چون آفرینش نیکو بوده است ولی زمین و کائنات آفریده شدند. بدین ترتیب به نظر او یهودیت به نحوی با عقاید ارسطو مبتنی بر خلقت کائنات هماهنگی دارد مشروط بر آنکه این جهان و کائنات ناشی از ضرورت وجود فارغ از اراده خداوند نباشد بلکه ضرورتی که فقط با اراده پروردگار بوجود آمده است.

کرسکاس از این مطالب به این نتیجه می رسد که فارغ از هر فرضیه و تصویری «حقیقت کامل» همان است که بر ما نازل شده و آن اینکه طبق مندرجات کتاب آفرینش خداوند زمین را در زمانی معین آفریده است.

تاکید کرسکاس بر عشق به عنوان زمینه اساسی آفرینش و مخالفت او با نظرات ابن میمون در مورد شرایط لازم برای شناخت خداوند که مبتنی بر آگاهی و نیروی اندیشه و ذهن بشر است موجب شد که دیدگاه کرسکاس در مورد عقاید دین یهود با آنچه که ابن میمون به عنوان عقاید اساسی این دین بیان کرده و موارد سیزده گانه آن در این مقاله آورده شد اختلاف داشته باشد. کرسکاس ابن میمون رابه عنوان اینکه نتوانسته است بین نظریه های بنیانی دین یهود و عقایدی که هر چند لازم هستند ولی در درجه دوم اهمیت قرار دارند تفاوتی قائل شود مورد انتقاد قرار می دهد.

به نظر او عقاید اساسی دین یهود به سه دسته تقسیم می شوند: نخست اصول اساسی دین که پایه های آن را تشکیل می دهد

و اگر این اصول نباشد استواری دین از میان می رود.

دوم، اعتقادات حقیقی که انکار آنان گرچه مایه انحراف شدید است ولی باعث از بین بردن یهودیت نمی شود.

سوم، عقایدی که هر چند ساختمان اصلی سنت های یهودی را تشکیل می دهد، قبول و اجرای آنها به فرد بستگی دارد. از جمله اصول اساسی دین یهود عشق به خداوند است که در اصول تدوین شده بوسیله ابن میمون ذکر نشده. از طرف دیگر روز رستاخیز که بوسیله ابن میمون به عنوان اصول اساسی بیان شده از نظر کرسکاس فقط بیان یک عقیده است زیرا به نظر او بزرگترین ایده آل یک یهودی اطاعت از خداوند است بدون آنکه انتظار پاداشی بر آن مترتب باشد. موضوع دیگر جاودانی بودن تورات و برتری موسی به عنوان یک پیامبر و ظهور ماشیح است که اینها نیز به عنوان یک سلسله اعتقادات بحساب آمده در حالی که ابن میمون این اعتقادات را از اصول اساسی دین می شمارد.

کرسکاس نیایش و توبه را نیز در ردیف اعتقادات حقیقی (دسته دوم) بحساب می آورد و ظاهراً مایل بوده است که در این مورد بامسیحیت که خود را سرمنشاء نیایش و توبه می داند مقابله کند. در میان عقاید دسته سوم، ذهنیاتی مانند حرکت دهنده اولیه و ناشناخته بودن قدرت خداوند و محلی که جایگاه بهشت و جهنم است و نیز عقاید در مورد شیطان و افسون و دعا آورده شده است. و سرانجام نظریه کرسکاس درباره «اختیار» نیز قابل توجه است. تصور او درباره خداوند انسان را نیز در یک موضع جبری قرار می دهد که این اجبار بر تمام اعمال او ناظر می شود. معذک به نظر کرسکاس انسان مختار است و او آتیار را در ردیف اصول اساسی می شناسد. علی رغم این که افعال و کردار انسان بواسطه زنجیر علتها در یک حالت جبری قرار می کرد و انسان کنترلی بر آن ندارد، اراده انسان در این سلسله علتها یک عامل تعیین کننده است. به نظر او انسان آزاد است و پاداش و جزای او بر حسب تصمیمی که برای قدم نهادن در راه درست یا نادرست اتخاذ می کند باید تعیین شود.

نظریه کرسکاس از محدوده افکار مذهبی یهود فراتر رفته است. جدال او با افکار ارسطو مورد استفاده فلاسفه دیگر قرار گرفت.

معذک اصول آموزش های او درباره عشق خداوندی، آفرینش و اختیار تاثیر چندانی بر اسپینوزا نداشت در حالیکه تصور او درباره نامتناهی جهت گیری افکاری را که منجر به دیدگاه های علمی جدید درباره جهان شد معین نمود.

بعداز کرسکاس دوران استقلال افکار فلسفی یهود پایان یافت. آنچه را که نسل های بعدی ارائه کردند خلاصه کردن یا تکرار عقاید فلاسفه قبل بود، معذک قبل از اینکه دوران این استقلال کاملاً بسر آید اثر مهم دیگری از جانب یک فیلسوف یهودی به جهان تقدیم شد که تاثیر زیادی بر خوانندگان خود باقی گذاشت. عنوان این کتاب «اصول اساسی» است که بقلم جوزف آلبو دراوائل قرن پانزدهم در اسپانیا منتشر شده است. جوزف آلبویکی از پیروان کرسکاس بود. توجه اصلی او در این کتاب به جزئیات دین یهود بوده که در آن زمان مورد حمله کلیسا قرار گرفته بود و یهودیت اسپانیا رابه خطر می انداخت. آلبو مایل بود درباره این جزئیات توضیح دهد و شاید تغییراتی در آن بوجود آورد. از این روسعی کرده است که مسائل را در اعتقادات مسیحیت مطرح و ریشه های آن را در یهودیت پیدا کند و بعنوان موفقیت های دین یهود ارائه دهد. آلبو اولین کسی است که کلمه «ایکار» به معنای اصول رادر مفهوم فنی جزم در زبان عبری بکار برده است. با پیروی از کرسکاس، آلبو بین اصول اساسی و صرف عقاید که آن را «ریشه» یا بنیاد نام می نهد اختلاف قائل است. او موارد سیزده گانه اصول اساسی دین یهود را چنانکه ابن میمون بیان کرده بود به سه اصل اساسی شامل وجود خدا، وحی و رستاخیز تقلیل می دهد. این سه اصل مختص دین یهود نیست بلکه اساس دین های دیگر را که بر پایه وحی قرار دارند تشکیل می دهد. ولی درقبال بیان این سه اصل اساسی، پاره ای از همبستگیها که لازمه این اصول است نیز وجود دارد. بنابراین وجود خداوند در همبستگی با وحدانیت او و جسم نبودن و جاودانی بودنش بیان می شود. این همبستگیها که تعداد آنها هشت و با اصول اساسی سه گانه مجموعاً یازده اعتقاد تغییرناپذیر را تشکیل می دهد برای هر فرد یهودی الزام آور بوده و انکار آنها بدون قبول گناه بی دینی نخواهد بود. علاوه بر این، شاخه های فرعی عقاید

# ADRAY'S

6609 Van Nuys Blvd., Van Nuys

5575 Wilshire Blvd., L.A.

The Supermarket of Discount Shopping  
Shop with Confidence at Adray's

RCA  
25"  
diagonal  
ColorTrak  
Monitor-Receiver with  
Remote Control  
\$489<sup>90</sup>



CABLE READY WHILE STOCK LASTS



RCA 12" TV  
COMPACT DIAGONAL  
ONLY \$67<sup>90</sup>

BEST PRICES ON:  
**RCA**

The Name You Can Trust



13" COLOR TV  
• Direct Remote Control  
• Cable Ready  
TOO LOW  
TO QUOTE



RCA VHS 8 HR. VCR  
WITH PICTURE SEARCH & REMOTE CONTROL  
\$358<sup>90</sup>



RCA PROGRAMMABLE  
PORTABLE  
VHS VCR  
WITH REMOTE CONTROL  
• Infra-red Remote Control  
• 14-Day, 6-Event Programming  
\$619<sup>90</sup>



Selections on Model VKP170 Remote Control

A COMPLETE SELECTION OF ALL BRANDS OF GIANT SCREEN ON SALE



RCA Save Up To 50%



RCA 19" COLOR TV ONLY

• Automatic color control & flesh-tone correction

• Automatic contrast/color tracking

239<sup>90</sup>

# ADRAY'S

OPEN 7 DAYS: MON.-SAT. 10-6, SUN. 11-5

We Accept MasterCard, American Express, Visa & Personal Charges

6609 Van Nuys Blvd.  
5575 Wilshire Blvd.

908-1500 and 908-1501  
936-5119 and 935-8242

BOTH LOCATIONS: Video Tape Rental—Televisions—Videos—Cameras—Refrigerators  
Washers/Dryers—Microwave Ovens—Small Appliances—Personal Care—Stainless & Sterling Flatware  
Crystal—China—Jewelry—Optical and Toys—Hand Made Oriental Rugs & Carpets  
IN VAN NUYS ONLY: Bedroom, Dining, Occasional, Patio & Baby Furniture—Sporting Goods  
Domestic Linens, Pillows & Towels—Food Department—Records—Satellite TV Antennas

NON-PROFIT ORG.  
U.S. POSTAGE  
PAID  
Van Nuys, Ca.  
Permit 431

91356

SOLEYMAN AGHAIE  
4500 JUBILO DR.  
TARZANA CA

IRANIAN JEWISH FEDERATION  
6505 Wilshire Blvd., Suite 1101  
Los Angeles, Ca. 90048  
ADDRESS CORRECTION  
REQUESTED:

SHOFAR